صحیفهٔ انقلاب

وصیت نامه سیاسی الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

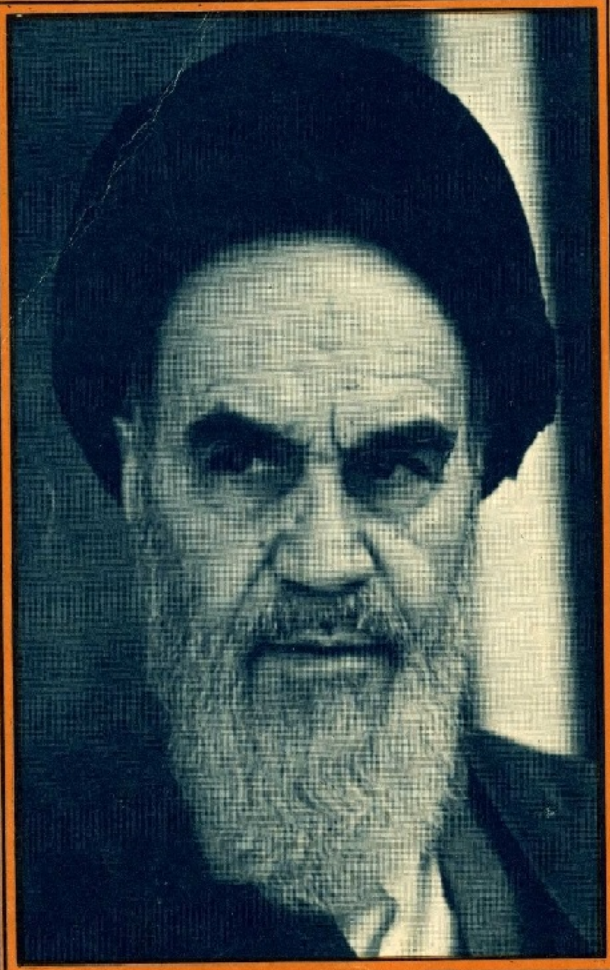

حضرت آیة‌الله العظمی امام خمینی قدس سره

صحیفهٔ انقلاب

وصیت نامه سیاسی الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی

و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

حضرت آیة الله العظمی امام خمینی قدس سره

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان چاپ و انتشارات

صحیفهٔ انقلاب

وصیتنامه سیاسی ـ الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی

و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

حضرت آیةالله العظمی امام خمینی قدس سرّه

تعداد: ۵۰،۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۵ خرداد ۱۳۶۸

قیمت: ۱۵۰ ریال

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی اهل بیتی فانهما لن یفترقا حتی
یردا علی الحوض

الحمد لله وسبحانک اللهم صل علی محمد وآله ما هر جا که وجود لک و خزائن اسرار کتاب الهی تمام فیه هدی به بحیث بکار حق
حق است ترنها اشتر بدیعه غیر که و هیچ عالم علیم جز بشجرة انبیا و بعد ایجاب مناسب میدانم که شمه از
و قاصر در باب ثقلین ذکر دهم نه از حیث قابلیت غیر و معنوی و حقانی که قلم شرح شان عاجز است از عبارت در جهان
که عرفان ان بر تمام دائره وجود از ملک تا ملکوت اعلی و ادنی تا لاهوت و انچه در فهم و توانایی سکنین و بحران فوق
طاقت اگر بگویم متمتع است و نه از انچه بر بشریت گذشته است از صعود بدون از حقایق تمام ذهنی شرا اگر و تعبیر
که از هر چیز اکبر است جز شرف اکبر که اکبر مطلق است و نه از انچه گذشته است بر این دو شرف از دشمنان خدا و طاغوتیان
بنگر که شما عزیزان بجای شرمنی میسر نیست با قصور بلاغ و وقت محدود بکه تناسب دیدم اشاره کردم و بسیار کوتاه
فانچه بر این دو شرف گذشته است شاید جدا از ثقلین تعبیر حتی یردا علی الحوض باشد برانکه بعد از وجود مقدس رسول
صلی الله علیه وآله وسلم هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و صعوبت هر یک صعوبت دیگری است
تا زمانی که هر دو صعود بر ملکی خدا وارد شوند و آیا این حوض تمام انتقال گرفت بعد است و همچنان تکرار
بعد دیگر است یا چیز دیگر که تعبیر و عرفان بشر ما را نداده و باید گفتند تمرکز از طاغوتیان بر این دو ودیعه رسول اکرم
صلی الله علیه وآله وسلم که شیعه بر امت مسلمان بلکه بر بشریت گذشته است که قلم از ان عاجز است و ذکر این نکته
لازم است که حدیث ثقلین متواتر بین جمیع مسلمین است و کتب اهل سنت از صحاح شش گانه تا کتب دیگر ایشان
با الفاظ مختلفه وارد گردیده از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم بطور متواتر نقل شده است و این حدیث شریف
حجت قاطع است بر جمیع فرق و فرقه مسلمان از هر مذهب مختلف و باید همه مسلمان که حجت بر آنان تمام است جواب
گو ان باشند و اگر عذری برای عالمان باخبر باشد برای عوام نیست اکنون به بینیم چه گذشته است
بر کتاب خدا این ودیعه الهی و ما ترک پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم مسائل اکبر که باید برای آن خون گریه
کرد بعد از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد خود خواهان و طاغوتیان قرآن کریم را وسیله کردند بهای حکومت جنبه قرآنی
و روح اسلامی

پیشگفتار

بسم‌الله الرحمن الرحیم

قال رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله وسلّم: انّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی فانّهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض.

الحمدلله و سبحانک اللّهم صلّ علی‌محمد و آله مظاهر جمالک و جلالک و خزائن اسرار کتابک الذی تجلّی فیه الاحدیة بجمیع اسمائک حتی المستأثر منها الذی لایعلمه غیرک و اللعن علی ظالمیهم اصل الشجرة الخبیثه.

و بعد اینجانب مناسب می‌دانم که شمهٔ کوتاه و قاصر در باب ثقلین تذکر دهم، نه از حیث مقامات غیبی و معنوی و عرفانی که قلم مثل منی عاجز است از جسارت در مرتبه‌ای که عرفان آن بر تمام دائرهٔ وجود از ملک تا ملکوت اعلی و از آنجا تا لاهوت و آنچه در فهم من و تو ناید سنگین و تحمل آن فوق طاقت، اگر نگویم ممتنع است. و نه از آنچه بر بشریت گذشته است از مهجور بودن از حقایق مقام والای ثقل اکبر و ثقل کبیر که از هر چیز اکبر است جز ثقل اکبر که اکبر مطلق است و نه از آنچه گذشته است بر این دو ثقل از دشمنان خدا و طاغوتیان بازیگر که شمارش آن برای مثل منی میسر نیست با قصور اطلاع و وقت محدود، بلکه مناسب دیدم اشاره‌ای گذرا و بسیار کوتاه از آنچه بر این دو ثقل گذشته است بنمایم.

شاید جملهٔ لن یفترقا حتی یردا علی الحوض اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود مقدس رسول الله صلی‌الله علیه و آله وسلم هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هریک مهجوریت دیگری است تا آنگاه که این دو مهجور بر رسول خدا در حوض وارد شوند. و آیا این حوض مقام اتصال کثرت به وحدت است و اضمحلال قطرات در دریا است یا چیز دیگر که به عقل و عرفان بشر راهی ندارد؟ و باید گفت آن ستمی که از طاغوتیان براین دو ودیعهٔ رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم گذشته بر امّت مسلمان بلکه بر بشریّت گذشته است که قلم از آن عاجز است.

و ذکر این نکته لازم است که حدیث ثقلین متواتر بین جمیع مسلمین است و کتب اهل سنّت از صحاح شش‌گانه تا کتب دیگر آنان با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بطور متواتر نقل شده است و این حدیث شریف حجّت قاطع است بر جمیع بشر بویژه مسلمانان مذاهب مختلف و باید همهٔ مسلمانان که حجّت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند و اگر عذری برای جاهلان بی‌خبر باشد برای علماء مذاهب نیست.

اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا این ودیعهٔ الهی و ما ترک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلّم. مسائل اسف انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد پس از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد.خود خواهان و طاغوتیان قرآن کریم را وسیله‌ای

و مفسران حقیقی قرآن و پشتیبان بحقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دریافت کرده بودند
دستهای ناپاک ظلم استبداد در گوشه‌ای بود با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده آنان را عقب زده
و با قرآن در حقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود بحوض بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود دست از صحنه خارج
کردند و بحکومت عدل الهی که یکی از توانهای این کتاب مقدس بوده دست خط بطلان بکشیدند و انحراف از
دین خدا و کتاب و سنت الهی را گذاری کردند تا کار بجائی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است و هر چه این جریان
یکی بعد دیگری و انحرافها افزون شد تا اینجا که قرآن کریم که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه
عالم بشری از مقام شامخ احدیت بکشف تام محمدی ص نزول کرد که بشریت را به آنچه باید برسد برساند و این ودیعه
علم اسلام را از شر شیاطین و طاغوتها رها سازد و جهان را بقسط و عدل برساند و حکومت را بدست اولیاء
معصومین علیهم صلوات الله و لعنت بر هر غریب بسپارد تا آنان بهر که صلاح بشریت است بسپارند جهان در صحنه خارج
نمودند که گوئی نقشی برای هدایت ندارد و کار بجائی رسید که نقش قرآن بدست حکومتهای جائر و اخوانی خبیث
بدتر از طاغوتیان وسیله برای اقامه جور و فساد و توجیه لشکران و معاندان حق قلمداد شد و صلح بدست شیطان
توطئه‌گر و دوستان جاهل قرآن این کتاب سرنوشت ساز تنها نقش جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و دارد
و آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا بطلا
از صحنه خارج شد که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی‌آورد و از سیاست که نقش بزرگ اسلام
در اسلام بزرگوار صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن و سنت مشحون است سخن میگفت گوئی بزرگترین معصیت را
مرتکب شده و کلمه اخوند سیاسی مترادف با اخوند بد دیت شده بود و اکنون نیز است و چرا قدرتهای
شیطانی بزرگ بوسیله حکومتهای منحرف خارج از تعلیمات اسلامی که خود را مدافع اسلام میدانند برای محو
قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابر قدرتها قرآن را با خط زیبا طبع میکنند و با اطراف میفرستند و با این حیله
شیطانی قرآن را از صحنه خارج میکنند ما دیدیم قرآنی را که محمد رضا خان پهلوی طبع کرد و عده‌ای را بنام
مدح بدهی

کردند برای حکومتهای ضد قرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دریافت کرده بودند و ندای اِنّی تارک فیکم الثقلان در گوششان بود با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده آنان را عقب زده و با قرآن، در حقیقت قرآن را که برای بشریّت تا ورود به حوض بزرگترین دستور زندگانی مادّی و معنوی بود و هست از صحنه خارج کردند و بر حکومت عدل الهی که یکی از آرمانهای این کتاب مقدّس بوده و هست خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنّت الهی را پایه‌گذاری کردند تا کار بجایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است.

و هرچه این بنیان کج به‌جلو آمد کجیها و انحرافها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطهٔ جمع همه مسلمانان بلکه عائلهٔ بشری از مقام شامخ احدیّت به کشف تام محمّدی (ص) تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند، برساندو این ولیدهٔ علم‌الاسماء را از شرّ شیاطین و طاغوتها رها سازد و جهان را بقسط و عدل رساند و حکومت را بدست اولیاءالله، معصومین علیهم صلوات‌الاولین والآخرین، بسپارد تا آنان بهر که صلاح بشریت است بسپارند، چنان از صحنه خارج نمودند که گوئی نقشی برای هدایت ندارد و کار بجائی رسید که نقش قرآن به دست حکومتهای جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله‌ای برای اقامهٔ جور وفساد و توجیه ستمگران و معاندان حق‌تعالی شد و مع‌الاسف به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت‌ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیلهٔ جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیلهٔ تفرقه و اختلاف گردید و یا به‌کلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی‌آورد و از سیاست که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار صلی‌الله علیه و آله وسلم و قرآن و سنّت مشحون آن است سخن میگفت گوئی بزرگترین معصیت را مرتکب شده و کلمهٔ آخوند سیاسی موازن با آخوند بی‌دین شده بود و اکنون نیز هست.

و اخیراً قدرتهای شیطانی بزرگ بوسیله حکومتهای منحرف خارج از تعلیمات اسلامی که خود را به‌دروغ به اسلام بسته‌اند برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابرقدرتها قرآن را با خط زیبا طبع می‌کنند و به اطراف می‌فرستند و با این حیلهٔ شیطانی قرآن را از صحنه خارج می‌کنند.ما همه دیدیم قرآنی را که محمدرضا خان پهلوی طبع کرد و عده‌ای را اغفال کرد و بعض آخوندهای بی‌خبر از مقاصد اسلامی هم مداح او بودند و

کرد بنی اخوند ای بی خبر از تا حد هیچکاه طرح او بودند وی بیم که ملک قهر سالی تسار شهر زیاد از نزد تا بر پایان خود
را صرف طبع قرآن کریم و مال جلیات نه بهب خود قرآن میکند و دا بیت لم تهب برا پا بها و خرافاتی را ترویج میکند
و مردم و تمامی غافل را سوق بسوی این قدر تا میدهد و لذ هم عزیز و قرآن کریم برای هم هم و قرآن بهره برداری
میکند ما متحریم و ملت عزیز تا با تعدد هم و قرآن متحرمات که پیروز نه هست که میخواهد حقایق قرآن که سر اسرار او وحدت
بین مسلمین بلکه بشریت دم میزند از مقبره ها و گورستان ها نجات داده و بعنوان بزرگترین نسخه نجات و هدایت بشر را بخیل
قیدی که برای دست و قلب و عقل او پیچیده است او را بسوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می کشاند نجات
دهد و ما متحریم که پیروز هم هستیم که رهبر خود و مرسل ان با مرخداوند تعالی بوده و امیر المؤمنین امام بر حق رها شده
از تمام قیدها و رها کردن بشر از تمام انحلال و بردگی است ما متحریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگ
ترین دستور زندگی مادی و معنوی و با ارزش ترین کتاب رسالت بشر است و دستورات معنوی و حکومتی ان بهترین راه
نجات بشر از ام معصوم است ما متحریم که ائمه معصومین از علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه تا بحر بشر حضرت مهدی
صلوات الله علیهم اجمعین که بعد از خداوند قادر زنده و ناظر امور است ائمه هستند ما متحریم که ادعیه حیات بخش که او را قرآن
ناطق و زبور ال محمد و صحیفه فاطمیه که کتاب الهامات است از جانب خداوند تعالی بزهرای مرضیه است از ما است ما متحریم که با قرآن
هم هم بهترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خداوند تعالی بر کسی میل پیدا نمیکند و ائمه معصومین علیهم السلام او را درک نکرده
و نتوانند درک کرد از ما است و ما متحریم که مذهب ما جعفری است که فقه ما که دیدگاه ما است یکی از ارکان
ما متحریم بعد ائمه معصومین علیهم صلوات الله و تعدد بر پیروی از ایشان ما متحریم که ائمه معصومین ما صلوات الله
و سلام علیهم در راه تعالی دین هم در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از اجداد
ان است در حبس و تبعید بسر برده و عاقبت شهید در راه براندازی حکومتهای جابر را سر و طاغوتیان زمان
خود و ما امروز متحریم که میخواهیم تا حد قرآن و سنت را پیاده کنیم و تا نهایت ملت مسلمان راه بزرگ

می‌بینیم که ملک فهد هرسال مقدار زیادی از ثروتهای بی‌پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و محال تبلیغات مذهب ضد قرآنی می‌کند و وهابیت این مذهب سراپا بی‌اساس و خرافاتی را ترویج می‌کند و مردم و ملتهای غافل را سوق بسوی ابرقدرتها می‌دهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره‌برداری می‌کند.

ما مفتخریم و ملت عزیز سر تا پا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم میزند، از مقبره‌ها و گورستانها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخهٔ نجات دهندهٔ بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را بسوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند، نجات دهد. و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده و امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب این بندهٔ رها شده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی‌هاست.

ما مفتخریم که کتاب نهج‌البلاغه که بعد از قرآن بزرگ‌ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است.

ما مفتخریم که ائمهٔ معصومین از علی‌بن ابی‌طالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان علیهم الاف التحیات والسلام که بقدرت خداوند قادر زنده و ناظر امور است ائمه ما هستند.

ما مفتخریم که ادعیه حیات بخش که او را قرآن صاعد می‌خوانند از ائمه معصومین ما است. ما به مناجات شعبانیهٔ امامان و دعای عرفات حسین‌بن علی علیهما السلام و صحیفهٔ سجادیهٔ این‌زبور آل محمد و صحیفهٔ فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است.

ما مفتخریم که باقرالعلوم بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول صلی‌الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام، مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ماست.

و ما مفتخریم که مذهب ما جعفری است که فقه ما که دریای بی‌پایان است یکی از آثار اوست و ما مفتخریم به همهٔ ائمه معصومین علیهم صلوات الله و متعهد به پیروی آنانیم.

ما مفتخریم که ائمه معصومین ما صلوات‌الله و سلامه علیهم در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است در حبس و تبعید بسر برده و عاقبت در راه براندازی حکومتهای جائرانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند. و ما امروز مفتخریم که می‌خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلفهٔ

سرنوشت ساز سرزمین ما نشان داده جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا میکنند ما مفتخریم که با زنان و زنان پیر و جوان
و خورد و کلان در صحنه های فرهنگ و تبلیغات و نظامی حاضر و بعضی مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقابله قرآن
کریم فعالیت دارند و اما که توان جنگ دارند در امور نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور بعضی از زنان جهت هم شرکت
دارند اما محرکهای که توطئه دشمنان و ناشناخته دوستان از جهان اسلام و قرآن برانگیخته بر اسلام و مسلمانان تحمیل نموده شجاعانه
و مقتدرانه خود را رهانیده و از قید فرمانهای که دشمنان برای منافع خود بر ستمدیدگان و بعضی دولتهای بی اطلاع از مصالح مسلمین
خارج کرده اند و اما که توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه بخواری و زشتی که دل ملت را لذت و شعف تازه
در می آورد و دل دشمنان و جاهل بر قرار دشمنان را از خشم و غضب میلرزاند اشتغال دارند و ما مکرر دیدیم که زنان
بزرگوار زینب گونه علیها سلام به فریاد می رسند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز
خود گذشته و مفتخر به نام امر و میدانند آنچه پیشتر آورده اند بالاتر از خیانت نعیم است چه رسد به متاع ناچیز دنیا
و ملت ما بلکه تمام مسلمین و مستضعفان جهان مفتخرند بلکه دشمنان آنان که دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیز
و مردمانی هستند که از هیچ خیانت و جنایتی برای مقابله شوم جنایتکارانه خود دستگیر نکنند و برای رسیدن به ریاست طلبی
پشت خود دوست و دشمن را نمی شناسند و دولتمردان آنان امریکا این تروریست بالذات است و دولتمردان که سرتاسر جهان را
با ترس کشیده و اهم پیمان ننگ و صهیونیست جهانی که برای رسیدن به مطامع خود جنایتی مرتکب میشود که قلمها از نوشتن و زبانها
از گفتن آن شرم دارند و خیال ابلهانه اسرائیل بزرگ آنان را به جنایت میکشاند و ملتهای بیدار و مستضعفان جهان مفتخرند
که دشمنان انسانیت از دادن هیچ جنایت پیشه دور نکرد و حسن و حسنی بارک هم آخر با اسرائیل جنایتکار در راه
خدمت به امریکا و اسرائیل از هیچ جنایتی بلندی خود سعی گردان نیستند و ما مفتخریم که دشمن ما صدام فعلی است که دوست
و دشمن او را به جنایتکاری و نقض حقوق بین الملل و حقوق بشر می شناسند و همه میدانند که جنایتکاری او بر ملت مظلوم عراق
و شیخ نشینان خلیج کمتر از خیانت به ملت ایران اسلامی نباشد و ما و ملتهای مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه های گروهی و مقامهای
تبلیغاتی جهانی ما و همه مظلومان جهان را به جنایت و خیانتی که ابرقدرتهای جنایتکار دستور میدهند متهم میکنند

روح الله الموسوی الخمینی

ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت‌ساز سر از پا نشناخته جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می‌کنند.

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند. و آنانکه توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت و از محرومیتهایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود بدست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین بوجود آورده بودند، خارج نموده‌اند. و آنانکه توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه بنحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شعف بلرزه در می‌آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند، اشتغال دارند. و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب‌گونه علیها سلام‌الله فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر و می‌دانند آنچه بدست آورده‌اند بالاتر از جنات نعیم است چه رسد بمتاع ناچیز دنیا، و ملت ما بلکه ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان آنان که دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند درندگانی هستند که از هیچ جنایت و خیانتی برای مقاصد شوم جنایتکارانه خود دست نمی‌کشند و برای رسیدن بریاست و مطامع پست خود دوست و دشمن را نمی‌شناسند و در رأس آنان آمریکا این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم پیمان او صهیونیست جهانی است که برای رسیدن بمطامع خود جنایاتی مرتکب می‌شود که قلمها از نوشتن و زبانها از گفتن آن شرم دارند و خیال ابلهانه اسرائیل بزرگ، آنان را بهر جنایتی می‌کشاند. و ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آنها حسین اردنی این جنایت پیشهٔ دوره‌گرد، و حسن و حسنی مبارک هم آخور با اسرائیل جنایتکارند و در راه خدمت به آمریکا و اسرائیل از هیچ خیانتی به ملتهای خود روی‌گردان نیستند. و ما مفتخریم که دشمن ما صدام عفلقی است که دوست و دشمن او را به جنایت کاری و نقض حقوق بین‌المللی و حقوق بشر می‌شناسند و همه می‌دانند که خیانتکاری او به ملت مظلوم عراق و شیخ‌نشینان خلیج، کمتر از خیانت به ملت ایران نباشد و ما و ملتهای مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه‌های گروهی و دستگاههای تبلیغات جهانی، ما و همهٔ مظلومان جهان را بهر جنایت و خیانتی که ابرقدرتهای جنایتکار دستور می‌دهند متهم می‌کنند.

کلام آنان بالاتر و والاتر از آنکه امریکا با همه ادعا و پیشرفت سازوبرگ جنگی و دانش و تمدن سرپرده شود و دست و پنجه
زدن تمدن بی پایان تمدن مظلوم قتب فقاه و دست و پنجه تمام رسانه ها گردد هر دو تا بر ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیة الله
ارواحنا لمقدمه الفداء. این دو نامه در سوانح است که تمیه آنکه تمسک شود و در هر کس مکینه جواب را میشنود و این
نیست جز همه های غیبی حضرت باری تعالی جلت عظمته که ملتها را بویژه ملت ایران هستی را بیدار نموده و ظلمات
شمشیر بر نور هدایت هدایت نموده می اکنون بملتهای شریف مستمر و بملت عزیز ایران توجه میکنم که این راه مستقیم الهی
که نه شرقی است و نه غربی بسنگر کافر و باب است بلکه صراطی که خدا به آن نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد پایدار
باشید بوده و لحظه از شکر این نعمت غفلت نکرده و دستهای ناپاک عمال ابر قدرتها چه عمال خارجی و چه عمال داخلی جرأت
خارجی تزلزل در نیت پاک و ارادت آهنین آنان رخنه نکند و بدانند که هر چه رسانه های گروهی عالم و قدرتهای شیطانی
غرب و شرق هشتم میزنند و لیکن قدرت الهی آنان است و خداوند بزرگ سزای آنان را هم در این عالم و هم در
عوالم دیگر خواهد داد انه ولی النعم و جیده ملکوت کل شیء و با کمال جد و عجز از ملتهای مسلمان میخواهم که از ائمه
فساد و فشار عزیزان بر دوش کنند از آنجمله است از فقه مشترک بیان که کتاب رسالت و امامت است و فصل ریشه
و علت ملتها است چه اسلام اولیه و چه ثانویه که هر دو کتاب فقه اسلامی است ذره از آن تجاوز نشود و بوسیله خداوند
معانه با حق و مذهب گوش فرا دهند و بدانند قدمی انحرافی مقدمه سقوط مذهب و اسلام است و حکومت عدل
الهی است و از آنجمله از نماز جمعه و جماعت که بیان کرد سیاسی نماز است هرگز غفلت نکنند که این نماز جمعه از
بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است و از آنجمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید
مظلومان و سرور شهیدان حضرت ابا عبد الله الحسین صلوات و افر الهی و ملائکه و صلحا بر روح
بزرگ حماسه آفرین و هیچگاه غفلت نکنند و بدانند آنچه دستور ائمه علیهم السلام برای بزرگداشت این حماسه
تاریخی اسلام است و آنچه لعن و تفریق بر سنگران آل بیت است تمام فریاد قهرمانه ملتهاست بر سر دیوار ستم پیشه

مدح ایرانی

کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه آمریکا با همهٔ ادعاهایش و همهٔ ساز و برگهای جنگیش و آن همه دولتهای سر سپرده‌اش و بدست داشتن ثروتهای بی‌پایان ملتهای مظلوم عقب افتاده و در دست داشتن تمام رسانه‌های گروهی در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیه‌الله ارواحنا لمقدمه الفداء آنچنان وامانده و رسوا شده است که نمی‌داند به که متوسل شود و رو بهرکس می‌کند جواب رد می‌شنود و این نیست جز به مددهای غیبی حضرت باری‌تعالی جلّت عظمته که ملتها را بویژه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده و از ظلمات ستمشاهی به نور اسلام هدایت نمود.

من اکنون به ملت‌های شریف ستمدیده و به ملت عزیز ایران توصیه میکنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است بلکه بصراطی که خداوند به آن‌ها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پای بند بوده و لحظه‌ای از شکر این نعمت غفلت نکرده و دستهای ناپاک عمّال ابر قدرتها چه عمّال خارجی و چه عمّال داخلی بدتر از خارجی تزلزلی در نیت پاک و اراده آهنین آنان رخنه نکند و بدانند که هر چه رسانه‌های گروهی عالم و قدرتهای شیطانی غرب و شرق اشتلم می‌زنند دلیل بر قدرت الهی آنان است و خداوند بزرگ سزای آنان راهم در این عالم و هم در عوالم دیگر خواهد داد انه ولی النعم و بیده ملکوت کل شیٔ و با کمال جدّ و عجز از ملتهای مسلمان میخواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت بطور شایسته و بجان و دل و جان‌فشانی و نثار عزیزان پیروی کنند. از آن جمله دست از فقه سنتی که بیان‌گر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملتها است چه احکام اولیه و چه ثانویه که هر دو مکتب فقه اسلامی است، ذره‌ای منحرف نشوند و بوسواس خناسان معاند با حق و مذهب گوش فرا ندهند و بدانند قدمی انحرافی مقدمه سقوط مذهب و احکام اسلامی و حکومت عدل الهی است و از آن جمله از نماز جمعه و جماعت که بیان‌گر سیاسی نماز است هرگز غفلت نکنند که این نماز جمعه از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین صلوات وافر الهی و انبیاء و ملائکة الله و صلحاء بر روح بزرگ حماسی او باد هیچگاه غفلت نکنند.

و بدانند آنچه دستور ائمه علیهم السلام برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است تمام فریاد قهرمانه ملتها است بر سردمداران ستم‌پیشه در طول تاریخ الی الابد. و میدانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه لعنت

مدعی تاریخ الی هذه بیدانیه که لعن و نفرین و فریاد دارد بیاد نمی آید لعنت به علیهم بانکه انان متوقف و بهم پیوسته اند
فریاد بر سر مستکبران جهان و زنگ کمه امتی این فریاد دستم سکوت است و لازم است در نوحه ها و شعار مرثیه و شعارهای ذراته
حق علیهم معلوم به بلوک کوچه بخابیم و مستکبران را عصر و مصر یاد آوری شود و در این عصر که عصر مظلومیت جهان مستضعف
بست امریکا و شوروی و سایر وابستگان به ایشان و از جمله آل سعود این خائنین بحرم بزرگ الهی لعنت به و مظلومیت در سنه
علیهم است بلوک کوچه یاد آوری و لعن و نفرین شود و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین به این
مرام سیاسی است که حافظ حیثیت مسلمین بویژه شیعیان ائمه اثنی عشر علیهم صلوات به وسلم و آنچه لازم است
تذکر دهم این است که وصیت سیاسی الهی این جانب اختصاص به ملت عظیم الشان ایران ندارد بلکه توجه به جمیع
ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می باشد از خداوند تبارک و تعالی خواهانم که لحظه ای ملت را بخود واگذار
نکند و از عنایت غیبی خود بانی قرآن اسلام در زمان عزیز لحظه در این نفرید

روح الله الموسوی

الله علیهم با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم‌شکن است. و لازم است در نوحه‌ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق علیهم سلام الله بطور کوبنده فجایع و ستمگری‌های ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام بدست امریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آنجمله آل سعود این خائنین بحرم بزرگ الهی لعنت‌الله و ملائکته و رسله علیهم است بطور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود. و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی است که حافظ ملیت مسلمین بویژه شیعیان ائمه اثنی عشر علیهم صلوات‌الله و سلم.

و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی الهی این جانب اختصاص بملت عظیم‌الشأن ایران ندارد بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می‌باشد.

از خداوند عزوجل عاجزانه خواهانم که لحظه‌ای ما و ملت ما را بخود واگذار نکند و از عنایات غیبی خود باین فرزندان اسلام و رزمندگان عزیز لحظه‌ای دریغ نفرماید.

روح‌الله الموسوی الخمینی

بسم الله الرحمن الرحیم

اهمیت هفته بسیج هفته بسیجی که دست آورد حیرت انسان را در تمدن و نهادهای شیعه آن و هیچ بدان آن شهیدان در دست
و صدور هیچ حیرت مسلمانان و مستضعفان جهان است بنابراین است که اورزیابی ان از مهمترین و بیان ما را در ترتیب ایجاب مع
مرحله خیلی که از کم علیم خداوند متعال با همه خطاها و بی خبری و ناوارد پرخطر همان بسیار گام کریم مطلق است بنوان یک مرتبه حقیر
که همچون دیگر برادران ایمانی همه این هفته و بتا دستاوردهای ان و ثمر رسیدن هر چه بیشتر آن اهداف مبنای وحیت بنیس خاص
و نسبتهای عزیز آینده مطالبی هر چند کوتاه در مقدمه خاص و ملاحظه نشان بنیز نیز که ضمن نیست مدایت تذکرات عنایت فرمایند

(۱) میدانیم که این هفته بنگاه دست جهاد خداوند و متکلمان ما از ایران بنگاه کوتاه کرده با نیات نیز الهی پیروزی گوه الگو نمونه
دست توانای خداوند جهان نشان که جمعیت سرشار همیشه با آن تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی خستگی این صد سال خیزد با آن
فرقه هنگی ایرادهای حساب تلوزیان و دهان مردان در مطبوعات و سخنرانی و مجالس و مناسبت ضد اسلامی و ضد ملی بسیت آن پیشرفت
و بنگاه کوتاه نیاز آن همه مراکز پیشرفت و فساد و مسکرات و مواد مخدر که همه و همه برای کشیدن نسل جوان فعال که با دیدار آن نیست
و تعالی و ترقی مهیب عزیز خود فعالیت نمایند و با تمام قدرت پیشرفت از خانه که بدست شاه و سه پیر به فرهنگ شوم
و در تمام مجالس فرهنگی از طرف خانه تمام های قدرتمندان بدست تحمیل شده و از همه بدتر وضع و نشاط و دبیرستان در مرکز
امور که مقدرات کشور بدست آنان سپرده می شد با بکار گرفتن مسلمان و دستان غرب زده و شرق زده ضد و صد مخالف
اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه با صحیح با نام حیات و با گرایش که چه در بین آنان خواهد متعهد و دلسوز بود نه کس با هیچ نه هر آنان
و در تنگنا قرار دادن شان کار بجایی نتوانستند انجام دهند و با این همه و دهها مسائل دیگر که از انجمن با تزوا حرکت کشیدن و دهان
با قدرت تبلیغات با انحراف فکری کشیدن بسیار از آنان کنار آمده است با این وضعیت یک بار چه قیام کننده و دبیرستان کشور
با ایده واحد و فریاد الله اکبر و خدا لا ریبی حیرت آور و معجزه آسا تمام قدرتهای و فشر و ضایع را کنار زده و خود
مقدرات کشور را بدست گیرد بنابراین نگفته باید گفت که هفته بسیجی ایران از همه هفته ها جهات هم در پیشرفت
و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه هفته و قیام و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بود که از جانب
خداوند منان برای این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است

(۲) مسلم و حکومت اسلامی پیدا الهی است که با بکار بستن آن سعادت فرزندان خود در دو دنیا و آخرت به بالاترین وجه تامین کند
و قدرت آن دارد که تمام سرخ بر مشکلات و چیره گیری و نفس و ایثار و از بین بردن خانمان ما بطلان مطلوب خود برساند
و تمامی است که بر خلاف کشورهای غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فکری و نظامی و اقتصادی و دفاعی و ... داده

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی که دست‌اورد میلیونها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید آن و آسیب دیدگان عزیز، این شهیدان زنده است و مورد امید میلیونها مسلمانان و مستضعفان جهان است بقدری است که ارزیابی آن از عهده قلم و بیان والاتر وبرتراست، اینجانب روح‌الله موسوی خمینی که از کرم عظیم خداوند متعال با همه خطایا مأیوس نیستم و زاد راه پر خطرم همان دلبستگی بکرم کریم مطلق است بعنوان یک نفر طلبه حقیر که همچون دیگر برادران ایمانی امید به این انقلاب و بقاء دست‌آوردهای آن و بثمررسیدن هرچه بیشتر آن دارم بعنوان وصیت به نسل حاضر و نسلهای عزیز آینده مطالبی هرچند تکراری عرض مینمایم و از خداوند بخشاینده میخواهم که خلوص نیت در این تذکرات عنایت فرماید.

۱ ــ ما میدانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت یک جمعیت سی‌وشش میلیونی با آن تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی خصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه‌افکنی‌های بی‌حساب قلم‌داران و زبان مردان در مطبوعات و سخنرانیها و مجالس و محافل ضد اسلامی و ضد ملی بصورت ملیت و آن همه شعرها و بذله‌گوئیها و آن‌همه مراکز عیاشی و فحشاء و قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه و همه برای کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت و تعالی و ترقی میهن عزیز خود فعالیت نمایند بفساد و بی‌تفاوتی در پیش‌آمدهای خائنانه که بدست شاه فاسد و پدر بی‌فرهنگش و دولتها و مجالس فرمایشی که از طرف سفارتخانه‌های قدرتمندان بر ملت تحمیل می‌شد و از همه بدتر وضع دانشگاهها و دبیرستانها و مراکز آموزشی که مقدرات کشور بدست آنان سپرده می‌شد با بکار گرفتن معلمان و استادان غرب‌زده یا شرق زده صددرصد مخالف اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه ملی صحیح با نام ملیت و ملی‌گرائی گرچه در بین آنان مردانی متعهد و دلسوز بودند لکن با اقلیت فاحش آنان و در تنگنا قرار دادنشان کار مثبتی نمی‌توانستند انجام دهند و با این همه و دهها مسائل دیگر از آن جمله بانزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغات به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان، ممکن نبود این ملت با این وضعیت یک پارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایدهٔ واحد و فریاد الله اکبر و فداکاریهای حیرت‌آور و معجزه‌آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را بدست گیرد. بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جداست، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفهٔ الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منّان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است.

۲ ــ اسلام و حکومت اسلامی پدیدهٔ الهی است که با بکار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ

و از هیچ کمک و دریغ نا چیزی که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت امور معنوی نقش قابل توجه گذارده شده است و موانع و مشکلات بر راه
تقدم را در اجتماع و فرد کوشش نموده و در رفع آن کوشیده است اینک که توفیق و تایید خداوند جهت رهبری بهائیان ایران است
همت متعهد بایه ریزی شده و آنچه در این حکومت بهائی مطرح است اسلام و احکام شریعت آن است بر عهده علیم بهائیان ایران است
که در تحقق مقصود این بجمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در سراسر تمام و جهات است که انبیاء عظام از آدم تا خاتم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در راه آن کوشش و فداکاری جان فرسا نموده اند هیچ نامی آن را از این فریضه بزرگ باز نداشته
همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام علیهم صلوات الله با کوشش تمام فرصت تا حد خارق خود در حفظ آن کوشیده اند
و امروز بر ملت ایران خصوصا و بر جمیع مسلمانان عموما واجب است این امانت الهی را که به ایران بطور رسمی سپرده شده در حد توانائی
شیعیان علی بار آمده با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقاء آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند و امید است
که پرتو نور آن بر تمام کشورهای بهائی تابیدن گرفته و تمام دولتها و ملتها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند و دست ابر قدرتهای
عالم خوار و جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سرنوشت جهان کوتاه نمایند اینجانب که نمایندگی از عموم دارم کسب وظیفه
شرعی نموده و حفظ و بقاء این ودیعه الهی را تا ابد از موانع و خطراتی که آنرا تهدید میکند برای نسل حاضر و نسلهای آینده
ضمانت میکنم و توفیق و تایید همگان را از درگاه پروردگار عالمیان خواهانم

الف - بقا و دوام بقاء انقلاب بهائی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت میداند و نسلهای آینده و تاریخ خواهند
خواند که در رکن اصلی آن انگیزه الهی و متعهد عالی حکومت بهائی و جنبش ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و متعهد
اینجانب به نسلهای حاضر و آینده وصیت میکنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الهیه برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران
خارج و داخل از کشور ما قطع شود این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم برای آن سفارش فرموده است از دست ندهید
و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقاء آن است فراموش هدف و تفرقه و اختلاف است به جهت تثبیت که بر قلب تبلیغات
در سراسر جهان و در میان مردمی آن تمام توان خود را صرف شایعه ها و دروغهای تفرقه افکن نموده اند و بنیاد را در برابر آن
صرف میکنند و انگیزه نیت سفرای دانمی خائن جهت رهبری سیاسی منطقه و مع پرنسیپ بین آن از سردمداران حکومتها

بر ستمگریها و چپاولگریها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسانها را بکمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که برخلاف مکتبهای غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و برفع آنها کوشیده است.اینک که بتوفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم‌الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن بجمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیاء عظام از آدم علیه‌السلام تا خاتم‌النبیین صلی‌الله علیه و آله و سلم در راه آن کوشش و فداکاری جان‌فرسا نموده‌اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام علیهم صلوات‌الله با کوششهای توان‌فرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده‌اند و امروز بر ملت ایران خصوصاً و برجمیع مسلمانان عموماً واجب است این امانت الهی را که در ایران بطور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی ببار آورده با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقاء آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند و امید است که پرتو نور آن بر تمام کشورهای اسلامی تابیدن گرفته و تمام دولتها و ملتها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند و دست ابرقدرتهای عالم‌خوار و جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سرمظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند.

اینجانب که نفسهای آخر عمر را می‌کشم بحسب وظیفه، شطری از آنچه در حفظ و بقاء این ودیعه الهی دخالت دارد و شطری از موانع و خطرهایی که آنرا تهدید می‌کنند برای نسل حاضر و نسلهای آینده عرض می‌کنم و توفیق و تأیید همگان را از درگاه پروردگار عالمیان خواهانم.

الف ــ بی‌تردید رمز بقاء انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت میداند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن انگیزهٔ الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد.

اینجانب به همه نسلهای حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود این انگیزهٔ الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقاء آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. بی‌جهت نیست که بوقهای تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیده‌های بومی

بعضی کشورها بی‌هدفی که جز منافع شخصی خود فکر نمی‌کنند و چشم و گوش بسته تسلیم امریکا شده‌اند دیده می‌شود و بعضی از روحانیان نما نیز با آن همنوا
امروز و در آینده نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند خنثی کردن تبلیغات تفرقه
افکن خانه برانداز است توجه اینجانب به مسلمین و خصوص ایرانیان بویژه در عصر حاضر آنست که در مقابل این توطئه‌ها عکس‌العمل نشان داده
و با انسجام و وحدت خود بر راه تمکن افزایش دهند و کنار منافقان را با دین نیاسایند

ب - از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر خصوصاً در دهه‌های معاصر بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تجسم نمودن تبلیغات
وسیعه دارای ابعاد مختلف برای مأیوس نمودن ملتها و خصوص ملت فداکار ایران انجام گرفته است لازم به نشانه و با صراحت بگویم همانا مسلم
که هزار و چهارصد سال قبل وضع شده است نمی‌تواند در عصر حاضر کشور را اداره کند یا آنکه مسلم کیست دین از تجارب است و با هنر
آورد و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمی‌شود کشور را اداره نمود جهانی و مظاهر آن کنار گذاشته و امثال این تبلیغات ابعاد
و اهداف مزورانه و شیطنت آمیز که نظر نمایان از مدت است مسلم که همه و دیگر ادیان الهی و کتاب آسمانی و معنویات و تمدن بر از مظاهر
دنیائی و دعوت به ترک دنیا و تعطیل جسمانیات و انزوا و رهبانیت که انسان را بخدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند و حکومت و سیاست
و سرپرستی دارای مخالف این مقصد و مقصود بزرگ بشری است چنانچه تمام برای تحقیر دین است و این مخالف مسلک انبیا بطلان است
مع الاسف تبلیغ بوجه دوم و بعضی از روحانیان و متدینان با خبر از مسلم تأثیر گذاشته که حتی دیانت در حکومت و سیاست را
جنایت یک گناه و فسق میدانستند و شاید بعضی بدانند و این نه چیزی بزرگ است که مسلم جلوگیری آن بود گروه اول که باید کنت
از حکومت و قانون و سیاست یا اطلاع ندارند یا غرضانه خود را به بی‌اطلاعی میزنند زیرا اجرای قوانین برای قسط و عدل
و جلوگیری از تمرکز و حکومت جائرانه و بسط عدالت فسق و جلوگیری و منع از فساد و فحشا و انواع کجروی‌ها و آنارشی برای حفظ و تعدل
و استقلال و خودکفائی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد و حدود و قصاص و تعزیرات برای امن و عدل برای جلوگیری از فساد و تجاوز
یک جامعه و سیاست و راه بردن جامعه برای این مقصود و هدف و اهداف و هدف از این قبیل چیزهائی است که باید در زمان و طریق
بتوزند که اجتماعی کنند شود این دعوی بیان آن است که گفته شود قواعد و قوانین در قرن حاضر باید عوض شود و بجای آن قواعد دیگر گذاشته شود
اگر در هر صورت خلافت عدالت اجتماعی باید جاری شود و از تمرکز و جلوگیری شود امروز چون قرن است آن روز گذشته شده
و ادعای آنکه مسلم باز آورد را مخالف است همان سان که محمد رضا پهلوی مخلوع میگفت که ایران نمی‌خواهند با چهار پایان در این عصر سر کنند
روح الله الموسوی الخمینی

آنان تمام توان خود را صرف شایعه‌ها و دروغهای تفرقه‌افکن نموده‌اند و میلیاردها دلار برای آن صرف می‌کنند. بی‌انگیزه نیست سفرهای دائمی مخالفان جمهوری اسلامی به منطقه و مع‌الاسف در بین آنان از سردمداران و حکومتهای بعضی کشورهای اسلامی که جز بمنافع شخصی خود فکر نمی‌کنند و چشم و گوش بسته تسلیم امریکا هستند دیده میشود و بعضی از روحانی‌نماها نیز بآنان ملحقند. امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آنرا در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه‌افکن خانه‌برانداز است. توصیهٔ اینجانب بمسلمین و خصوص ایرانیان بویژه در عصر حاضر آن است که در مقابل این توطئه‌ها عکس‌العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود بهر راه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند.

ب ــ از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر و بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا بچشم میخورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مأیوس نمودن ملتها و خصوص ملت فداکار ایران از اسلام است، گاهی ناشیانه و باصراحت باینکه احکام اسلام که هزارو چهارصد سال قبل وضع شده است نمیتواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمیشود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند و امثال این تبلیغات ابلهانه و گاهی موذیانه و شیطنت‌آمیز بگونه طرفداری از قداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سروکار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیائی و دعوت بترک دنیا و اشتغال بعبادات و اذکار و ادعیه که انسان را بخدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند و حکومت و سیاست و سررشته‌داری برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است چه اینها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلک انبیاء عظام است و مع‌الاسف تبلیغ بوجه دوم در بعضی از روحانیان و متدینان بی‌خبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را بمثابه یک گناه و فسق می‌دانستند و شاید بعضی بدانند و این فاجعه بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود. گروه اول که باید گفت از حکومت و قانون و سیاست یا اطلاع ندارند یا غرضمندانه خود را به بی‌اطلاعی میزنند زیرا اجراء قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگران و حکومت جائرانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشاء و انواع کجرویها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفائی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود. این دعوی بمثابه آن است که گفته شود قواعد عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و بجای آن قواعد دیگر نشانده شود. اگر در صدر خلقت، عدالت اجتماعی باید

یک اتهام ابلهانه چیزی نیست زیرا اگر مراد از مطالب تمدن و فرآورده‌های اختراعات و پیشرفت‌های صنعتی که در پیشرفت تمدن
غرب دخالت دارد باشد اسلام و هیچ مذهب دیگری با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت را مورد تأکید اسلام و قرآن می‌باشد
و اگر مراد از تمدن غربی همان است که بعضی دانشمندان غرب می‌گویند که تمدن در تمام شئونات زندگی بشر حتی در امور اخلاقی
و روابط انسانی و دانشمندان و متفکران غربی نیز گویند که غرب و شرق دو تمدن جداگانه که کوبانه از آن تجلیل می‌کنند و طایفه دوم که نشئه نوینی
داده‌اند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می‌دانند باید پاسخ داد که قرآن کریم و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن تمدن
که حکومت و سیاست اسلام دارند در سایر چیزها نداده بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام عبادی سیاسی است که مخالفت از آن
این مصیبت را بار آورده چنین مسلم است که حکومت‌های اسلامی و حکومت‌های جهان کنونی با اینکه به سلطه است همواره مخالف
اصول اسلامی حکومت‌های وسیع داشته‌اند و حکومت بنی امیه و بنی عباس نیز با این اینکه به طور وسیع گسترده‌تر شده و ادامه
یافته است پس از آن بتدریج حکومت بهم خورده و اکنون نیز در جهان حکومت اسلامی به جای از اسلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله
بسیار دور است اینجانب در این وضع نامه‌ها بسیار می‌کنم ولی امیدوارم که نویسندگان و دانشمندان و تاریخ‌نویسان مسلمان را
از این اشتباه بیرون آورند و بنویسند که انبیاء علیهم السلام بعثت داشته‌اند و حکومت داشته‌اند و دنیای مسلمانان
و انبیاء و اولیاء و بزرگان از آن هزار مکتبه و ما نیز باید چنین کنیم اشتباه تاسف‌آور است که نتایج آن به ظاهر کشیدن حکومت‌های اسلامی
و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است زیرا آنچه مورد است حکومت‌های شیطانی و حکومت‌های قدرت و تسلط است که برای سلطه جلد و نیز مال
مخرب و دنیایی که از آن تمیز نمود از جمع آوری ثروت و مال و قدرت طلبی و طاغوت‌گرایی است و با غرض دنیایی است
که انسان را از حق تعالی غافل کند و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی
همان است که شیطان بن داود و پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و اصحاب بزرگوار او برای آن کوشش می‌کردند
از بندگی و عبادت و اقامه آن از والاترین عبادت است چنانچه سیاست سالم که در این حکومت‌ها بوده از امور
نفسه است باید ملت بیدار و هشیار ایران با دید اسلامی این توطئه‌ها را خنثی نمایند و گویندگان و نویسندگان متعهد بکوشند
برخیزند و دست شیاطین توطئه‌گر را قطع نمایند

ج - و از این قبیل توطئه‌ها و شایعه‌پردازی‌ها توسعه و تسلیح کشور و در شهرستان‌ها بیشتر برای اینکه جهت اسلامی هم کاری

صلح و برادری

جاری شود و از ستمگری و چپاول و قتل باید جلوگیری شود، امروز چون قرن اتم است آن روش کهنه شده و ادعای آنکه اسلام با نوآورد ها مخالف است همان سان که محمدرضا پهلوی مخلوع که اینان می‌خواهند با چارپایان در این عصر سفر کنند، یک اتهام ابلهانه بیش نیست. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعتهای پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچگاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه‌ای می‌گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشاء حتی هم‌جنس‌بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند گرچه غرب و شرق‌زدگان به تقلید کورکورانه آنرا ترویج می‌کنند. و اما طایفه دوم که نقشه موذیانه دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می‌دانند باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبت‌ها را به بار آورده. پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومتهای جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی و خلفاء اول اسلامی حکومتهای وسیع داشته‌اند و حکومت علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام نیز با همان انگیزه بطور وسیعتر و گسترده‌تر از واضحات تاریخ است و پس از آن بتدریج حکومت به اسم اسلام بوده و اکنون نیز مدعیان حکومت اسلامی به پیروی از اسلام و رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله بسیارند.

اینجانب در این وصیت‌نامه با اشاره می‌گذرم ولی امید آن دارم که نویسندگان و جامعه‌شناسان و تاریخ‌نویسان، مسلمانان را از این اشتباه بیرون آورند. و آنچه گفته شده و می‌شود که انبیاء علیهم السلام به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته‌داری دنیایی مطرود است و انبیاء و اولیاء و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم اشتباه تأسف‌آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملتهای اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است زیرا آنچه مردود است حکومتهای شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جوئی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده‌اند جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت‌طلبی و طاغوت‌گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق‌تعالی غافل کند. و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی همان است که مثل سلیمان‌بن داود و پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی‌الله علیه و آله و اوصیاء بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است، چنانچه سیاست سالم که در این حکومتها بوده از امور لازمه است. باید ملت بیدار و هشیار ایران با دید اسلامی این توطئه‌ها را خنثی نمایند و گویندگان و نویسندگان متعهد به کمک ملت برخیزند و دست

برای مردم انجام خاد بیچاره مردم این شوق و شعف فلاکاه کرده که از ترس طاغیان غربت رانی یا بنده گرفتار یک بدبختی بدتر شده
مستکبران مستکبرتر و مستضعفان مستضعف تر شده زندانها پر از جوانان که امید آینده کشور است بیاشته و شکنجه از رژیم سابق
چه تر و خبرنامه تر است هر روز عده ما اعدام میکنند بهم بعلم دادگاه اسم اسلام معنی این جمهوری میکنند اینها از زمان
رضاخان و بیش بدتر است مردم در رنج و زحمت و گرانی سرسام آور غوطه میخورند و سردمداران دارند این رژیم را که میتوان جنایت میکنند
اموال مردم مصادره میشود و از آزادی در هر چیز از دست سلب شده و بسیاری دیگر از این قبیل امور که با نقشه اجرا میشود و دلیل بر
نقشه و توطئه در کار است اگر هر چند روز یک امر در هر گوشه و کناره و یا در زندان مرزها واقعه در تاریخ این مطلب را
در اذهان بر ما نیز نهیب و در اجابات تقیه فتره باز نهیب جمعیت میشود و یا که تمام گفته شده یکی دیگر صورت میشود و مع الاسف
مغز معاندین که از خیال شیطانی به جزئیات تاریک در فتره از خواص توطئه طلبان یکنند مطلب را آن است و بهای شدن آن است
که بسیاری از آنان که این مسائل را می شنوند و باور میکنند جلوگیری از وضع دنیا و انقلاب بهای جهان و حوادث بعد از انقلاب
و گرفتاریهای عظیم جناب نایب آن خلفه جانبه اطلاع صحیح از توطئه که همه بوده است نداشته و چشم بسته بود جز
امثال این مطالب را شنیده و خود نیز با فضلت یا عدم تابان پیوسته اند اینجا بسته میکنیم که قبل از مطالعه وضعیت کشور
جهان و مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کشور را و تنها که در حال انقلاب
و پس از انقلاب بر آن شکنجه و تعذیب از تعذیب کرده اند یا این کشور را غوطه زده و از ناحیه رضاخان و پهلوی و اطرافیان که
که در طول حیات و لگدی ایشان برای این دولت بار شکنجه داشته اند و بستگیهای عظیم خانمان سوز تا اوضاع و زندگی ایران اداره
و اقتصاد و ارتش و سایر خیانتها و خانه های مسکات فروش و ایجاد بنده بازی و در تمام شئون زندگی و اوضاع تعلیم و تربیت
و اوضاع دبیرستانها و دانشگاهها و اوضاع سینماها و مشروبخانه ها و وضعیت جوانها و زنها و وضعیت روحانیون و مبلغین
و آزادی عالیه متعهد و بازار غیف مستمین و مساجد و زنان عفت و رسیدگی به پیدا نمایند مسلمان و همگی
بجمع و رسیدگی بر خانمها و کیفیت عمل کرد. مستضعفان و رسیدگی به حال سرمایه داران و زمین خواران بزرگ و مستکبران و لاران
فروشان و رسیدگی به حال و کمتر از دادگاههای انقلاب و مقایسه با وضع سابق دادگستری و قضات و رسیدگی به حال زندانیان و مجلس
شورای اسلامی و قضات و دولت و وزرا و سایر مامورین که در این زمان که مقایسه با زمان سابق و رسیدگی بعمل کرد

شیاطین توطئه‌گر را قطع نمایند.

ج ــ و از همین قماش توطئه‌ها و شاید موذیانه‌تر، شایعه‌های وسیع در سطح کشور و در شهرستانها بیشتر براینکه جمهوری اسلامی هم کاری برای مردم انجام نداد. بیچاره مردم با آن شوق و شعف فداکاری کردند که از رژیم ظالمانه طاغوت رهائی یابند، گرفتار یک رژیم بدتر شدند، مستکبران مستکبرتر و مستضعفان مستضعف‌تر شدند زندانها پر از جوانانی که امید آتیه کشور است میباشد و شکنجه‌ها از رژیم سابق بدتر و غیرانسانی‌تر است، هر روز عده‌ای را اعدام میکنند باسم اسلام، و ای کاش اسم اسلام روی این جمهوری نمی‌گذاشتند این زمان از زمان رضاخان و پسرش بدتر است مردم در رنج و زحمت و گرانی سرسام‌آور غوطه میخورند و سردمداران دارند این رژیم را به رژیمی کمونیستی هدایت میکنند، اموال مردم مصادره میشود و آزادی در هرچیز از ملّت سلب شده و بسیاری دیگر از این قبیل امور که با نقشه اجرا میشود و دلیل آنکه نقشه و توطئه در کار است آنکه هرچند روز یک امر در هرگوشه و کنار و در هر کوی و برزن سر زبانها می‌افتد. در تاکسی‌ها همین مطلب واحد و در اتوبوسها نیز همین و در اجتماعات چندنفره باز همین صحبت میشود و یکی که قدری کهنه شد یکی دیگر معروف میشود و مع‌الاسف بعضی روحانیون که از حیله‌های شیطانی بی‌خبرند با تماس یکی دونفر از عوامل توطئه گمان میکنند مطلب همان است و اساس مسئله آن است که بسیاری از آنان که این مسائل را می‌شنوند و باور میکنند اطلاع از وضع دنیا و انقلابهای جهان و حوادث بعداز انقلاب و گرفتاریهای عظیم اجتناب‌ناپذیر آن ندارند چنانچه اطلاع صحیح از تحوّلاتی که همه بسود اسلام است ندارند و چشم بسته و بی‌خبر امثال این مطالب را شنیده و خود نیز با غفلت یا عمد به آنان پیوسته‌اند.

اینجانب توصیه میکنم که قبل از مطالعهٔ وضعیت کنونی جهان و مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنائی با وضعیت کشورها و ملّتهائیکه در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه میگذشته است و قبل از توجّه بگرفتاریهای این کشور طاغوت زده از ناحیهٔ رضاخان و بدتر از آن محمدرضا که در طول چپاولگریهایشان برای این دولت بارث گذاشته‌اند، از وابستگیهای عظیم خانمان‌سوز تا اوضاع وزارتخانه‌ها و ادارات و اقتصاد و ارتش و مراکز عیّاشی و مغازه‌های مسکرات فروشی و ایجاد بی‌بندوباری در تمام شئون زندگی و اوضاع تعلیم و تربیت و اوضاع دبیرستانها و دانشگاهها و اوضاع سینماها و عشرتکده‌ها و وضعیّت جوانها و زنها و وضعیّت روحانیون و متدیّنین و آزادی خواهان متعهّد و بانوان عفیف ستمدیده و مساجد در زمان طاغوت و رسیدگی به پروندهٔ اعدام شدگان و محکومان به حبس و رسیدگی بزندانها و کیفیّت عملکرد متصدیان و رسیدگی به مال سرمایه‌داران و زمین‌خواران بزرگ و محتکران و گران‌فروشان و رسیدگی

دولت و جاه و ساز نه که تو در دستان ما می‌خواهند بهر صاحب تیغ آب اشاعه و دهان لاه و تا سیه با اصل شیم سابق با نیز گرفتن
گرفتاری بنگ تیغ و پیاده آن از قبیل لاله‌گان میرفه و خانواده‌ای شهداء و تسبیب بدیهان و جنگ با نظر بصیرت قصاص و توطئه‌ای
بدیه به ایرانیان و بستگان فارج و در هنگام خانه کشیده فتنه‌ان سنج آتش جنگ آمده مرشا و بهیچ و رجع آنکه در ظرف خانه‌ان
دشمنان و حتی دوستان ما را ان دوستا جواب است و دوا اصلاح نگذارد تا خاص این است که قبل از آشنایی جنگ با ملال تمام
خانه‌ها و کشیده و خانه‌ای برخیزد و بال این هم غریب که پیرزن صد ساله‌ای مشکل تعداد و عدد قوه‌ای امروز طبع تازه با تو
صنف بشمار بیع و دهن رجع کشیده و ثواب آن از شان جنگ بنشینند که یا بهتر نیست با سر کوبه با صلح و آشتی بکوشیم
و با طرفداران خانه‌ای و شکوه و سرمایه‌داران و محکومان با خانه‌ای خانه‌ها و طرفداران و تسبیب‌کنان و محرومان باشیم
و با کل بهای تو شب که در دریای سینه و طرفداران نیز مستقیم از آن توجه به تدریس‌کنان در دوره‌ای نظم تا در گذاشته
مقدمه نظم داشته باشیم اینا به بیجا گفته و نگوییم که امروز این جهد و سعی جنگ با بهانه‌ای عمل شده و تمام از
دوره دولت بسته و به نیابت طی بر خلاف مقررات اسلام عمل کنند کمی صرف نکنیم که قوه تنبه و قضایه و اجرائیه با رعایت
جان فرض کوشش در هدایت کردن این کشور و نگذارند و دست بدهند نیز طرفداران و مدعیان آن هستند و اگر این هیئت شان آن
و ملاحظه بجنگ بشتابند تمام این آمال آسان تر و سریع تر خواهد بود و اگر ضمانت دست ایشان بخواهند چون توده میهن
بیدار شده و متوجه شایسته است و در صحنه حاضر است آمال ایشان را بهای بخواهد شد و تمام جامه عمل بپوشد و بهم کلمه خواهد پوشید
و کبرای و ملال تو شاه و در تمام این سیر خرد شان نخواهند توانست مقاومت کنند ان با جرئت و حمی هم که ملت ایران
و توده میهن آن در عصر حاضر بهتر از ملت جاهد در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله که در زمان امیر المؤمنین و حسین بن علی صلوات الله
و سلامه علیهما جان شد ان جاهد که در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مسلمانان نیز اطاعت از ایشان می‌کنند و با بهانه‌ای بجهت فرقه
که خدا نه تعالی در سوره توبه با آیات و اخبار تهدید فرموده و وعده عذاب داده است حاضر و بشان دعوی بسته که جنب نفر
منبر به آن تفریق فرموده‌ای ان اهل عراق و کوفه که با پیر هوشین افتاده چه رفتاری کرده و از آن شمر برانده شد و ایشان
حضرت سلام آن در کتب تفریق و تاریخ مصروف است و از مسلمانان ایران و کوفه که با سیه بشهداء علیه السلام ان شد که شد
و آنان که در شهادت بسیار اول کوفه نشسته تا آن غایت تاریخ و اتمام شد امروز می‌بینیم که مسلمانان ایران و آن

با کر تحقیق نه شد که

مدح بدیع

به دادگستری‌ها و دادگاههای انقلاب و مقایسه با وضع سابق دادگستری و قضات و رسیدگی به حال نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضاءدولت و استاندارها و سایر مأمورین که در این زمان آمده‌اند و مقایسه با زمان سابق و رسیدگی به عملکرد دولت و جهادسازندگی در روستاهای محروم از همهٔ مواهب حتّی آب آشامیدنی و درمانگاه و مقایسه با طول رژیم سابق با در نظر گرفتن گرفتاری به جنگ تحمیلی و پیامدهای آن از قبیل آوارگان ملیونی و خانواده‌های شهدا و آسیب‌دیدگان در جنگ و آوارگان میلیونی افغانستان و عراق و با نظر به حصر اقتصادی و توطئه‌های پی در پی آمریکا و وابستگان خارج و داخلش، اضافه کنید فقدان مبلّغ آشنا به مسائل بمقدار احتیاج و قاضی شرع و هرج و مرج‌هائیکه از طرف مخالفان اسلام و منحرفان و حتّی دوستان نادان در دست اجرا است و ده‌ها مسائل دیگر. تقاضا این است که قبل از آشنائی به مسائل باشکال‌تراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزید و به حال این اسلام غریب که پس از صدها سال ستمگری قلدرها و جهلِ توده‌ها امروز طفلی تازه پا و ولیده‌ئی است محفوف بدشمنهای خارج و داخل رحم کنید و شما اشکال‌تراشان بفکر بنشینید که آیا بهتر نیست بجای سرکوبی باصلاح و کمک بکوشید و بجای طرفداری از منافقان و ستمگران و سرمایه‌داران و محتکران بی‌انصاف از خدا بی‌خبر، طرفدار مظلومان و ستمدیدگان و محرومان باشید و بجای گروههای آشوب‌گر و تروریستهای مفسد و طرفداری غیر مستقیم از آنان توجّهی به ترور شدگان از روحانیون مظلوم تا خدمت‌گزاران متعهّد مظلوم داشته باشید؟

اینجانب هیچگاه نگفته و نمیگویم که امروز در این جمهوری با سلام بزرگ با همهٔ ابعادش عمل میشود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی برخلاف مقرّرات اسلام عمل نمیکنند، لکن عرض میکنم که قوهٔ مقننه و قضائیه و اجرائیه با زحمات جان‌فرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور میکنند و ملّت ده‌ها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند و اگر این اقلیّت اشکال‌تراش و کارشکن بکمک بشتابند تحقّق این آمال آسان‌تر و سریع‌تر خواهد بود و اگر خدای نخواسته اینان بخود نیایند، چون تودهٔ ملیونی بیدار شده و متّوجه مسائل است و در صحنه حاضر است آمال انسانی اسلامی بخواست خداوند متعال جامهٔ عمل بطور چشم‌گیر خواهد پوشید و کجروان و اشکال‌تراشان در مقابل این سیل خروشان نخواهند توانست مقاومت کنند. من با جرأت مدعی هستم که ملّت ایران و تودهٔ میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملّت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوات الله و سلامه علیهما میباشند. آن حجاز که در عهد رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمیکردند و با بهانه‌هائی بجبهه نمیرفتند که خداوند تعالی در سورهٔ توبه با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعدهٔ عذاب داده است. و آنقدر بایشان دروغ بستند که بحسب نقل در منبر بآنان نفرین فرمودند و آن اهل عراق و

مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و ملاطین و از قوای دیگر، و مردم پشت جبهه‌ها و محل سرزمین
و هشتیان چه فداکاری‌ها کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند و می‌بینیم که مردم مهم‌ها را سرکشور چه کمک‌ها لذت می‌کنند و می‌بینیم که
باز بازماندگان شهدا و آسیب‌دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چه حماسه‌آفرینی و گفتار و کردار شایسته ملاطین بخش
با ما و شما مدبر می‌شوند و دنیا همه از عشق و معنویت و ایمان سرشار آنان است بنابراین تمثال و پرچم و حیات جاویدان ملت ایران
نه در حضور پاک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند و نه در حضرات معصوم صلوات الله علیهم و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به حق است
و این امر موفقیت و پیروزی ما جاودانه خواهد بود و به شما عزیزان که چنین فرزندانی تربیت نموده و به پیشتر که چنین عصری
در پیشگاه چنین حقی می‌باشیم و اینجانب همانا یک وجیزه با شما که انگیزه مختلف با جمهوری اسلامی مخالفت می‌کنند
و بجوانان چه دختران و چه پسران که صدمه دیده‌اند از منافقان و بخصوص از فرصت طلب و سود جو واقع شده‌اند که با طرفداری
و با فکر آزاد و بقضاوت بنشینید و تبلیغات ناگذشته جمهوری اسلامی ساقط شود و کیفیت حق آنان و رفتارشان با توده‌ای محروم
و گروهها و دولتهایی که از آنان پشتیبانی کرده و می‌کنند و گروهها و تشکیلاتی که در خارج از آنان پیوسته و از آنان پشتیبانی می‌کنند و چگونه
و رفتارشان بدین خدمه و همانا رانشان و تغییر موضع ایشان به شیوه‌های مختلف را با دقت و به دور از هر نفس بررسی کنید
و مطالعه کنید عادت ما نگذرد این جمهوری اسلامی بدست منافقان و بخصوص شهید شده و از بین رفته بین آنان
و دشمنانشان نظاره‌ای این شهیدان تا حدی در دست و نوار ایمان نشان داده است شما باشید به بینید کدام دسته طرفدار
محرومان و مظلومان جامعه هستند برادران شما این اوراق را قبل از مرگ من نخوانید ممکن است پس از من بخوانید در آن وقت
من نزد شما نیستم که بخواهم نفع خود و جلب نظر برای کسب مقام و قدرت با قلب ای جوانان شما باز کنم من برای آنکه
شما جوانان شایسته‌ای هستید علاقه دارم که جوانی خود را در راه خداوند و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی صرف کنید
تا سعادت هر دو جهان را دریابید و از خداوند غفور می‌خواهم که شما را براه مستقیم هدایت کند و از گذشته
ما و شما با رحمت و بخشش خود بگذرد و شما نیز در خلوتها از خداوند مهربان را بخواهید که او هادی و رحمن است و یک وجیزه بملت
شریف ایران و سایر ملتهای مظلوم بگوشتان رسانده بند قدرتهای بزرگ بکنیم ما بملت عزیز ایران توجه کنیم که نعمتی
که با جهاد عظیم خود آن را در خون جوانان بدست آورده‌اند بی‌چون عزیزترین امانت قدرتی را بدانید و از آن محافظت و پاسداری
نمایید و در راه آن که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوند تبارک و تعالی است کوشش کنید و از مشکلات که در این صراط مستقیم پیش می‌آید
نهراسید که آن شهرها به نصر کم و بیشتر آمده‌اند و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل شریک و در رفع
مدح بدر الحسینی

کوفه که بامیرالمؤمنین آنقدر بدرفتاری کردند و ازاطاعتش سرباز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است، و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیّدالشهداء علیه السّلام آن شد که شد و آنان که در شهادت دست‌آلوده نکردند یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد. امّا امروز می‌بینیم که ملّت ایران از قوای مسلّح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاریها می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند. و می‌بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمکهای ارزنده میکنند. و می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب‌دیدگان جنگ و متعلّقان آنان با چهره‌های حماسه‌آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان بخش با ما و شما روبرو می‌شوند و اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است بخداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتیکه نه در محضر مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم هستند و نه در محضر امام معصوم صلوات علیه. و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. و این رمز موفقیّت و پیروزی در ابعاد مختلف است و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندانی تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملّتی میباشیم.

و اینجانب در اینجا یک وصیّت باشخاصی که بانگیزهٔ مختلف با جمهوری اسلامی مخالفت میکنند و بجوانان چه دختران و چه پسرانی که مورد بهره‌برداری منافقان و منحرفان فرصت‌طلب و سودجو واقع شده‌اند می‌نمایم که بی‌طرفانه و بافکر آزاد بقضاوت بنشینید و تبلیغات آنانکه می‌خواهند جمهوری اسلامی ساقط شود و کیفیّت عمل آنان و رفتارشان با توده‌های محروم و گروهها و دولتهائی که از آنان پشتیبانی کرده و می‌کنند و گروهها و اشخاصی که در داخل بآنان پیوسته و از آنان پشتیبانی می‌کنند و اخلاق و رفتارشان در بین خود و هوادارانشان و تغییر موضع‌هایشان در پیش‌آمدهای مختلف را با دقّت و بدون هوای نفس بررسی کنید، و مطالعه کنید حالات آنانکه در این جمهوری اسلامی بدست منافقان و منحرفان شهید شدند، و ارزیابی کنید بین آنان و دشمنانشان، نوارهای این شهیدان تاحدی در دست و نوارهای مخالفان شاید در دست شماها باشد. ببینید کدام دسته طرفدار محرومان و مظلومان جامعه هستند.

برادران! شما این اوراق را قبل از مرگ من نمیخوانید. ممکن است پس از من بخوانید در آنوقت من نزد شما نیستم که بخواهم به نفع خود و جلب نظرتان برای کسب مقام و قدرتی با قلب‌های جوان شما بازی کنم. من برای آنکه شما جوانان شایسته‌ای هستید علاقه دارم که جوانی خود را در راه خداوند و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی صرف کنید، تا سعادت هر دو جهان را دریابید. و از خداوند غفور میخواهم که شما را براه مستقیم انسانیّت هدایت کند و از گذشتهٔ ما و شما با رحمت واسعهٔ خود بگذرد. شماها نیز در خلوت‌ها از خداوند همین را بخواهید، که او هادی و رحمن است.

آنها که شایسته و درست و بهتر را از خود بدانید و چون مجبور گردید انسان تحمل کنید و بهتر و درست و درست ایران
توصیه نمایم که قدر این ملت را بدانید و در درست گزاری بیان خصوصاً مستضعفان و محرومان و شهیدان که نور چشمان ما و ایران
هم هستند و جمهوری اسلامی را و آنها را ایمان آن تحقق پیدا کرد و بقاء آن نیز مرهون خدمات آنان است قدر گذار کنید
و خود را از مردم و انسان را از خود بدانید و حکومت ما ملی و مردمی را که چپ و راست یا قرمز و سبز و زرد و آبی نیست بلکه
همیشه حکم نمایند با اهل انسانی شایسته برای یک حکومت اسلامی است و اما بقیه جمهوری اسلامی توصیه میکنم که از حکومت جمهوری
اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومتهای جائر خود را در صورتیکه نخواست قدرت که خواست ملت ایران
سرفرود نیاورند با تمام قدرت بجای خود بنشانید که مایه بدبختی مسلمانان حکومتهای وابسته بشرق و غرب
میباشند و اکیداً توصیه میکنم که بیوقفه تبلیغات مخالفان اسلام و جمهوری اسلامی گوش فرا ندهید که همه کوشش
دارند که اسلام را از صحنه بیرون کنند که منافع ابرقدرتها تأمین شود

د - از نقشه‌های شیطان قدرتهای بزرگ استعمارگر که سالها طول در دست اجرا است و در کشور
ایران از زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا (با الگوگیری شیطان با روشهای مختلف) با تمام امکانات و قدرت
حمایت رضاخان باشد و در کودتا و وضع لباس و جشن و تعیید و همگی هرات و اصلاحات و در زمان محمدرضا با نقشه
و روش دیگر که یکی از آنها ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیان بود که تبلیغات وسیعی در این زمینه
شد و هم اکنون با جنگی در دو قشر از توطئه شیطان ابرقدرتها نیز چشم گیر گرفته شد از یک طرف
از دبستان تا دانشگاهها کوشش شد که مسلمان و دبیران و اساتید و دانشگاهها از دین خارج و مسلمانان و مسلمان
و محرومان از اسلام و سایر ادیان انقلاب و بیدار کاشته شوند و متعهدان و نوین در اقلیت قرار گیرند که قشر مؤثر را
که در آینده حکومت ما بدست میگیرند از کودک تا نوجوان و تا جوان طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقاً و اسلام بخصوص
و از دانشگاهیان ایران خصوصاً روحانیون و بیطرفان متنفر باشند و اینان را اعمال ابلیس و آن زمان و طرفدار سرمایه‌داران
و زمین‌خواران و طرفدار از تجاوز و مخالف تمدن و تقوی و در جبهه آنان معرفی نمودند و از طرف دیگر با تبلیغات سوء
روحانیون و بیطرفان و متدینان را از دانشگاه و دانشگاهیان ترسانیده و همه را به بی‌دینی و بی‌بند و باری و مخالف
با مظاهر اسلام و ایران متهم نمودند بطوریکه در تصور آنان مخالف ایران و اسلام و روحانیون و متدینان باشند و توان ای
مردم که عقیده دینی و روحانی دارند مخالف دولت و حکومت و هر چه متعلق به آن است باشند و اختلاف عمیق اجتماعی

و یک وصیّت به ملت شریف ایران و سایر ملتهای مبتلا به حکومتهای فاسد و دربند قدرتهای بزرگ می‌کنم. امّا به ملّت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندتان بدست آوردید همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمائید و در راه آن که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید که إن تنصروالله ینصُرکم و یُثبت اقدامکم و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل شریک و در رفع آنها کوشا باشید و دولت و مجلس را از خود بدانید و چون محبوبی گرامی از آن نگهداری کنید. و به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملّت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نورچشمان ما و اولیاء نعم همه هستند و جمهوری اسلامی ره‌آورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقّق پیدا کرد و بقاء آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگزار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید و حکومتهای طاغوتی را که چپاولگرانی بی‌فرهنگ و زورگویانی تهی‌مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمائید. البته با اعمال انسانی که شایسته برای یک حکومت اسلامی است.

و امّا به ملتهای اسلامی توصیه می‌کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از ملّت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومتهای جائر خود را در صورتی که به خواست ملت‌ها که خواست ملّت ایران است سر فرود نیاوردند، با تمام قدرت بجای خود بنشانید که مایه بدبختی مسلمانان، حکومتهای وابستهٔ بشرق و غرب می‌باشند و اکیداً توصیه می‌کنم که به بوقهای تبلیغاتی مخالفان اسلام و جمهوری اسلامی گوش فرا ندهید که همه کوشش دارند که اسلام را از صحنه بیرون کنند که منافع ابرقدرتها تأمین شود.

د ــ از نقشه‌های شیطانی قدرتهای بزرگ استعمار و استثمارگر که سالهای طولانی در دست اجراء است و در کشور ایران از زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا با روشهای مختلف دنباله‌گیری شد، به انزوا کشاندن روحانیت است که در زمان رضاخان با فشار و سرکوبی و خلع لباس و حبس و تبعید و هتک حرمات و اعدام و امثال آن و در زمان محمدرضا با نقشه و روش‌های دیگر که یکی از آنها ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیان بود، که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد و مع‌الاسف بواسطه بی‌خبری هر دو قشر از توطئه شیطانی ابرقدرتها نتیجه چشم‌گیری گرفته شد از یک طرف از دبستان‌ها تا دانشگاهها کوشش شد که معلمان و دبیران و اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها از بین غرب‌زدگان یا شرق‌زدگان و منحرفان از اسلام و سایر ادیان انتخاب و بکار گماشته شوند و متعهدان مؤمن در اقلیت قرار گیرند که قشر مؤثر را که در آتیه حکومت را بدست می‌گیرند، از کودکی تا نوجوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقاً و اسلام بخصوص و از وابستگان به ادیان خصوصاً روحانیون و مبلغان متنفر باشند. و اینان را

بعضی مدت وقت در انتظار مدعا و ما برای چند روز ماه ما برای چند روز دلگران انسان باز کنند و تمام شوند کشور و تحت قدرت سلطان
و تمام و خاتمت به جیب آن سرازیر شود چنانچه دیدید بر این مدت معلوم چه آمد و بر نفس که چه آید اکنون که بر نفس
خداوند متعال و بجا هست مدت لذت و مدعا و انتظار انتظار باز امری که کشاده و سایر قشرا بنده اسامت را پاره به
قدرت ابر قدرت تار انگشته و گشوده اند و دست آن و به اسلامشان نبات داده اند و توصیا جانب آن سلک فصل خلق و آینده
فصلت گشته و انتظار بیان و جلوان بیه شده فرز بر چه بیشتر با مدعایان و طلب علوم بهمدی پیوند و دستی و تمام ما
محکم تر و استوار تر سازند و لذت نشده اند و لطف ای دشمن خدا و از خاص نباشند و بجره آنکه فرید افراد را میه خلق با گفتار و رفتار
خود مدعی هست بند خلق بین آن بکنند و ارشاد و نصیحت نا بنه حاکم تا شرکه لمناه و گلران شده و لذت ما با ما
گشته و خلاوند و لطف و بیشه و دانه که هر چشمه ما بجا بنه میان گرفت بعضی اگر سبب تنگی پیدا شده که بخواهد انحراف ایجاد
کند اما ارشاد حاکم نشده اند خدا و کلای حق طلب کنند و این توجیه بیشتر متوجه مدعایان و مصلحین علوم دینی است
و لطف اند و انتظار بیان و حق ویژه بر خدا دارد است و در تشریح که حق شکر جامه هستند باید و خلیفه لطف باشند
و ها — و نجات نشده اگر چه هست تا بر بنده که مدعی کشور را کند و غیر بنای گذشت ما و آن باز تا صدیه در سیاه و بیاه و زبان
کشور ای استوار بنده اند خوش و غرب نده و شرق و ده مندن آن است بلند که خود را و فرهنگ و قدرت خدا و بیچ گرفته
و غرب و شرق و قطب مدعی اند و آزاد بر تر و فرهنگ آن ما ما و تر مان و قدرت ما قبد کا ما و ما و بنسته و ده بسته
بیگانه و قطب ما و زرا نشر فیر تا بر جنب مصرف خدا و تصمیم امر هم انگیز طلب و خبر داد که آن خدا و کشور فیر
گشته و کو بنه است هم انگیز بیگانه آن نمای سیه شد زیر سلطه ما و به هر چیز قبب گذاشته و گشوده اند مصرف باید آمده و
و جنس ما و ما از بنیر فنا خدا و قدرت ما بنیان نشان خدا که جزئیت دست خدا بیچ و بنا و ما و ادم و بهر چیز خود تسلیم
آن که و مرز نشسته گشوده ای خود و بست آن بهره و چشم و گلاش بسته مطیع فرمان هستیم و این بر چیز و تمر مصطفی بر جب
شده که هیچ امری نگذرد مگر خدا طاعت کنیم و کلاه کوله از شرق و غرب تقیه نا نیم بلکه از فرهنگ ما و بت هست و بنا و الوده نشیم
و نیست آن و گوینده آن غرب و شرق نده و فرهنگ آن ما و باد بنا و مسخره گرفته و قدر بر ما ما مرکب و ما و بی نده
بیگانه و علوم و ما و اب جنبی را هر چه جنبل و منتفع بشه با هر و گفتار و نوشتار تربیت که و با ما حاکم و شاجره آن ما و ما
بخود حق و ما و بیه بنه و بنه آن کتاب یا نوشته یا گفتار و چه ملاه و خرنا باشد بعد و قید بحر آن با بجا بنه بر نشه
و کوینده و نویسنده آن را و نشنده و روش نگر اب بی آمده و ما و گوشه تا تبر بر چه بنگریم اگر ملاه خرید و شرق و هم گرامی شد
و غرب و مدعی قبول نه تا تمدن پیشرفتگان حسب حاکم ملاه ما و بی خدی بار مدعی مطرود کنند و پس نده خواهد بود

عمال انگلیس در آن زمان و طرفدار سرمایه‌داران و زمین‌خواران و طرفدار ارتجاع و مخالف تمدن و تعالی در بعد از آن معرفی می‌نمودند. و از طرف دیگر با تبلیغات سوء روحانیون و مبلغان و متدینان را از دانشگاه و دانشگاهیان ترسانیده و همه را به بی‌دینی و بی‌بند و باری و مخالفت با مظاهر اسلام و ادیان متهم می‌نمودند. نتیجه آنکه دولتمردان مخالف ادیان و اسلام و روحانیون و متدینان باشند و توده‌های مردم که علاقه به دین و روحانی دارند مخالف دولت و حکومت و هرچه متعلق به آن است باشند و اختلاف عمیق بین دولت و ملت و دانشگاهی و روحانی راه را برای چپاولگران آنچنان باز کند که تمام شئون کشور در تحت قدرت آنان و تمام ذخائر ملت در جیب آنان سرازیر شود چنانچه دیدید بسر این ملت مظلوم چه آمد و میرفت که چه آید. اکنون که به خواست خداوند متعال و مجاهدت ملت از روحانی و دانشگاهی تا بازاری و کارگر و کشاورز و سایر قشرها بند اسارت را پاره و سد قدرت ابرقدرتها را شکستند و کشور را از دست آنان و وابستگانشان نجات دادند، توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هرچه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند و بمجرد آنکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و رفتار خود در صدد است بذر نفاق بین آنان افکند او را ارشاد و نصیحت نمایند و اگر تأثیر نکرد از او روگردان شوند و او را بانزوا کشانند و نگذارند توطئه ریشه دواند که سرچشمه را بآسانی میتوان گرفت و مخصوصاً اگر در اساتید کسی پیدا شد که میخواهد انحراف ایجاد کند او را ارشاد و اگر نشد از خود و کلاس خود طرد کنند. و این توصیه بیشتر متوجه روحانیون و محصلین علوم دینی است و توطئه‌ها در دانشگاهها از عمق ویژه‌ای برخوردار است و هر قشر محترم که مغز متفکر جامعه هستند باید مواظب توطئه‌ها باشند.

۵ ــ از جمله نقشه‌ها که مع‌الاسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی بجا مانده بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب‌زده و شرق‌زده نمودن آنان است بطوریکه خود را و فرهنگ و قدرت خود را بهیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله‌گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند. و قصه این امر غم‌انگیز طولانی و ضربه‌هایی که از آنان خورده و اکنون نیز می‌خوریم کشنده و کوبنده است. و غم‌انگیزتر اینکه آنان ملتهای ستمدیدهٔ زیرسلطه را در همه چیز عقب نگهداشته و کشورهایی مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفتهای خود و قدرتهای شیطانیشان ترسانده‌اند که جرئت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را بدست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم و این پوچی و تهی مغزی

که زبان اگر نام غربا داشته باشند متحد و اگر نام خدای دارند مرتبه بر عقب افتاده اند خیال نمایند که چه ها مخازن ها ترکیبات دارد خانه ها
که بنا نهاده اند چرا و دیگر مثال ها هر چند در هنر تهیه شده باید نام خارجی داشته باشد تا مردم فدائی زهر و تانی قبل کنند
فسخ تا بد از سر تا پا در تمام نشست و برخاست و در معاشرت و تمام شئون زندگی موجب افتخار و سربلندی و تمدن پیشرفت
و درست بر آفتاب در رسم خدمت کنند پرستی و عقب افتادگی است هر چه که تر و لو جزئی و تا بی علاج در هنر باید بخارج رفت
و در کتب و طب و فلسفه خود را محکوم و مایل کرد رفتن بانگلستان و فرانسه و امریکا و مسکو افتخار پرواز کردن و رفتن بچه و سایر
اکن تبعه گذشته پرستی و عقب افتادگی است به همتا با آنچه مربوط بمذهب و معنویات است اندیشه ای روشن فکری و تمدن
و درست مرتبه باین اندیشه عقب افتادگی و کنه پرستی است زیاد نمیگویم ما خود هم چیز داریم سعی باید طلب
تا بجائی که در خور هر چیز لذت هر پیشرفتی محکم کنند و در تمرین فانی در دوران پهلوی خصوصا در اکثر تبعه و تمدن آورده
خود را نگذارد کوچک و بیچاره یا چیزی نیاید ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محکم کرده و در کردن کار ما را از هر تماشا و سرگرم کردن
بازی و همان خصوص طبقه جوان بقسم رجال و اجتماعی دارد ما تا نه قبیل از اراده اش و تربیت تعلیمات از زبان کودکانه و بسا بتنگ زدن
خانواده ها بصرف بر آوردن هر چه بیشتر که خود و استاد نمی خواهد و گرم کردن و بنا بر کشاندن جوانها که خصوصا آن
برای آمدن در آن گرفت و عشق نامه ها و ده ها از این مصائب بشده برای عقب گذاشتن کسوت آهن و حیث
و سفاهت و خاد ما نیکم بلکه خیر و اگر کنون که آمده و دنیا و چشم گیر لذت بسیار و از این داد و احتیاجات نیافته و نمی محروم
حاضر بفعالیت و ابتکار برخاسته و دیدیم که بسیار از کارخانه ها و مصنوعات دیگر چیزها که کلان تبرفت تخصیص ایران
قادر بر اداره نیستند و کارخانه ها و کارگاه ها تهیه و تشکیل را بسوی غرب یا شرق در آنجا کرده بودیم که تخصیص آن ایجاد
برای اداره و مصارف حاضره قیمت و جنگ تمام خود جوانان عزیز ما قطعا صرف اجتماع ساخته و با قیمت ارزانتر عرضه کرده
و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم حیوانات شبیه و بیدار و در تعب باشیم که سیاست بازان پیوسته
بغرب و شرق با وسوسه ای شیطانی شما را بسوی این جا و آنجا بین اتحاد کنند و با اراده مصمم و فعالیت پشت کار
خود برخاسته و بستگیها قیام کنید و جانیه که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شده و می خواهد و اگر خود را
بیاید و بیاری را اندک دور کنند و چشم و دست بغیر خود نداشته باشند و در اندک مدت مزیت همه کار و ساختن هر چیز را
دارند و نیز انسانهای شبیه بایشان برسند انه تا خواهیم رسید بسط اقتصادی بنوازند تا بی ریاکاری و قطع
و اتکاء بیگانگان و تحمل سختی ها برای رسیدن بزرگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب و بر دوستها
و دست اندازی است چه در نظر حاضر و چه در نسلهای آینده که در تخصیص خود قدم و اگر نه و ایمان را با کمکهای
مادی و معنوی تشویق بکار نمایند و از سلطه ای مصرف سازند و خانه برانداز جلوگیری نمایند و بچه ها و زنها تا خود
همه چیز بسازند و از جوانان و دختران و پسران میخواهی که استقلال و آزادی و اندیشه های نیک ما را با تمام جهت و دیگر خواهند
رفع احتیاج

مصنوعی موجب شده که در هیچ امری بفکر و دانش خود اتکاء نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نمائیم بلکه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر داشتیم، نویسندگان و گویندگان غرب و شرق زدهٔ بی‌فرهنگ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مأیوس نموده و می‌نمایند و رسوم و آداب اجنبی را هر چند مبتذل و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و با مداحی و ثناجوئی آنها را بخورد ملتها داده و میدهند. فی‌المثل اگر در کتاب یا نوشته یا گفتاری چند واژه فرنگی باشد بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته و گوینده و نویسنده آنرا دانشمند و روشنفکر به حساب می‌آورند و از گهواره تا قبر بهر چه بنگریم اگر با واژه غربی و شرقی اسم‌گزاری شود مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب و اگر واژه‌های بومی خودی بکار رود مطرود و کهنه و واپس زده خواهد بود. کودکان ما اگر نام غربی داشته باشند مفتخر و اگر نام خودی دارند سر بزیر و عقب افتاده‌اند. خیابانها، کوچه‌ها، مغازه‌ها، شرکتها، داروخانه‌ها، کتابخانه‌ها، پارچه‌ها و دیگر متاعها هر چند در داخل تهیه شده باید نام خارجی داشته باشد تا مردم از آن راضی و به آن اقبال کنند. فرنگی‌مآبی از سر تا پا و در تمام نشست و برخاست‌ها و در معاشرتها و تمام شئون زندگی موجب افتخار و سربلندی و تمدن و پیشرفت، و در مقابل آداب و رسوم خودی، کهنه‌پرستی و عقب‌افتادگی است. در هر مرض و کسالتی ولو جزئی و قابل علاج در داخل باید بخارج رفت و دکترها و اطباء دانشمند خود را محکوم و مأیوس کرد.

رفتن به انگلستان و فرانسه و آمریکا و مسکو افتخاری پرارزش و رفتن به حج و سایر اماکن متبرکه کهنه‌پرستی و عقب‌ماندگی است. بی‌اعتنایی به آنچه مربوط به مذهب و معنویات است از نشانه‌های روشنفکری و تمدن و در مقابل تعهد به این امور نشانه عقب‌ماندگی و کهنه‌پرستی است. اینجانب نمی‌گویم ما خود همه چیز داریم. معلوم است ما را در طول تاریخ نه چندان دور خصوصاً و در سده‌های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده‌اند و دولتمردان خائن و دودمان پهلوی خصوصاً و مراکز تبلیغاتی علیه دست‌آوردهای خودی و نیز خود کوچک دیدنها و ناچیز دیدنها، ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد. وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقه جوان باقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازیهای کودکانه و به مسابقه کشاندن خانواده‌ها و مصرفی بار آوردن هر چه بیشتر که خود داستانهای غم‌انگیز دارد و سرگرم کردن و به‌تباهی کشاندن جوانها که عضو فعال هستند بافراهم‌آوردن مراکز فحشاء و عشرتکده‌هاو ده‌ها ازاین مصائب‌حساب شده برای عقب‌نگهداشتن کشورهاست.

من وصیت دلسوزانه و خادمانه می‌کنم به ملت عزیز که اکنون که تا حدود بسیار چشم‌گیری از بسیاری از این دامها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته و دیدیم که بسیاری از کارخانه‌ها و وسایل پیشرفته مثل هواپیماها و دیگر چیزها که گمان

و شرقا و به بند با ریا و صدور در گرفتن که در طرف شمال به دلش بنا عرض میرود گفته که آن جا نیز تجربه نشان داده
جز تباهی و خیانت از سرنوشت کشورتان و چاپیدن و غارت شما و به بند بستگان و جنگ و بستگی کشیدن تان و مصرف نمودن
ثمرت کشورتان بچیز دیگر نگفته نمیخواهند با این وسایل و تبلیغات آن شما را مغلوب نموده و جلوگیری آن نیز و حتی گمراه نموده
و - در قطعه ای بنگاه آن جا نیز پیشاده شده و گرامی تر کرده اند بر بیست گرفتن ملا اختلاع و تربیت خصوصا دانشمندان
که مستقیات کشور را در دست مصروف آنها است در شرق آن با معاینین و مدارس علوم بسیاری فرق دارد با دانش که در
دانشگاه ها و دبیرستان ها داده و نشر آن بدون معاینین از سرمایه و نیروی کردن آن است یا بر کرده خشونت ها که
که مدتها از رفتن می شده و نتیجه بسیاری گرفته شده یا تبلیغات و تعهدات نشده ایشان را بجای جدا کردن ثمر تصمیم کرده
و جلوگیری نشده که در آن رفتن می شود و در دیگر نشده و در کرده مدرسه ها اداره نیست بدون خشونت و لوازم
داده و دانشگاه نشده آن است که جوانان را در فرهنگ و ادب و دانشهای خود منحرف کنند و بسوی شرق یا غرب بکشند
و مدرسه ها را چنین دیدن انتخاب و بر سرنوشت کشور و حکومت دهند تا بدست آنها هر چه میخواهند انجام دهند
دیدن کشور را بعادت زندگی و خوب زندگی کنند و قشر معاش با از داده خشونت و تکبر تا در بر جلوگیری باشد
و این بهترین راه است برای تعلیم شما شق و فاسد کردن کشور از تحت سلطه زیرا برای ورود تا بدرخت و بدخرج
و در جامع تا به سر و صدا هر چه است بسبب آن میرفتند بر کسی که دانشگاه و دانشسرا و مدرسه جمع و پاک نیست
و همه اصلاحات با متعصبان کمک کنیم و برای بیشتر نگذاریم و دانشگاه ها را منحرف کشیده شود و در جا نخواهد بشیم خود و با اقوام بیرون
بعض آن کرشیم و این امر حیاتی باید در مرحله اول بدست برادران خود جوانان دانشگاه و دانشسرا انجام گیرد که نجات دانشگاه
از انحراف نجات کشور است و با جانب بعد از جوانان و جوانان در مرحله اول و جمال سامان و مدرسه ستانی از تا در مرحله
دوم و به دانشمندان و دانش آموزان و دستور برای کشور در مرحله بعد رجعت میکنیم که در این امر هم که کشورتان را از آسیب نگاه دارد
با چنین عدل کوشش کنید و دانشگاه ها را بنسل بعد بسپرید و بعد نسل سعی توجه میکنیم که برای نجات خود و کشور عزیز
و مسلم آدم سازد و دانشگاه ها را از انحراف و غرب و شرق نگاه دارید و سعی کنید این جوانان بسوی خود
دست قدرتی بزرگ را در کشور قطع و آن را از اسیر نابینا و ضعیفان بستگان و گمراه باد

ز - در تعلیمات احمد قدیم که بکسی شما بسوی است ما دیده ایم که مسلم و کشور ایران چه صدمات بسیار و خیانت بزرگی از بعد شما
نیز صالح و منحرف از بسیار شرط تا عصر ما دیدیم جنایتکار بسوی و در زمان بدتر و خطرناک تر در این زمان تحمیل نامه خود

نمی‌رفت متخصصین ایران قادر براه انداختن کارخانه‌ها و امثال آن باشند و همه دستها را بسوی غرب یا شرق دراز کرده بودیم که متخصصین آنان اینها را براه اندازند، در اثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و با قیمتهای ارزانتر عرضه کرده و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم می‌توانیم.

باید هشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست‌بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه‌های شیطانی شما را بسوی این چپاولگران بین‌المللی نکشند و با ارادهٔ مصمم و فعالیت و پشت کار خود به رفع وابستگیها قیام کنید و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودیِ خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشم داشت بغیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد و آنچه انسانهای شبیه به اینان به آن رسیده‌اند شما هم خواهید رسید بشرط اتکال بخداوند تعالی و اتکاء به نفس و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطهٔ اجانب. و بر دولتها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمکهای مادی و معنوی تشویق بکار نمایند و از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه‌برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند و از جوانان، دختران و پسران میخواهم که استقلال و آزادی و ارزشهای انسانی را ولو با تحمل زحمت و رنج فدای تجملات و عشرتها و بی‌بندوباریها و حضور در مراکز فحشاء که از طرف غرب و عمال بی‌وطن بشما عرضه میشود نکنند؛ که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخائر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان بچیز دیگر فکر نمیکنند و میخواهند با این وسائل و امثال آن شما را عقب مانده و باصطلاح آنان نیمه وحشی نگهدارند.

و ــ از توطئه‌های بزرگ آنان چنانچه اشاره شد و کراراً تذکر داده‌ام، بدست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت خصوصاً دانشگاهها است که مقدرات کشورها در دست محصولات آنها است. روش آنان با روحانیون و مدارس علوم اسلامی فرق دارد با روشی که در دانشگاهها و دبیرستانها دارند. نقشهٔ آنان برداشتن روحانیون از سر راه و منزوی کردن آنان است یا با سرکوبی و خشونت و هتاکی که در زمان رضاخان عمل شد ولی نتیجهٔ معکوس گرفته شد، یا با تبلیغات و تهمتها و نقشه‌های شیطانی برای جدا کردن قشر تحصیل کرده و به اصطلاح روشنفکر که این هم در زمان رضاخان عمل می‌شد و در ردیف فشار و سرکوبی بود و در زمان محمدرضا ادامه یافت بدون خشونت ولی موذیانه. و امّا در دانشگاه، نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزشهای خودی منحرف کنند و بسوی شرق یا غرب بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشت کشورها

و چه مصیبتها و خسارتها بر جهان غرب از این جنایتکاران بوجود آمده و ارتکاب گشته و بعد از شش ماه و این پنجاه سال
که اکثریت قاطع با منحرف در مقابل یک قلیل مظلوم غریب شده که هر چه انگلستان و شوروی و اخیراً امریکا خواسته
با دست همین منحرفان از خدا بی خبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند از بعد از مشروطه بیچاره و تیره بخت
هم قانون اساسی عوض شد قبل از رضاخان با قصر غریب زندگان و مشتی خان و زمین خواران و دزدان ندیم پهلوی
بست آن ندیم ناپاک و وابستگان و حلقه بگوشان آن اکنون که با عنایت پروردگار و همت عظیم ایشان
سرنوشت کشور بدست مردم افتاده و وکلا از خود مردم و با انتخاب خودشان بعد از غلبه دولت و خان ها و وابستگان
مجلس شورای اسلامی را ساختند و امید است که با تعهدات آنان باسلام و مصالح کشور جلوگیری از انحراف بشود
و امیدوارم بعد حال و آینده آن است که با اراده مصمم خود و تعهد خود با حکام اسلام و مصالح کشور در هر دو
از انتخابات و وکلا و دادن تعهد باسلام و جمهوری اسلامی که نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و غرب منحرف از صراط
مستقیم بسوی غرب یا شرق و به دنبال گروهکهای منحرف و اشخاص تحصیلکرده و مطلع بر مسائل روز و سیاستهای اسلامی مجلس نیز سنته
و با صلاحیت خود حاضر و صالح مسلم و امیدوارم که خود را در مسائل مهم و خصوصاً انتخاب رئیس جمهور و وکلا مجلس
کنار نکشند و بی تفاوت نباشند همه و به حق و نص آیه خواهشمندم که دست سیاست بازان پیرو شرق و غرب بی اعتنا
که اساس مشروطیت با زحمات و رنج بسیار بنیان گذاشته از صحنه خارج کرده و در جایگاه نیز با سیاست بازان را خرده
و دخالت معاهده کشور و مسلمین را خارج از مقام خود انداخته و صحنه را بدست غربزدگان سپرده و بر مشروطیت
و قانون اساسی و کشور و مسلمین آن آورده که جبران آن احتیاج بزمان طولانی دارد اکنون که بحمد الله تعالی صالح و منزه گردیده
و فضای آزاد برای فعالیت همه طبقات پیش آمده است هیچ عذری باقی نمانده و از دانشمندان بزرگوار بخشودنی
مسامحه در امر مسلمین که بسیار و تعدی و تعدی و تعدی بعدم است در مدیریت مسلمین و مسلمین باشد و با جدیت از نفوذ
وابستگان به قطب استعمارگر غرب یا شرق زدگان و منحرفان از کتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند و بدانند که مسلمین
اسلام و کشورهای اسلامی که در آن ابرقدرتان چپاولگر بین اسلام تهیه با تدبیر و ظرافت در کشورها و کشورهای اسلامی دیگر
رخنه و با دست افراد خود حکومت کشور را بدام استعمار می کشانند باید با هوشیاری مراقب باشید و با همت و اراده
قدم فشرده مقابله برخیزید و با آن مهلت ندهید خدایتان یار و نگهدار باشد و از نایب امام مجلس شورای اسلامی در این
عصر و عصرها را بینید و نخواهم که اگر خدای نخواسته خارج منحرف با دسیسه و بازی سیاسی و کالت خود را بدهم تحمیل نمودند
مجلس تبدیل نامه آنان را رد کنند و گذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته بمجلس راه یابد و با تقیه مذهبی
و امید دارم که در دوره ما ریشه چپاول بیرت بگیرند و وکلا خود را از اشخاص متعهد بمذهب و جمهوری اسلامی

روح الله الموسوی الخمینی

حکومت دهند تا به دست آنها هرچه می‌خواهند انجام دهند. اینان کشور را به غارت‌زدگی و غرب‌زدگی بکشانند و قشر روحانی با انزوا و منفوریت و شکست قادر بر جلوگیری نباشد. و این بهترین راه است برای عقب نگهداشتن و غارت کردن کشورهای تحت سلطه، زیرا برای ابرقدرتها بی‌زحمت و بی‌خرج و در جوامع ملی بی‌سروصدا هر چه هست به جیب آنان می‌ریزد. پس اکنون که دانشگاهها و دانشسراها در دست اصلاح و پاکسازی است بر همهٔ ما لازم است با متصدیان کمک کنیم و برای همیشه نگذاریم دانشگاهها به انحراف کشیده شود و هرجا انحرافی به چشم خورد با اقدام سریع به رفع آن کوشیم و این امر حیاتی باید در مرحلهٔ اول با دست پرتوان خود جوانان دانشگاهها و دانشسراها انجام گیرد که نجات دانشگاه از انحراف، نجات کشور و ملت است.

و اینجانب به همهٔ نوجوانان و جوانان در مرحلهٔ اول و پدران و مادران و دوستان آنها در مرحلهٔ دوم و به دولتمردان و روشنفکران دلسوز برای کشور در مرحلهٔ بعد وصیت می‌کنم که در این امر مهم که کشورتان را از آسیب نگه‌میدارد با جان و دل کوشش کنید و دانشگاهها را به نسل بعد بسپرید.و به همهٔ نسلهای مسلسل توصیه می‌کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام آدم‌ساز، دانشگاهها را از انحراف و غرب و شرق‌زدگی حفظ و پاسداری کنید و با این عمل انسانی اسلامی خود دست قدرتهای بزرگ را از کشور قطع و آنان را ناامید نمائید. خدایتان پشتیبان و نگهدار باد.

ز ــ از مهمات امور تعهد وکلای مجلس شورای اسلامی است. ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیرصالح و منحرف از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناکتر در این رژیم تحمیلی فاسد خورد و چه مصیبتها و خسارتهای جان‌فرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکرمآب به کشور و ملت وارد شد. در این پنجاه سال یک اکثریت قلابی منحرف در مقابل یک اقلیت مظلوم موجب شد که هر چه انگلستان و شوروی و اخیراً آمریکا خواستند با دست همین منحرفان از خدا بی‌خبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند. از بعد از مشروطه هیچگاه تقریباً به مواد مهم قانون اساسی عمل نشد. قبل از رضاخان با تصدی غرب‌زدگان و مشتی خان و زمین‌خواران و در زمان رژیم پهلوی بدست آن رژیم سفاک و وابستگان و حلقه به گوشان آن.

اکنون که با عنایت پروردگار و همت ملت عظیم‌الشأن سرنوشت کشور به دست مردم افتاد و وکلاء از خود مردم و با انتخاب خودشان بدون دخالت دولت و خان‌های ولایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند و امید است که با تعهد آنان به اسلام و مصالح کشور جلوگیری ازهر انحراف بشود.

وصیت اینجانب به ملت در حال و آتیه آن است که با ارادهٔ مصمم خود و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات وکلاء دارای تعهد به اسلام و

و غیره وابسته بقدرتهای جهان خواره و بدین گونه بی‌مکتبی الحاد و انحراف و انقطاع انتخاب نماینده و از همه نمایندگان خواستاریم
که با کمال حسن نیت و برادری با هم مجلس خود رفتار و همه کوشش باشند که قوانین ضدی نخواسته از اسلام منحرف نباشد
و همه به اسلام و احکام اسلامی وفادار باشند تا سعادت دنیا و آخرت نائل آیند و از شما محترم نمایندگان دیوان و توصیه میکنیم
چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آینده که با کمال دقت و قدرت وظایف سیاسی و مالی خود را ایفا بوده تحت تأثیر هیچ
قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با خلوص خدمات کنند
که کلاهی اسلام نازنین ما را بر ملت فقیه به اجرا شود توجه نمایند و وصیت خیر بهت شریف این است که در تمام انتخابات
چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری و رهبر باشند
و شما که انتخاب میکنید روی ضوابطی باشد که اعتبار میشود و در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری توجه کنید که اگر
صالح نمایند و خبرگان مدارس و مراجع این شریعه و قانون انتخاب نکنند چه بسا که خسارات بالغ میکند و دارد شود که جبران
پذیر نباشد و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول میباشند از اینقرار عدم دخالت مستقل از مراجع
و علماء بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام میباشند چه در نسل حاضر
و چه در نسلهای آینده و چه بسا که در بعضی مناطق عدم حضور و مساعدت مردم باشد که در راه گرفتاری گیر است
پس عدم وقت را قبل از وقوع باید کرد و اگر از دست همه خارج خواهد شد و این حقیقتی است که بعد از مشروطه
مشروطه شده ایم و خود را به جهت بی‌اعتنایی و اعتماد آن نیست که هستند مرتکب کشور و مردم را که محول به اوست
بر طبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد و در تعیین رئیس جمهور و مجلس خبرگان تصمیم گیرند و متعهد و روشن
فکر با اطلاع از جهان و امور و غیره وابسته بکشورهای قدرتمند استثمارگر و استعمار متعهد و متقی و متعهد باسلام و جمهوری اسلامی شورت کرده
و با علماء و روحانیان با تقوی و متعهد بجمهوری اسلامی نیز مشورت نموده و تعهد داشته باشند رئیس جمهور و مجلس خبرگان
باشند که محدودیت بلوغیت مستضعفان و محرومان جامعه را نمی‌فهمند و در مکر و رفاه و آنان باشند و از سرمایه داران
و زمین خواران و حق نشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تمنی محرومیت و رنج گرسنگان و برهنگان را
نمیتوانند بفهمند و باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس شایسته و متعهد باسلام و مسئول برای کشور نیست باشند
بسیاری از مشکلات پیش می‌آید و مشکلات اگر باشد رفع میشود و همین طور در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری
و رهبر باید که خاص باید در نظر گرفته شود که اگر خبرگان که با انتخاب صحت تعیین میشوند در کمال دقت و با شورت
با مراجع عظام و علماء بزرگ مرتکب کشور و تعیین و انتخاب متعهد مجلس خبرگان بروند بسیاری از زحمات

جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند وغیرمنحرف از صراط مستقیم بسوی غرب یا شرق و بدون گرایش به مکتبهای انحرافی و اشخاص تحصیل کرده و مطلع بر مسائل روز و سیاستهای اسلامی به مجلس بفرستند و به جامعهٔ محترم روحانیت خصوصاً مراجع معظم وصیت می‌کنم که خود را در مسائل جامعه خصوصاً مثل انتخاب رئیس‌جمهور و وکلاء مجلس کنار نکشند و بی‌تفاوت نباشند. همه دیدید و نسل آتیه خواهد شنید که دستِ سیاست‌بازان پیرو شرق و غرب، روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنج‌ها بنیان گذاشتند از صحنه خارج کردند و روحانیون نیز بازی سیاست‌بازان را خورده و دخالت در امور کشور و مسلمین را خارج از مقام خود انگاشتند و صحنه را به دست غرب‌زدگان سپردند و به‌سر مشروطیت و قانون اساسی و کشور و اسلام آن آوردند که جبرانش احتیاج به زمان طولانی دارد.

اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است. هرکس به مقدار توانش و حیطهٔ نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرق‌زدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرتان چپاولگر بین‌المللی هستند با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه و با دست افراد خود ملتها، کشورها را به دام استثمار می‌کشانند باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایتان یار و نگهدار باشد.

و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می‌خواهم که اگر خدای نخواسته عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی وکالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبار نامه آنان را رد کنند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد و به اقلیتهای مذهبی رسمی وصیت می‌کنم که از دوره‌های رژیم پهلوی عبرت بگیرند و وکلاء خود را از اشخاص متعهد به مذهب خود و جمهوری اسلامی و غیروابسته بقدرتهای جهان‌خوار و بدون گرایش بمکتبهای الحادی و انحرافی و التقاطی انتخاب نمایند. و از همه نمایندگان خواستارم که با کمال حسن‌نیت و برادری با هم‌مجلسان خود رفتار و همه کوشا باشند که قوانین خدای نخواسته از اسلام منحرف نباشد و همه به اسلام و احکام آسمانی آن وفادار باشید تا بسعادت دنیا و آخرت نائل آیید. و از شورای محترم نگهبان میخواهم و توصیه میکنم چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آینده، که با کمال دقت و قدرت وظایف اسلامی و ملی خود را ایفاء و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظهٔ ضرورات کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی بولایت فقیه باید اجراء شود توجه نمایند.

و مشکلات با بهترین شایسته ترین و متعهدترین شخصیتها برای رهبری و شورای رهبری پیش خواهد آمد یا نه؟ پاسخ
روشن خواهد شد. با نظر به اصل یکصد و نهم و یکصد و دهم قانون اساسی وظیفه سنگین است در تعیین خبرگان و نمایندگان
در تعیین رهبر یا شورای رهبری روشن خواهد شد که آن کسانی که در انتخاب به آسیب اسلام و کشور و جمهوری اسلامی
خواهند داد کسانی که چنان آن که در مسلح بهره داشته است برای آن تکلیف الهی ایجاد نکنند و هیچ انتخاب برای رهبر و شورای رهبری
در این عصر که عصر تاجم ابرقدرتها و دستان پلید آنان در داخل و خارج کشور بر جمهوری اسلامی و در حقیقت بر اسلام است در پوشش جمهوری
اسلامی و در عصر ما آینده آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان نمایند و کسانی
نمایند که رهبری و نفس برای آنان تحمیل است و مقام و دارائی جگر وظیفه سنگین و خطرناکی است که نفرین و آن اگر خدای نخواسته
با اهداف نفس باشد ننگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی دارد و از خداوند متعال با کمال تضرع
و ابتهال میخواهیم که ما و شما را از این امتحان خطرناک بدور سازد و حضرت خود به پذیرد و نجات دهد و این خطر در حقیقت
برای رهبر و جمهور حال و آینده و در قضاوت کاران بسیار درجات در مشروعیت نیز است که باید خدای متعال را
حاضر و ناظر و خود را در محضر بارگاه او بدانند و خداوند متعال را یاری آنان باشد

ج - از مهمات امور مسئله قضاوت است که سرنوشت آن با جان و مال و ناموس مردم است و هیچ انتخاب
برای رهبر و شورای رهبری آن است که در تعیین عالی ترین مقام قضائی که در عهده دارند کوشش کنند که اشخاص متعهد سابقه دار
و صاحب نظر در امور شرعی و اسلامی و در سیاست منصوب نمایند و از شورای عالی قضائی میخواهیم امر قضاوت را
که در رژیم سابق بوضع اسفناک و ننگ انگیزی دچار بود با جدیت سرسامان دهند و دست کسانی که با جان و مال مردم
بازی میکنند و آنچه از زندان سلطنتی نیست در دست اسلامی است و این کرسی بر اهمیت گناه کنند و با پشتکار و جدیت
جلوگیری و دادگستری را متحول نمایند و قضات دارای شرایطی که هست باید با جدیت حوزه های علمیه مخصوصا حوزه علمیه
قم تربیت و تعلیم شوند و هدف میگردند بسیار قضاتی که شرایط مقرره اسلامی را دارند نصب گردند که هست با تربیت
بنده در قضاوت اسلامی در سراسر کشور جریان پیدا کند و قضات محترم در عصر حاضر و اعصار آینده و جدیت میکنم
که با در نظر گرفتن احادیثی که در تعیین صفات پرهیزگاری و اهمیت قضا، و خطر عظیمی که قضاوت دارد در توجه
و نظر باشند در باب قضاوت بتحقیق وارد شده است این امر خطیر را تصدی نمایند و گذارند این مقام بغیر اهلش برده شود
که کسانی هستند که تصدی این امر را بازی گرفته و با شاهد غیر اهل میدان نهاده و بدانند که با نظر و کسانی که خطر این مقام بزرگ است
اجر و فضیلت و ثواب آن نیز بزرگ است و میدانند که تصدی قضا برای اهل و جایگاهی است

د - و هیچ انتخاب برای رهبر و شورای رهبری آن است که گرد او عرض نمایند که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری
اسلامی که به برادران اسلام بسته اند و از هر راه ممکن برای این قضیه شیطانی کوشش می نمایند تا بدانند ما همان راه از دست

و وصیت من بملت شریف آن است که در تمام انتخابات چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب میکنند روی ضوابطی باشد که اعتبار میشود مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند چه بسا که خساراتی باسلام و کشور وارد شود که جبران‌پذیر نباشد و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول میباشند. از اینقرار عدم دخالت ملت از مراجع و علماء بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام میباشند چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آتیه، و چه بسا که در بعض مقاطع عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است.

پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد و الّا کار از دست همه خارج خواهد شد و این حقیقتی است که بعد از مشروطه لمس نموده‌اید و نموده‌ایم. چه هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهائی که محول به اوست بر طبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد و در تعیین رئیس جمهور و وکلاء مجلس با طبقهٔ تحصیل کردهٔ متعهد و روشن‌فکر با اطلاع از مجاری امور و غیر وابسته بکشورهای قدرتمند استثمارگر و اشتهار بتقوی و تعهد باسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده و با علماء و روحانیون باتقوی و متعهد بجمهوری اسلامی نیز مشورت نموده و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلاء مجلس از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند نه از سرمایه‌داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنه‌گان و پابرهنه‌گان را نمیتوانند بفهمند.

و باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس شایسته و متعهد باسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید و مشکلاتی اگر باشد رفع میشود و همین معنی در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر با ویژگی خاص باید درنظر گرفته شود که اگر خبرگان که با انتخاب ملت تعیین میشوند از روی کمال دقت و یا مشورت با مراجع عظام هر عصر و علماء بزرگ سرتاسر کشور و متدینین و دانشمندان متعهد بمجلس خبرگان بروند بسیاری از مهمات و مشکلات بواسطهٔ تعیین شایسته‌ترین و متعهدترین شخصیتها برای رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد. و با نظر باصل یکصدونهم و یکصدودهم قانون اساسی، وظیفهٔ سنگین ملت در تعیین خبرگان و نمایندگان در تعیین رهبر یا شورای رهبری روشن خواهد شد که اندک مسامحه در انتخاب، چه آسیبی باسلام و کشور و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد که احتمال آن که در سطح بالای از اهمیت است برای آنان تکلیف الهی ایجاد میکند.

بازمانده نوع انسان خطرناک بیماری است و حرف‌های بیهوده نفوذ مادون افراد منحرف و تبهکار در حرف‌های علمیه است
که خطر بزرگ گناه و مرگ آن جز با نمودن حرف‌ها با جمال نشاط و خندق و دوری از خرافات خطر بسیار عظیم آن در
دوره مرگ بقا است. باید در سیستم کلیه فرمایشات که با الهام بر علوم بیهوده و جان خود را در بین توده‌ها قرار
مرام با گول و معلق منحرف نمودن آنان را بخویش و ضربه به مهلک بودن بجوانان از بیهوده و بیهوده غریزه و کشف در موقع مناسب پیش
و میبایم که قدم تمام بزرگ چاه و گرد میان جامعه افراد بصورت مختلف از نظر گرامی و مشکلات مصنوعی در دوره‌های زمان
که اگر جمال با بنیاد همه پر خطر و بسیب رسان تزه ذخیره دارد که گاهی سی چهل سال با مشی بیهوده و متعصب تا به
پایان ایرانیم و وطن پرستی و حیدار و گیر با صبر و بردباری در میان ملت آزاد است یکنند و در موقع مناسب با مرام
خود و انجام میبینند و ملت غیر را در این مرحله گناه پس از پیروزی نهضت بسوی نمونه‌ای از تبعیض‌ها و خلق و خدای خلق و تعدیات
دیگر خارجی دیده‌اند و در حالت همه با شیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند و لازم است حرف‌های علمیه است که تنظیم
و تصفیه آن با سیستم محترم و مانا خوب سابقه دارد است با تأیید مراجع وقت و شاید تر نظم در بی نظمی است
در اتفاقات تمام همین نقشه ریزان و توطئه گران باشد در هر صورت جستجو یا جنب آن است که در همه اعصار
خصوص در عصرها خرگرفته‌اند توطئه مرحله و قوت گرفته سپس قیام برای نظام دادن بخود ما هدف و ضرورت است
که علاوه در سیستم مانا خوب علمیه آن حرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حرف‌ها را خصوص حرف علمیه
قم و سایر حرف‌های بزرگ با جمعیت را در این مقطع لازم‌ای لذا آسیب خنثی نمایند و لازم است علاوه در سیستم
محترم گفته‌اند در مسائل که مربوط بقا است و حرف‌های فقهی و اصولی از نظر تدریس شایع معظم که تنها راه برای حفظ
فقه بیهوده است منحرف شوند و کوشش نمایند که هر روز بر دقت بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق افزوده شود
و فقه سنتی که در شکل صحیح است و انحراف از آن سست شده از کان تحقیق و تدقیق است حفظ باید
تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد و ابتدا در رشته‌های دیگر علوم پیدا بسته‌ها جات کشور و سیستم برنامه‌ای
تهیه خارجه شده و بعد از آن رشته‌ها تربیت باید شود و از بدترین و مهمترین حرف‌ها که لازم است بطور همانی
مقدم و مهم قرار گیرد علوم معنوی بیهوده از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله و ذکر الله و ذکر
که جهاد اکبر باشد

دی — از امور که جمع و تصفیه حرف است از آن لازم است قوه اجرائیه است که اگر ممکن است که در این
مرحله و نیز جمال جامعه از جمله گنده و شرمای گنهکاران از تنفیذ که وزیر مشکل هم بلغ نماید کمی بیت مجریان
غیر صالح که افتاد از مسخ کنند و بر خلاف مقررات یا با کاغذ بازی‌ها پیچ و خم که آن عادت کرده‌اند
با هدا برای گمان نمودن مسلم عمل کنند که تبعیض و مسامحه خاطر ایجاد نکنند و جست انجام بنده‌ها مسئول
مدح به مهلت

و وصیت اینجانب برهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر تهاجم ابرقدرتها و وابستگان بآنان در داخل و خارج کشور بجمهوری اسلامی و در حقیقت باسلام است در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده آن است که خود را وقف در خدمت باسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند و گمان ننمایند که رهبری فی‌نفسه برای آنان تحفه‌ای است و مقام والائی، بلکه وظیفه سنگین و خطرناکی است که لغزش در آن اگر خدای نخواسته با هوای نفس باشد ننگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی دارد. از خداوند منّان هادی با تضرع و ابتهال میخواهم که ما و شما را از این امتحان خطرناک با روی سفید در حضرت خود بپذیرد و نجات دهد و این خطر قدری خفیف‌تر برای روساءجمهور حال و آینده و دولتها و دست‌اندرکاران بحسب درجات در مسئولیتها نیز هست که باید خدای متعال را حاضر و ناظر و خود را در محضر مبارک او بدانند. خداوند متعال راهگشای آنان باشد.

ح ــ از مهمات امور مسئله قضاوت است که سر و کار آن با جان و مال و ناموس مردم است.وصیت اینجانب برهبر و شورای رهبری آن است که در تعیین عالی‌ترین مقام قضایی که در عهده دارند کوشش کنند اشخاص متعهد سابقه‌دار و صاحب‌نظر در امور شرعی و اسلامی و در سیاست را نصب نمایند که و از شورای عالی قضایی میخواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع اسفناک و غم‌انگیزی در آمده بود با جدیت سر و سامان دهند و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی میکنند و آنچه نزد آنان مطرح نیست عدالت اسلامی است از این کرسی پر اهمیت کوتاه کنند و با پشت‌کار و جدیت به تدریج دادگستری را متحول نمایند و قضات دارای شرایطی که انشاءالله با جدیت حوزه‌های علمیه مخصوصاً حوزه مبارکه علمیه قم تربیت و تعلیم می‌شوند و معرفی می‌گردند بجای قضاتی که شرایط مقرره اسلامی را ندارند نصب گردند که انشاءالله تعالی بزودی قضاوت اسلامی در سراسر کشور جریان پیدا کندو به قضات محترم در عصر حاضر و اعصار آینده وصیت می‌کنم که با در نظر گرفتن احادیثی که از معصومین صلوات‌الله علیهم در اهمیت قضا خطر عظیمی که قضاوت دارد و توجه و نظر به آنچه درباره قضاوت به غیر حق وارد شده است این امر خطیر را تصدی نمایند و نگذارند این مقام به غیر اهلش سپرده شود و کسانی که اهل هستند از تصدی این امر سرباز نزنند و به اشخاص غیر اهل میدان ندهند و بدانند که همانطور که خطر این مقام بزرگ است اجر و فضل و ثواب آن نیز بزرگ است و میدانند که تصدی قضا برای اهلش واجب کفایی است.

ط ــ وصیت اینجانب بحوزه‌های مقدسه علمیه آن است که کراراً عرض نموده‌ام که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته‌اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می‌نمایند و یکی از راههای با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه‌های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و

در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که معلوم بر آنکه شما را مانند وزارتخانه‌ها و جهت که از آن اداره می‌کنید
ملت و باید همه مشکلات ملت و خصوصاً مستضعفان باشید و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف و خلیفه علی کردن حرام
و خلاف نخواسته که باعث غضب الهی می‌شود همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات
محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستم شاهی از کشور و دفاع از آن کوتاه گردید و اگر روزی از پشتیبانی آنها محروم
شوید شما کنار گذاشته می‌شوید و همچون رژیم شاهنشاهی سقوط می‌کنید پس شما هم پیشکار است از اشتغال خیانت
بنابراین حیثیت علمی باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی اسلامی احتراز نمایید و همین
انگیزه بود را کشور و طول تاریخ توجه می‌کنیم که در انتخاب استاندارها دقت کنید اشخاص بدین متعهد عالم
و سازگار با مردم انتخاب نمایید تا از هر کشور هر چه بیشتر حکومت باشد و باید دانست که گرچه تمام وزارتخانه‌ها
مسئولیت در اسلامی کردن و تنظیم امور عمومی مسئولیت خود دارند لکن بعضی از آنها ویژگی خاصی دارند مثل وزارت خارجه
که مسئولیت سفارتخانه‌ها را در خارج از کشور دارد و این جانب از ابتدای پیروزی وزارت خارجه را جزء وزارتخانه
سفارتخانه‌ها و تحول آنها بسیار سخت است با جهت اسلامی توجه داشته‌ام لکن بعضی از آنها یا نخواسته‌اند یا نتوانسته‌اند
عمل شایسته انجام دهند و اکنون که سه سال از پیروزی می‌گذرد اگر چه وزیر خارجه اقدام به این امر نموده است و همه است
با پشتیبانی و صرف وقت این امر مهم انجام گیرد و وصیت می‌شود وزارت خارجه در این زمان و زمانهای بعد آن است
که مسئولیت شما بسیار زیاد است چه در جمع و تحول وزارتخانه و سفارتخانه‌ها و چه در سیاست خارجی حفظ
استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولتهایی که قصد دخالت در امور کشور ما دارند و اقدام از هر امری که باعث
وابستگی به همه ابعادی که دارد بطور قاطع و باید جلوگیری که وابستگی در بعضی امور هر چند ممکن است ظاهر فریبنده‌ای
داشته باشد یا منفعت و فایده در حال داشته باشد لکن در نتیجه ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید و کوشش
داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بنیادگذاری و دولتهای دوست به وحدت و اتحاد
کنید که ضامن ثبات است و وصیت من به تمام کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج
کمک برای رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کنند خود باید با این امر جایی که از آزادی
و استقلال ملت تحقق می‌بخشد قیام کنید و علماء اسلام و خطیب محترم کشورهای اسلامی دولتها را دعوت کنند که اندیشه
بتهای رنگ خارجی خود را کنار گذاشته و با ملت خود تفاهم کنند در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید
و نیز ملتها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند و با برادران ایرانی
خود در کشورهای آزاد که آشنا دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را در خانه مادر این برادری ایرانی
صلح و برادری

تبهکار در حوزه‌های علمیه است که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه‌ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن در دراز مدت بمقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شیّاد که با آگاهی بر علوم اسلامی و جا زدن خود را در بین توده‌ها و قشرهای مردم پاکدل و علاقمند نمودن آنانرا بخویش و ضربهٔ مهلک زدن بحوزه‌های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب میباشد. و میدانیم که قدرتهای بزرگ چپاولگر در میان جامعه‌ها افرادی بصورتهای مختلف از ملی‌گراها و روشنفکران مصنوعی و روحانی‌نمایان که اگر مجال یابند از همه پرخطرتر و آسیب‌رسان‌ترند ذخیره دارند که گاهی سی چهل سال با مشی اسلامی و مقدس مآبی یا پان‌ایرانیسم و وطن‌پرستی و حیله‌های دیگر با صبر و بردباری در میان ملتها زیست میکنند و در موقع مناسب ماموریت خود را انجام میدهند. و ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب نمونه‌هائی از قبیل مجاهد خلق و فدائی خلق و توده‌ایها و دیگر عناوین دیده‌اند و لازم است همه با هوشیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند و از همه لازم‌تر حوزه‌های علمیه است که تنظیم و تصفیه آن با مدرسین محترم و افاضل سابقه‌دار است با تائید مراجع وقت. و شاید تز نظم در بی‌نظمی است از القائات شوم همین نقشه‌ریزان و توطئه‌گران باشد. در هر صورت وصیت اینجانب آن است که در همه اعصار خصوصاً در عصر حاضر که نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت و قوت گرفته است، قیام برای نظام دادن بحوزه‌ها لازم و ضروری است که علما و مدرسین و افاضل عظیم‌الشان صرف وقت نموده و با برنامهٔ دقیق صحیح. حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند و لازم است علما و مدرسین محترم نگذارند در درسهائی که مربوط است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریقهٔ مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی به فقاهت است منحرف شوند و کوشش نمایند که هر روز بر دقتها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق‌ها افزوده شود و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد و البته در رشته‌های دیگر علوم بمناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه‌هائی تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید شود و از بالاترین و والاترین حوزه‌هائی که لازم است بطور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله رزقنا الله و ایاکم، که جهاد اکبر میباشد.

ی ــ از اموری که اصلاح و تصفیه و مراقبت از آن لازم است قوه اجرائیه است گاهی ممکن است که قوانین مترقی و مفید بحال جامعه از مجلس بگذرد و شورای نگهبان آنرا تنفیذ کند و وزیر مسؤل هم ابلاغ نماید لکن بدست مجریان غیر صالح که افتاد آنرا مسخ کنند و برخلاف مقررات یا با کاغذبازیها یا پیچ و خمها که بآن عادت کرده‌اند یا عمداً برای نگران نمودن مردم عمل کنند که بتدریج و مسامحه غائله ایجاد میکند.

با همت و دقت و تلاش و تهیه مقدمات مسائل روز تحقیق باید خواهیم دید که بزرگترین مدیریت جهان را مسلمین تشکیل میدهند
با تهیه روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود و وحدت نایب بوزارت ارشاد و در همه
جهان خصوصاً عصر حاضر که دیپلماسی خاص دارد آن است که برای تبلیغ حق مقابل باطل و ادامه جهاد حقیقی جهان اسلامی
کوشش کنند ما اکنون در این زمان که دست ابرقدرتها را کوتاه کردیم و مصمم تا جهاد تبلیغاتی تمام رسانه‌های
گروهی وابسته به ابرقدرتها بزرگ هستیم چه در دفاع و تهاجم که گویندگان و نویسندگان وابسته به ابرقدرتها جهاد
اسلامی را نپذیرفته و نیز تنها مرکز پرستش کشورهای منطقه اسلامی که بحکم اسلام باید دست اخوت با برادر مسلمان
برخاسته‌اند و همه در دست جهانخواران از هر طرف با هجوم آورده‌اند و قدرت تبلیغاتی ما بسیار ضعیف و ناتوان است
و میدانیم که امروز جهان در تبلیغات پیچیده و بالطبع تهاجم رسانه‌های مدعی که بسیاری از دو قطب گرایش دارند
جهانی که در فکر استقلال و آزادی کشور است خود باشند خود خواهی را و فرصت طلبی و انحصار جوئی آنان جلوگیری
که مسئله فکر نمایند و مصالح کشور و ملت خود را در نظر بگیرند و تا میسر بین آزادی و استقلال را در این جهاد بزرگ
تفکر سابق نمایند و زنده کنند شرافتمندانه مردم را قیام با بعضی از آنکه از دست داده‌اند که رشد و پیشرفت کرده است با همه
مدیریت و تسلط هر دو یافت می‌کنند قوام با دستگاه و فکر پایه و ثنا جوئی و دعا احیای زیر جرثومه‌ای فساد و معاون ظلم و تعدی
مبتلا و از تعهدات و ارزشها این جهاد تازه قرار یافته دست بکشند و با همت و وحدت و صف واحد بر ضد
طاغوتیان و تسلط بیگانگان زبانها و قلمها را بکار بگیرند و مسئله تبلیغ تنها بعهده وزارت ارشاد نیست بلکه وظیفه
همه دانشمندان و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان است باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه‌ها شرایط
تبلیغی داشته باشند و چهره خدای اسلام را برای جهانیان روشن نمایند که اگر این چهره جان جمال جمیل قرآن
و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مدعیان اسلام و کج فهمی از دوستان خدا نمایند اسلام
جهانگیر خواهد شد و پرچم پر افتخار آن در همه جا بالاتر از خواهد آمد چه مصیبت بزرگ و غم انگیز است که مسلمانان ادعا
دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد نتوانسته‌اند این گوهر گران بها را که هر انسانی منتظر
آزاد خود طالب است عرضه کنند بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهلند یا از آن فرارند
و کسانی که لذا همه بسیار با اهمیت و سرنوشت ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت است که در کشورهای اسلامی بهای است
که بر مسئله اهمیت فوق العاده‌ای قرار نمود و باید بگذرم با دولت فاسد است به اندازه که در نیم قرن اخیر آنچه
با ایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده‌ای از دانشگاه‌ها بوده است اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر
با برنامه‌های اسلامی و مفید راه صالح کشور تعلیم و تهذیب و تربیت کردند و از جهان جریان جهانی داشته
هر کرمین ما در عقب ظلمستان و پس از آن امریکا و شوروی فرو نمیرفتند و هرگز قرار دادی خانه خراب کن بر ملت مسلم

وصیت اینجانب بوزراء مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه‌ها بودجه‌ای که از آن ارتزاق میکنید مال ملت، و باید همه خدمتگذار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواسته گاهی موجب غضب الهی میشود، همهٔ شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید.با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستم‌شاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید شماها کنار گذاشته می‌شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار بجای شما ستم‌پیشگا ن پست‌ها را اشغال می‌نمایند بنابراین حقیقت ملموس باید کوشش در جلب نظر ملت بنمائید و از رفتار غیراسلامی انسانی احتراز نمائید و در همین انگیزه بوزراء کشور در طول تاریخ آینده توصیه می‌کنم که در انتخاب استاندارها دقت کنند اشخاص لایق، متدین، متعهد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند تا آرامش در کشور هر چه بیشتر حکمفرما باشد.و باید دانست که گرچه تمام وزیران‌وزارتخانه‌ها مسئولیت در اسلامی کردن و تنظیم امور محل مسئولیت خود دارند لکن بعضی از آنها ویژگی خاص دارند، مثل وزارت خارجه که مسئولیت سفارتخانه‌ها را در خارج از کشور دارد. اینجانب از ابتداء پیروزی به وزراء خارجه راجع به طاغوت‌زدگی سفارتخانه‌ها و تحول آنها به سفارتخانه‌های مناسب با جمهوری اسلامی توصیه‌هایی نمودم، لکن بعض آنان یا نخواستند یا نتوانستند عمل مثبتی انجام دهند و اکنون که سه سال از پیروزی می‌گذرد اگر چه وزیر خارجه کنونی اقدام به این امر نموده است و امید است با پشتکار و صرف وقت این امر مهم انجام گیرد، و وصیت من به وزراء خارجه در این زمان و زمانهای بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه‌ها و چه در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولتهایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند و از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد بطور قاطع احتراز نمائید و باید بدانید که وابستگی در بعض امور هر چند ممکن است ظاهر فریبنده‌ای داشته باشد یا منفعت و فائده‌ای در حال داشته باشد لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید و کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید که خداوند با شما است.

و وصیت من به ملتهای کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی بشما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد قیام کنید و علماء اعلام و خطباء محترم کشورهای اسلامی دولتها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرتهای بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید و نیز ملتها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام

غارت زده تحقیر نمی‌شد و هرگز بار مستشاران خارجی با ایران باز نمی‌شد و دیگر خاک ایران و ملت سیاه این
همه بی‌ادبی و بی‌حیثیتی قدرت‌های شیطانی ریخته نمی‌شد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته‌های به آن امراء الله‌ستیز نیست
جنایت‌پیشه مدعی خارج و دشمن نمی‌گذاشتند و دیدند بر مردم رحیم و مظلوم بتاختند و با گلهای خارج و دلدوزی این مظلومان
پر کنند و صرف عیاشی و هرزگی خود و بستگان خود نمایند که بعد و مدت وقت قضایه و بیرون گذاشتند از دشمنان بهای سوی
و با سرچشمه بگرفت ملت با امید گرفتار و سلطنت خانه برانداز نبود و اگر شخصیتهای پاکدامن با گلایش سوی و ع
بعضی بخش نه آنچه امید و دست بی‌سهم عزیز انام کینه لذ دشمنان بهای برای قدرت سلطانه راه می‌یافت امروز با غیر
امید و بیمن با غیر این بیمن و کلمات با لذت محرومیت‌ها و بساط ظلم و تشهیر و در اگر نخشا ملاقیاده عشر کلمه‌ا
که هر یک برای تباه شدن نسل جهان فعال لعنت خانه کافی بود در هم پیچیده و این لعنت کشنده بر بلاد دشمنان برانداز از
بلت نرسیده بود دشمنان بهای اگر بهای نسانه با بود حیثیت بست صد هزار را در بی‌جاسه تحویل و حکمی چه هم نگذاشتند
عاقب بر دست که دشمنان بهای و بیرستان با بست کسانی اداره می‌شد و عزیزان با بست کسانی متقیم و بر بست حیثیت
که جز اهانت ملت محروم می‌گذرد غرب‌زدگان و شرق‌زدگان با برنامه و نقشه کشیده شده و دشمنان بهای اگر می‌داشتند فاجعه
جوانان عزیز و مظلوم ما در عاصی این گرگان وابسته با بر قدرت‌ها بزرگ شده و دیگر سیاست‌گذاری و حکومت و قضاوت
نمی‌کردند و بر دفع قدرت آنان نیز بدیم شکل پهلوی عمل می‌کردند کنون بجه بر قتل دشمنان و نه چنان جنایتکاران خارج
شده و بر ملت عدالت جهان می‌سوزد است در همه جهان که نگذارند خاصه سه دارای حکمتهای انحرافی یا اگر این غرب
و شرق در دشمن بر اراده دشمنان بهای بر اگر مقیم و بر بست خود کنند و از قدرت‌های اولی جلوگیری نمایند تا منظر پیش نیاید
و جنایت‌زده بست نشده و دست یابند بجوانان عزیز و دشمن‌ها و دشمنان بهای دشمنان بهای آن است که خودشان شجاعانه در قدرت
انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت بخواهند مصون باشد

دل — قدرت‌های ساخته از ترس سپاه و ساخته از مرز و شهر باقی نگذاشته و سپاه و هشتاد و نگاه خاص دارند ایشان که
با زمان قدرت و قدرت‌نمایی جهان می‌سوزد می‌باشند و نگهبان مرحمات و دارایی‌ها و شهرها و روستاها و ادارات و نگهبانان
امنیت و اداره و شرکت‌ها بلت می‌باشند می‌بایست مورد توجه خاص ملت و دولت بمبلغ باشند و لازم است
توجه داشته باشند که در دنیا آنچه که مورد بهره‌برداری برای قدرت‌های زیرک و بی‌ادب است غرب بیشتر از هر چیز بهره‌گیری
قدرت‌های ساخته است که با زیبایی سیاسی کودتا و تغییر حکومت‌ها و دیدگاه‌ها بست آنان واقع شده و حق جوان و حق مظلوم
سران آنان را دیگر نه با بست آنان و قطعه‌ها و فرمانداران با زور خورده کشور را در بست بگیرند و تمام مظلوم را تحت سلطه
قرار داده و استقلال و آزادی را از کشور سلب بکنند و اگر فرمانداران با کرامت و تعهد باشند هرگز برای دشمنان کشور
جهان کودتا یا تشکیل کشور پیش نمی‌آید و اگر احیاناً پیش آید بر فرمانداران متعهد بشکنند فاتح خواهند شد

مدح و پیروزی انشاء الله

است بپرهیزند و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده و اگر این برادری ایمانی با همت دولتها و ملتها و با تایید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل میدهند. بامید روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود.

و وصیت اینجانب بوزارت ارشاد در همه اعصار خصوصاً عصر حاضر که ویژگی خاص دارد آن است که برای تبلیغ حق مقابل باطل و ارائه چهره حقیقی جمهوری اسلامی کوشش کنند. ما اکنون در این زمان که دست ابرقدرتها را از کشور خود کوتاه کردیم مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه‌های گروهی وابسته بقدرتهای بزرگ هستیم. چه دروغها و تهمتها که گویندگان و نویسندگان وابسته بابرقدرتها باین جمهوری اسلامی نوپا نزده و نمیزنند مع‌الاسف اکثر دولتهای منطقهٔ اسلامی که بحکم اسلام باید دست اخوت بما دهند بعداوت با ما و اسلام برخاسته‌اند و همه در خدمت جهانخواران از هر طرف بما هجوم آورده‌اند و قدرت تبلیغاتی ما بسیار ضعیف و ناتوان است و میدانید که امروز جهان روی تبلیغات میچرخد و باکمال تاسف، نویسندگان باصطلاح روشنفکر که بسوی یکی از دو قطب گرایش دارند بجای آنکه در فکر استقلال و آزادی کشور و ملت خود باشند خودخواهی‌ها و فرصت‌طلبیها و انحصارجوئی‌ها بآنان مجال نمیدهد که لحظه‌ای تفکر نمایند و مصالح کشور و ملت خود را در نظر بگیرند و مقایسه بین آزادی و استقلال را در این جمهوری با رژیم ستمگر سابق نمایند و زندگی شرافتمندانهٔ ارزنده را توام با بعض آنچه را که از دست داده‌اند که رفاه و عیش‌زدگی است، با آنچه از رژیم ستمشاهی دریافت می‌کردند توام با وابستگی و نوکرمابی و ثناجوئی و مداحی از جرثومه‌های فساد و معادن ظلم و فحشاء بسنجند و از تهمتها و نارواها باین جمهوری تازه تولدیافته دست بکشند و با ملت و دولت در صف واحد برضد طاغوتیان و ستم‌پیشگان زبانها و قلمها را بکار بگیرند.

و مسئله تبلیغ تنها بعهدهٔ وزارت ارشاد نیست بلکه وظیفه همه دانشمندان و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان است. باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه‌ها نشریات تبلیغی داشته باشند و چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند که اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همهٔ ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج‌فهمی‌های دوستان خودنمائی نماید اسلام جهانگیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه‌جا باهتزاز خواهد آمد. چه مصیبت‌بار و غم‌انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد. نتوانسته‌اند این گوهر گران بها را که هر انسانی بفطرت آزاد خود طالب آنست عرضه کنند بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهلند و گاهی از آن فرارند.

ک ــ از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت‌ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از

ده ایران نیز که این معجزه عصر بدست ملت انجام گرفت قوای مسلح شهید و فرماندهان بکه و میهن دوست مهم بزرگی داشتند
و امید که جنگ نفتی و تحمیلی هم ام گرفتن با مرگ امریکا و سایر قدرتها پیروز نزدیک به سال بشکست سیاسی و نظامی اثر
تجاوز رژیم و پشتیبانان قدرتمند و وابستگان به آن منجر به است بازوهای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیجی پشتیبانی
با دوره ملت مسلمان جبهه ها این افتخار بزرگ را آفریده و ایران را سرافراز نموده و نیز شرایط و توطئه های ملی و اکثریت
عرصه کشاورزی وابسته بغرب و شرق برای ادامه جهاد و سلطه بی جیح شده بود به بدست قوای جوان کشیده و با مسلمانان مبارز
نوبه بزرگ ملت غیرتمند و ایران شکست شد این جوانان فداکار عزیز که شما بودند تا خانواده ها با ارشی استراحت کنند
ضایعات ناچیز و همکاران با دیر بیست برادرانه من در این قدرتهای عزیز قوای مسلح بطور عموم آن بسته کار عزیزان
که با مسلم عشق می ورزید و با عشق تا به جنگ الامی در جبهه ها در سطح کشور بطور روز شمنه خود را مامه میه هستند
بیدار باشید و بشیار که بازیگران سیاسی و بسته داران حزب ای غرب و شرق نده و دوستان مرزوجی تا ایران پشت
پرده بسته تر سعی خیانت و جنایت کارشان از هر سو و بیشتر از هر گروه متوجه شما عزیزان هستند تا عزیزان
که با جان فشانی خود انقلاب را پرورش نمودید و مسلم را نتیجه کردید بهره گیری کرده و جهاد سیاسی را برانداز نمود
و تا را با اسم اسلام و ضرورت همین وحدت از اسلام و ملت جدا کرده به امن یک لذت و قطب جهانخوار بیشتر نمود
برخاسته و نداکاریهای شما با جهاد سیاسی و ظاهرا بصورت سیاسی و مع خط بطلان کشیده بیست اکنون
من مبارز مسلح آن است که با مطلعه کار و تشتت نظام عدم دخول نظامی در احزاب گروهها و جبهه ها است به آن عمل
نمایند و قوای مسلح مطلق چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر آنها در هیچ حزب و گروه وارد نشده و خود را
فدای سیاسی و عمل نکنند در این صورت بتوانند قدرت نظامی خود را حفظ و نه هیچ تفاوت در دل گروهی
مصون باشند و بر فرماندهان لازم است که افراد تحت فرمان خود را نه در احزاب منع نمایند و چون بعد
از نهضت و خطر آن بزرگان است و دولت و شورای نظام و مجلس شورای اسلامی و فقیه شرعی و مبین آن است که اکثریت
مسلح به فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد بر ضعف مصالح اسلام و کشور نخواهند عمل انجام دهند یا در احزاب
وارد شوند که بدنبال به تباهی کشیده میشوند و یا در بازیهای سیاسی وارد شوند قدم اول با آن مخالفت کنند و بر رهبر
و شعار رهبری است که با قاطعیت در این امر جلوگیری نماید تا کشور از آسیب در امان باشد من بعد نیروهای مسلح
در این پایان زندگی خاکی وصیت مشفقانه میکنم که از اسلام که بطلانه تکیه استقلال و آزادی خلق است و مرا نه متعال
اسم را با نهایت آن بتمام و مالی نسبتی و وحدت بکنند چنانچه امروزه فاداله به دو دنیا داری است لیکن که شما را

کودکستانها تا دانشگاهها است که بواسطه اهمیت فوق‌العاده‌اش تکرار نموده و با اشاره میگذرم. باید ملت غارت‌شده بدانند که در نیم‌قرن اخیر آنچه بایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده‌اش از دانشگاهها بوده است. اگر دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور بتعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن امریکا و شوروی فرو نمیرفت و هرگز قراردادهای خانه خراب‌کن بر ملت محروم غارت زده تحمیل نمی‌شد و هرگز پای مستشاران خارجی بایران باز نمی‌شد و هرگز ذخائر ایران و طلای سیاه این ملت رنج دیده در جیب قدرتهای شیطانی ریخته نمی‌شد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته‌های به آن اموال ملت را نمیتوانستند بغارت ببرند و در خارج و داخل پارکها و ویلاها بر روی اجساد مظلومان بنا کنند و بانکهای خارج را از دسترنج این مظلومان پر کنند و صرف عیاشی و هرز گی خود و بستگان خود نمایند. اگر مجلس و دولت و قوهٔ قضائیه و سایر ارگانها از دانشگاههای اسلامی و ملی سرچشمه میگرفت ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه برانداز نبود و اگر شخصیتهای پاکدامن با گرایش اسلامی و ملی بمعنای صحیحش، نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام میکند از دانشگاهها بمراکز قوای سه‌گانه راه می‌یافت، امروزِ ما غیر امروز و میهن ما غیر این میهن و محرومان ما از قید محرومیت رها و بساط ظلم و ستمشاهی و مراکز فحشا و اعتیاد و عشرتکده‌ها که هر یک برای تباه نمودن نسل جوان فعال ارزنده کافی بود در هم پیچیده و این ارث کشور بر باد ده و انسان برانداز بملت نرسیده بود و دانشگاهها اگر اسلامی انسانی ملی بود میتوانست صدها و هزارها مدرس بجامعه تحویل دهد لکن چه غم‌انگیز و اسف‌بار است که دانشگاهها و دبیرستانها بدست کسانی‌اداره می‌شد و عزیزان ما بدست کسانی تعلیم و تربیت میدیدند که جز اقلیت مظلوم محرومی همه از غرب‌زدگان و شرق‌زدگان با برنامه و نقشه دیکته شده دردانشگاهها کرسی‌داشتندوناچارجوانان عزیز و مظلوم ما در دامن این گرگان وابسته به‌ابرقدرتها بزرگ شده و بکرسیهای قانون‌گذاری‌وحکومت و قضاوت تکیه میکردند و بروفق دستور آنان یعنی رژیم ستمگر پهلوی عمل میکردند. اکنون بحمدالله تعالی دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شده و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصار که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتبهای انحرافی یا گرایش بغرب و شرق در دانشسراها و دانشگاه‌ها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکلی پیش نیاید و اختیار از دست نرود و وصیت اینجانب بجوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.

ل ــ قوای مسلح از ارتش و سپاه و ژاندارمری و شهربانی تا کمیته‌ها و بسیج عشائر ویژگی خاص دارند اینان که بازوان قوی و قدرتمند جمهوری اسلامی میباشند و نگهبان سرحدات و راهها و شهرها و روستاها و بالاخره نگهداران امنیت و آرامش‌بخشان بملت میباشند، می‌بایست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند و لازم است توجه داشته

و کشور هست شما را از تنگ و بستگی و پرستگی بسته و تنها که شما را بجای بردگی خویش نخواهند کشور هست خیزند را
عقب مانده و بازار مصرف و زیر بار سنگین ستم خویش نگهداشته نجات میدهد و زندگی انسانی شرافتمندانه را بشما هدیه
بر زندگانی سنگین بردگی اجانب و بازار حیوانی ترجیح دهید و بدانید امام که در احتیاجات ضایع پیشرفت دست خود را
و شرف و گرامی داشت را نگهدارید و بدین که عمر را بگذرانید قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد و بخوبی
و بینید و بدانید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصادی ایران که از ساختن هر چیز خود را عاجز میدید و از راه ساختن
کارخانه آن را پر میکنند و بکار خود بکار بسته و بسیاری از احتیاجات از شرکت کارخانه ما خود رفع نمودند
و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی تضمین الهی بود که ما از آن غافل بودیم اکنون اگر دست از آن
(خود تحریم کنید) کالاهای بیگانگان را بکشور شما وسیله راه ابتکار نیز ایجاد میشود که کشور خودکفا شود و از دیدگاه
از دشمن نجات یابد و هم دیگر باید بیندیشیم که احتیاج ما بر لباس مرتب باشد که مصنوعی بصنعتهای بزرگ کشورهای خارجی
حقیقی است اظهار پذیرفته است به آن نیست که باید در صلح پیشرفته بیگانه و بسته شویم و دست از آن
باید کوشش کنند که بتوان تعهد را در کشور ما که ضایع بزرگ پیشرفته را دارند و بسیار و بسیار گرفته بنشسته بنشسته
و از فرستادن بازار بیگانه و کشورهای دیگر که میرانند در قطب بسته جلوگیری کنند که باشد به دوری برسد که این
در قدرت با شتاب خود پا برند و در مسیر نیست و نهان و دوری و احترام بحقوق دیگران واقع شوند باشد به
مستضعفان جهان و تمام بیدار و مسلمانان تعهد آنان را بجای خود نشانند باشید چنین روزی

۴ - مادیه تجویز زیان و بسیار قدرتمند آن را از ابزارهای بزرگ تبلیغ و تسخیر تمام خصوصاً فرهنگ جوان است در این قسمت بر
بویژه نیمه دوم آن چه نقشه ای بزرگ که در این ابزار چه در تبلیغ فسد اسلام و فساد و فحشا چه در تبلیغ استعمار کردن
غرب و شرق که دست کردن بازار کالاهای خصوصاً تجمل و تزئینی از هر قماش نه تنها در ساختمانها و تزئینات و تجملات و
و تنها در جامه و پوشیدنی و در پوشیدنی و در فرم اتاق بلکه در آنها بزرگ فرهنگ آب بودن در تمام شئون زندگی در رفتار و گفتار
و در پوشش و فرم آن بویژه در خانمها و زنها با نیمه عرفه و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و بکار بردن لغات غیر
در گفتار و نوشتار و فرم آن جوانان و بیشتر مردم غیر نظامی و بسیاری از مردان نیز مشغول نمود فیلمهای تلویزیون از فرانسه و غرب
یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر اصلی زندگی و کار و صنعت و تولید در انحراف و بسوی فساد و خوشی و تنعم
خود و یا جدی و بیگانه بجهت خود و کشور خود و فرهنگ و ادب و تأثیر بر روی که بسیاری از آنان با دست خود نگاه
جوان کتابخانه ها و دوره های غرب و شرق تحصیل کرده بودند ابتدا با حکمهای قطع با رهبر انگیز و دوره ها با تبلیغات
در مقابل فرهنگ خویش و فسد اسلامی با افتخار مردم بویژه طبقه جوان تأثیر را بسوی غرب یا شرق جایت میکند

باشند که در دنیا آنچه که مورد بهره‌برداری برای قدرتهای بزرگ و سیاستهای مخرب بیشتر از هر چیز و هر گروهی است، قوای مسلح است. قوای مسلح است که با بازیهای سیاسی، کودتاها و تغییر حکومتها و رژیمها بدست آنان واقع میشود و سودجویان دغل بعض سران آنان را میخرند و با دست آنان و توطئه‌های فرماندهان بازی خورده کشورها را بدست میگیرند و ملتهای مظلوم را تحت سلطه قرار داده و استقلال و آزادی را از کشورها سلب میکنند و اگر فرماندهان پاکدامن متصدی امر باشند هرگز برای دشمنان کشورها امکان کودتا یا اشغال یک کشور پیش نمی‌آید و یا اگر احیانا پیش آید بدست فرماندهان متعهد شکسته و ناکام خواهد ماند.

و در ایران نیز که این معجزه عصر بدست ملت انجام گرفت، قوای مسلح متعهد و فرماندهان پاک و میهن‌دوست سهم بسزائی داشتند و امروز که جنگ لعنتی و تحمیلی صدام تکریتی بامر و کمک امریکا و سایر قدرتها پس از نزدیک بدوسال با شکست سیاسی و نظامی ارتش متجاوز بعث و پشتیبانان قدرتمند و وابستگان به آنان روبرو است باز قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاهی و مردمی با پشتیبانی بی دریغ ملت در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها این افتخار بزرگ را آفریدند و ایران را سرافراز نمودند و نیز شرارتها و توطئه‌های داخلی را که بدست عروسکهای وابسته بغرب و شرق برای براندازی جمهوری اسلامی بسیج شده بودند با دست توانای جوانان کمیته‌ها و پاسداران بسیج و شهربانی و با کمک ملت غیرتمند درهم شکسته شد. و همین جوانان فداکار عزیزند که شبها بیدارند تا خانوادها با آرامش استراحت کنند. خدایشان یار و مددکار باد.

پس وصیت برادرانه من در این قدمهای آخرین عمر بر قوای مسلح بطور عموم آن است که ای عزیزان که باسلام عشق می‌ورزید و با عشق لقاءالله بفداکاری در جبهه‌ها و در سطح کشور بکار ارزشمند خود ادامه میدهید بیدار باشید و هشیار که بازیگران سیاسی و سیاستمداران حرفه‌ای غرب و شرق‌زده و دستهای مرموز جنایتکاران پشت پرده لبهٔ تیز سلاح خیانت وجنایت‌کارشان از هرسو و بیشتر از هر گروه متوجه بشما عزیزان است و میخواهند از شما عزیزان که با جان‌فشانی خود انقلاب را پیروز نمودید و اسلام را زنده کردید بهره‌گیری کرده و جمهوری اسلامی را براندازند و شما را بااسم اسلام و خدمت بمیهن و ملت از اسلام و ملت جدا کرده بدامن یکی از دو قطب جهانخوار بیندازند و بر زحمات و فداکاریهای شما با حیله‌های سیاسی و ظاهرهای بصورت اسلامی و ملی خط بطلان بکشند.

وصیت اکید من بقوای مسلح آن است که همانطور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروهها و جبهه‌ها است به آن عمل نمایند و قوای مسلح مطلقا چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازیهای سیاسی دور نگهدارند. در این صورت میتوانند قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون گروهی مصون باشند و بر فرماندهان لازم است که افراد تحت فرمان خود را از ورود در احزاب منع نمایند و چون انقلاب از همهٔ ملت و حفظ آن بر همگان است،

اضافه کنید بر آن تبلیغ و پند دادن در تریاک مالکیت و شرکت‌های مالکیت و تاراج و بنا و زندگی‌های تجمل و اسباب
آرایش و بازی و شهوات اطلاع پیدا کرده آنچه از غرب داده می‌شد در قبال صدور نفت و معادن دیگر صدور کالا و اسباب زینت
و لوازم تجمل داده می‌شد و همه اجیر اینها که بال من از آنها به جلو هستیم اگر خدای نخواسته سلطه پیدا کنند و خاندان
بهلوی را ادامه بدهند اگر دیگر چیزی نگذشت که جوانان بر دشمنان این فرزندان مسلم و بین که چشم امید ملت به نجات
با اقدام بسیار انتشار شیطانی است بدانید ما سعی و رسانه‌های گروهی و دشمنان غرب و شرق کمال دشمنی
در این مسلم رخنه بجهت استعمار جهان خود را در مالکیت و تباه می‌کنند و بنا بر ملت قدرت جهانخوار در آن کشور
به تباهی می‌کشانند ضرورت مقابله با ما آنان نیست گذشته است و همه را از شر نفت و فاسد گران نجات داد
اکنون وضعیت ما بجهت شورای سلطنتی و اعلامیه و دیگر جهود و دوستان جهود ما بعد و بشورای نگهبان و شورای قانون
و دولت صهیونیستی آن است که گفتار این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها از مسلم و مصالح کشور منحرف شده
و باید همه بدانیم که لذاری مبتلی غرب آن که مرجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود از نظر مسلم و شرع محکوم است
و تبلیغات و مقاومت و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات بر ضد مسلم و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه
ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و لذا رادیوهای مغرب باید جلوگیری شود و اما آنچه در نظر شرع حرام و آنچه
بر ضعف مملکت و کشور و مسلمانی و مخالف با جمعیت جهود و مسلمانی است بطور قاطع اگر جلوگیری نشود همه مسئول می‌باشند
و مردم و جوانان غرب بدانند اگر بر خدمت بیگانه ادامه دهند که در خدمت بیگانه‌ها و مربوط رجوع کنند ما اگر آنان که تا
خدمت خودشان ملت جلوگیری نمایند ضرورت قائل حد دار همه باشد

ان — نصیحت و وصیت بر تمام دولت‌ها و ملت‌ها و شما که در خدمت ملت و جمعیت مسلمانی مسلم فعالیت می‌کنید
اول بر آن است که در خارج و در خیر آن است که تجربه طولانی جهان‌ها که قیام کرده و بعد توطئه‌ها که دست نشانده بعضی
که قوی‌تر بوده اگر دیدند ما اگر خدا را عالم و قادر می‌دانیم باید آرزو بشود که مسیر کلیت خدا را در نظر بگیرند و بستن
به تعدد و انتخاب و دعوت بدانیم و بر سر پا و غیر حساب شده منحرف کرده و هر گز هیچ حکومت و قدرت انحرافی
با این شیوه‌های غیر انسانی و غیر منطقی ساقط نمود و بر پیشه ملتی شد ایران را اگر بخواهید خود شما تأثیر زندگی در مواد
جنگ شما در راه هدف و جمعیت مسلمانی و قرآن و مذهب جان نشانه و فعالیت می‌کنند شما اگر می‌دانید اگر آنها را
بسیار ساده و ساده فکر می‌کنید اگر ملت با شما نیست و دارند شما دشمن است ما از دشمن می‌کنید با شما بودند و دوست شما
بودند و ملت نشانه شما و جنایت‌ها که با تحریک شما و تاریخ داد آنان را در شما جدا کرد و جزو دشمن تراشی کار دیگری
نتوانستید بکنید من وصیت خدا را در این آخر عمر بشما می‌کنم که اندازه با این ملت طاقت زده رنج کشیده که پس از
ده هزار و پانصد سال شما را دارند بهترین فرزندان جهان تأثیر خود را در زیر بار ستم جنایت کاران همچون رژیم پهلوی

رهبر انقلاب

دولت و ملت و شورای دفاع و مجلس شورای اسلامی وظیفهٔ شرعی و میهنی آنان است که اگر قوای مسلح چه فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد برخلاف مصالح اسلام و کشور بخواهند عملی انجام دهند یا در احزاب وارد شوند که بی اشکال به تباهی کشیده میشوند و یا در بازیهای سیاسی وارد شوند، از قدم اول با آن مخالفت کنند و بر رهبر و شورای رهبری است که با قاطعیت از این امر جلوگیری نماید تا کشور از آسیب درامان باشد و من بهمه نیروهای مسلح در این پایان زندگی خاکی وصیت مشفقانه میکنم که از اسلام که یگانه مکتب استقلال و آزادیخواهی است و خداوند متعال همه را با نور هدایت آن بمقام‌والای‌انسانی دعوت‌میکند چنانچه‌امروز وفادارید دروفاداری‌استقامت کنیدکه شما را و کشور و ملت شما را از ننگ وابستگیها و پیوستگی‌ها بقدرتهایی که شما را جز برای بردگی خویش نمی‌خواهند و کشور و ملت عزیزتان را عقب‌مانده و بازار مصرف و زیر بار ننگین ستم‌پذیری نگهمیدارند نجات میدهد و زندگی انسانی شرافتمندانه را ولو با مشکلات بر زندگانی ننگین بردگی اجانب ولو با رفاه حیوانی ترجیح دهید و بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و بدریوزگی عمر را بگذرانید قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد.و بخوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصادی همانها که از ساختن هر چیز خود را عاجز می‌دیدند و از راه انداختن کارخانه‌ها آنان را مأیوس مینمودند افکار خود را بکار بستند و بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه‌ها را خود رفع نمودند.و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهانخواران را خود تحریم کنند و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند امید است که کشور خودکفا شود و از دریوزگی از دشمن نجات یابد.

و هم در اینجا باید بیفزایم که احتیاج ما پس از اینهمه عقب‌ماندگی مصنوعی به صنعتهای بزرگ کشورهای خارجی حقیقتی است انکارناپذیر، و این به آن معنی نیست که ما باید در علوم پیشرفته به یکی از دو قطب وابسته شویم. دولت و ارتش باید کوشش کنند که دانشجویان متعهد را در کشورهایی که صنایع بزرگ پیشرفته را دارند و استعمار و استثمارگر نیستند بفرستند و از فرستادن بامریکا و شوروی و کشورهای دیگر که در مسیر این دو قطب هستند احتراز کنند، مگر انشاءالله روزی برسد که این دو قدرت باشتباه خود پی برند و در مسیر انسانیت و انسان دوستی و احترام به حقوق دیگران واقع شوند، یا انشاءالله مستضعفان جهان و ملتهای بیدار و مسلمانان متعهد آنان را بجای خود نشانند. بامید چنین روزی.

م ــ رادیو تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تأترها از ابزارهای مؤثر تباهی و تخدیر ملتها، خصوصاً نسل جوان بوده است. در این صد سال اخیر بویژه نیمهٔ‌دوم آن چه نقشه‌های بزرگی از این ابزار چه در تبلیغ ضداسلام و ضدروحانیت خدمتگزار و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق کشیده شد و از آنها برای درست کردن بازار کالاها خصوصاً تجملی و تزئینی از هر قماش، از تقلید در ساختمانها و تزئینات و تجملات آنها و

وجانخواران شرق و غرب نجات داده بچنگ و تیر بر خاستند چه طور و چه طور یک انسان هر چه پلید باشد حاضر میشد
جان خود را بسپارد بیک مقام با همین خود و ملت خود اینگونه رفتار کند و به کوچک و بزرگ انها رحم نکند من بشما نصیحت میکنم
دست از این کارهای بد و غیر عاقلانه بردارید و گول جانخواران را نخورید و بدانید هر چه هست اگر بجا تیر دست نزنید و بهمین
خود و دامن سعدم برگردید و توبه کنید که خداوند ارحم الراحمین است و بهمین سعدی و ملت از شما انتظار می کنند
و اگر دست بجا تیر زنید که حکم خداوند تکلیف شما را معین کرده باز از غیر راه برگشته و توبه کنید ما اگر نه ملت دارید
تن بجانات داده و با این عمل (از عذاب الیم خداوند نجات دهید) و بدانید هر چه هست عمر خود را بیش از این
در مذهب و طلاق و غیر مشغول نشوید که صلح در آن است که جوانان و داعی و خارجی آن وجیت میکنم که با چه انگیزه جوانان
خود را برای آن که اکنون ثابت است که بجای قدرتمندان جهان خواهد ضربت میکنند و لذتشان را از انها پیروی میکنند و نه انسان
جام انها فتاده اند بعد میرسد و با ملت خود در راه چه کسی جنگ میکنید شما باز خودکان دست تنها هستید و اگر در ایران
تهیه جهان شرح میکنید که توان را میخواهید بجهت سعدی و نادار و برای آن فداکارند و بیان می دهید که حکومت
و مردم نفع با جان و دل در خدمت خلق و مستمندان هستند و آنان که بدون ادعای خلقی بودن و جاه و مقام برای خلق
میکنند با خلق خدا بخشی برخاسته و شما پسران و دختران ساده دل را برای مقاصد خود و مقاصد یکی از دو قطب
قدرت جانخوار جان گرفته و خود با در خارج در آغوش یکی از دو قطب جانخوار بخوش گذرانی مشغول و یا در داخل
بخانه های مجلل تمیز با زندگی هزاران نفر مشغول جان بکلاه انجمن بنایت خود ادامه میدهند و شما جوانان را بجام مرگ
میفرستند نصیحت مشفقانه من بشما جوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید و بهمین
جامعه که با جان و دل بجهت سعدی خدمت میکنند متحد شوید و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمائید تا کشور و ملت
از شر مخالفین نجات پیدا کند و باهم بزندگی شرافتمندانه ادامه دهید تا چه وقت و برای چه کسی جوانان ایران و ایرانیان
که جز تنفع شخصی خود فکر نمیکنند مدعی هستند و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت
طلبی خویش مینمایند شما در این سالهای بیدار نیز بتجربه دیده که ادعاهای آنان با رفتار و عملشان مخالف است و ادعاها
فقط برای فریب جوانان صاف دل است و میبینید که شما قدرت در مقابل سیل خروشان ملت ندارید و کارهای آنان
جز نفع و خودکامی و تباهی جوانان نتیجه ای ندارد من تکلیف خود را که هدایت است ادا کردم و بهمین است این نصیحت
که پس از مرگ من بشما میرسد و شبانه قدرت طلبی در آن نیست کوشش فرمایید و خود را از عذاب الیم الهی نجات
دهید خداوند شما را هدایت فرماید و صراط مستقیم را بشما بنماید

وصیت من بجهانگیران شرق و غرب و جریکهای خداوند خلق بدانید که دنیا همین است که شما با بدون بردی

تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آنها استفاده کردند بطوری که افتخار بزرگ فرنگی‌مآب بودن در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن بویژه در خانمهای مرفه یا نیمه‌مرفه بود و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و بکار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار بصورتی بود که فهم آن برای بیشتر مردم غیرممکن و برای هم‌ردیفان نیز مشکل می‌نمود. فیلمهای تلویزیون از فرآورده‌های غرب یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و بسوی بی‌خبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی بهمه چیز خود و کشور خود حتی فرهنگ و ادب و مآثر پرارزش که بسیاری از آن با دست خیانتکارجویان، به کتابخانه‌ها و موزه‌های غرب و شرق منتقل گردید است.

مجله‌ها با مقاله‌ها و عکسهای افتضاح بار و اسف‌انگیز و روزنامه‌ها با مسابقات در مقالات ضدفرهنگی خویش و ضداسلامی با افتخار مردم بویژه طبقه جوان مؤثر را بسوی غرب یا شرق هدایت می‌کردند. اضافه کنید بران تبلیغ دامنه‌دار در ترویج مراکز فساد و عشرتکده‌ها و مراکز قمار و لاتار و مغازه‌های فروش کالاهای تجملاتی و اسباب آرایش و بازی‌ها و مشروبات الکلی بویژه آنچه از غرب وارد می‌شد و در مقابل صدور نفت و گاز و مخازن دیگر، عروسکها و اسباب‌بازیها و کادوهای تجملی وارد می‌شد و صدها چیزهائی که امثال من از آنها بی‌اطلاع هستیم و اگر خدای نخواسته رژیم سرسپرده و خانمان‌برانداز پهلوی ادامه پیدا میکرد چیزی نمی‌گذشت که جوانان برومند ما این فرزندان اسلام و میهن که چشم امید ملت بآنهاست با انواع دسیسه‌ها و نقشه‌های شیطانی بدست رژیم فاسد و رسانه‌های گروهی و روشنفکران غرب و شرق‌گرا از دست ملت و دامن اسلام رخت بر می‌بستند یا جوانی خود را در مراکز فساد تباه میکردند و یا بخدمت قدرتهای جهانخوار درآمده و کشور را به تباهی می‌کشاندند. خداوند متعال بما و آنان منت گذاشت و همه را از شرّ مفسدین و غارتگران نجات داد.

اکنون وصیت من بمجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس جمهور و رؤسای جمهور مابعد و بشورای نگهبان و شورای قضائی و دولت در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاههای خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی بشکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران میشود از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همهٔ ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، بطور قاطع اگر جلوگیری نشود همه مسئول میباشند و مردم وجوانان حزب‌اللهی اگر برخورد بیکی از امور مذکور نمودند بدستگاه‌های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند خودشان مکلف بجلوگیری هستند. خداوند تعالی مددکار همه باشد.

ن ــ نصیحت و وصیت من بگروهها و گروهکها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و

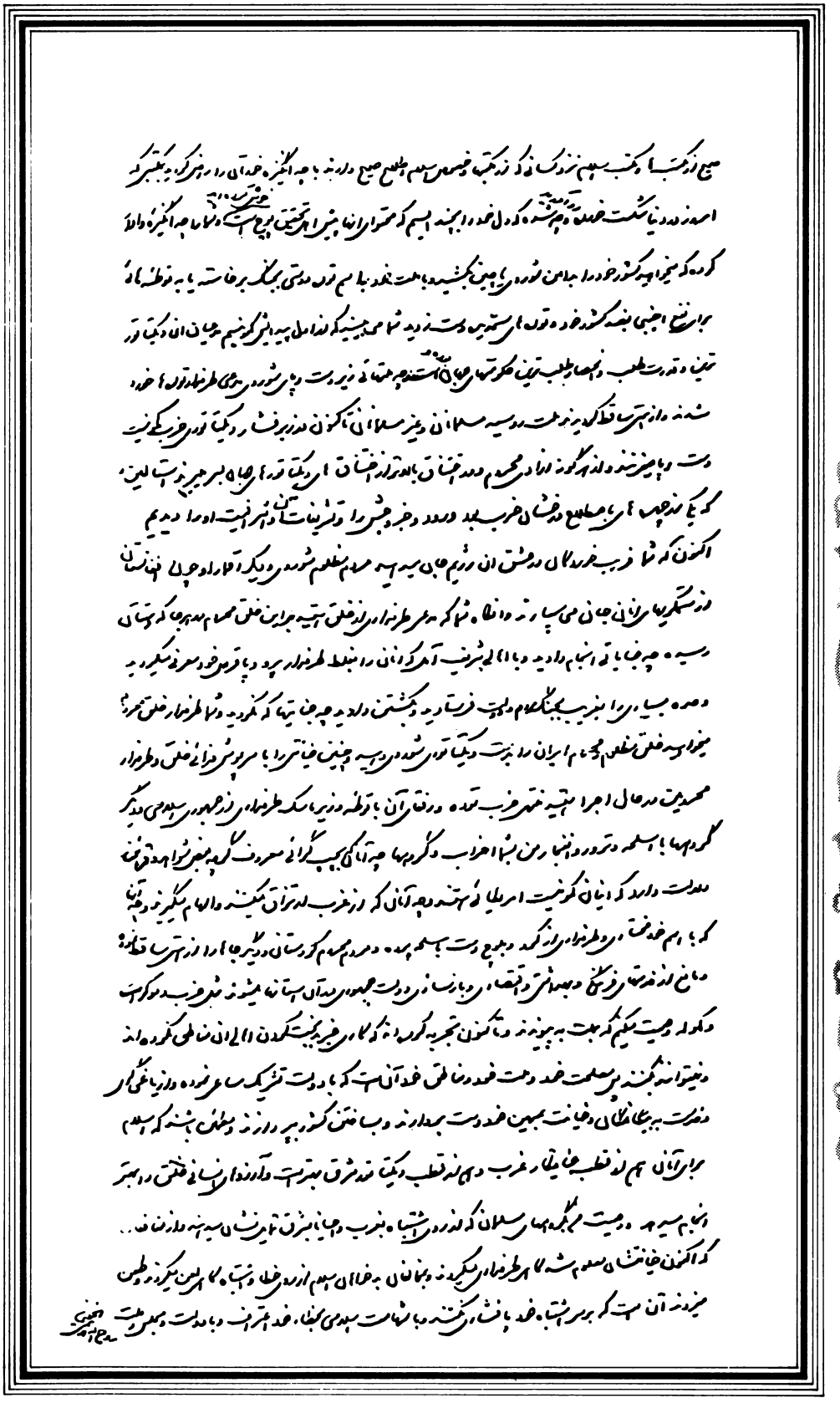

جمیع از کتب آسمانی و کتب سماوی نزد شما که از کتب خصوصی سماوی اطلاع صحیح دارند با چه انگیزه خدای را رهبر گرفته بگیرید
امروز در دنیا شکست خورده و پراکنده شده که دل خود را بچند اسم که محتوای آنها چیزی جز تحقیق پوچ نیست و اما چه انگیزه والا
کرده که میخواهید کشور خود را جامه نوری بر چین بکشید و با ملت خود با اسم قوم دوستی بجنگ برخاسته یا به نوکر ها
برای نفع اجنبی بضد کشور خود و قوم ای ستمدیده دست زدید شما می بینید که ما امل پیه الیز گفتیم چه جان ان دیکتاتور
تیغ و قدرت طلب و نهایت طلب تیغ حکومت های جهان است چه مقامات زیر دست و پای شوروی طرفدار قوم ها خود
شده و از هر ساقط کرده و ملت روسیه مسلمانان و غیر مسلمانان اکنون در زیر فشار دیکتاتوری غربی که نیست
دست و پا میزنند و از هر گونه آزادی محروم و در فشار بالاتر از فشار ای دیکتاتوری ها بر هر چیز و ذات الیز
که یک از چهره های مطلع درخشان غرب بعد و درود و جزء و جش را و تشریفات آن و هر نیست او را دیدیم
اکنون که شما فریب خوردگان درخشش ان و زیم جان میدهید مردم مظلوم شوروی دیگر اقوام او چون افغانستان
در سنگرهای زندان جان می سپارند و انطاه شما که به هر طرفداری از خلق هستید چرا این خلق محروم بدبخت که بستان
روسیه چه جنایاتی انجام داده و با الی شریف آنها که آنان را بغلط طرفدار پرده و با قرص خود معرفی میکردید
و صده بسیاری را بنزیب بیگناه و بیت فرستادید و بکشتن دادید چه جنایتها که کردید و شما طرفدار خلق محروم
میخواهید خلق مظلوم محروم ایران را بزیر دیکتاتوری شوروی روسیه چنین خیانتی را با سرپوش فدائی خلق و طرفدار
محرومیت در حال اجرا هستید مهر غرب توده و رفقای آن با توطئه وزیر ماسک طرفداری از جمهوری سوسیالیستی دیگر
گروهها با اسلحه و تروریست و انفجار من بشما اعراب و گروهها چه آنان که بیگانه معروف گروه بعضی از اهدافی
دولت دارند که ایشان کمونیست امریکا و اهستند و چه آنان که از غرب اندیشه آن میکنند و الهام میگیرند و چه آنان
که با اسم خود خلق و طرفدار از کمک و بدون دست باسلحه پرده و مردم محروم کردستان و دیگر جاها را از هر ساقط
مانع از نهضت فرهنگی و بهداشتی و اقتصادی و بازسازی دولت جمهوری در آن استان میشوند غرب دوست و کمک
و کمک و حمایت میکنیم که جهت به پیوندند و تاکنون تجربه کرده اند که کاری غیر بجز تکدن الی ان خالی کرده اند
و نمیتوانند بکنند پس مصلحت خود و ملت خود و خالق خود آن است که با دولت تشریک مساعی نموده و از بیانگری
و مضرت به بیگانگان و خیانت بمیهن خود دست بردارند و با خلق کشور پیروز و مطمئن باشند که اسلام
برای آنان هم از قطب جنایتکار غرب و هم از قطب دیکتاتور شرق بهتر است و آزادی انسانی خلق را بهتر
انجام میدهد و وصیت میکنیم بهمه مسلمان که از روی اشتباه بغرب و چنان بشرق تاریخ نشان میدهند و از خلاف..
که اکنون خیانتشان معلوم شده که طرفداری میکردند و بخلاف به خدای اسلام از روی خطا و اشتباه که هر لعن میکردند و طعن
میزدند آن است که بر سر اشتباه خود پافشاری نکنند و با شهامت بهمدیگر بخطا خود اعتراف و با ملت و جمهوری ملت

جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت میکنند، اول بسران آنان در خارج و داخل، آن است که تجربه طولانی بهر راهی که اقدام کردید و بهر توطئه‌ای که دست زدید و بهر کشور و مقامی که توسل پیدا کردید، بشماها که خود را عالم و عاقل میدانید باید آموخته باشند که مسیر یک ملت فداکار را نمیشود با دست‌زدن به ترور و انفجار و بمب و دروغ پردازیهای بی سروپا و غیرحساب‌شده منحرف کرد و هرگز هیچ حکومت و دولتی را نمیتوان با این شیوه‌های غیرانسانی و غیرمنطقی ساقط نمود، بویژه ملتی مثل ایران را که از بچه‌های خوردسالش تا پیرزنها و پیرمردهای بزرگ‌سالش، در راه هدف و جمهوری اسلامی و قرآن و مذهب جان‌فشانی و فداکاری میکنند. شماها که میدانید (و اگر ندانید بسیار ساده‌لوحانه فکر میکنید) که ملت با شما نیست و ارتش با شماها دشمن است و اگر فرض بکنید با شما بودند و دوست شما بودند، حرکات ناشیانه شما و جنایاتی که با تحریک شما رخ داد آنان را از شما جدا کرد و جز دشمن‌تراشی کار دیگری نتوانستید بکنید. من وصیت خیرخواهانه در این آخر عمر بشما میکنم که اولاً با این ملت طاغوت‌زده رنج‌کشیده که پس از دوهزار و پانصد سال ستمشاهی با فدا دادن بهترین فرزندان و جوانانش خود را از زیر بار ستم جنایتکارانی همچون رژیم پهلوی و جهانخواران شرق و غرب نجات داده به جنگ و ستیز برخاسته‌اید چطور وجدان یک انسان هر چه پلید باشد راضی میشود برای احتمال رسیدن به یک مقام با میهن خود و ملت خود اینگونه رفتار کند و به کوچک و بزرگ آنها رحم نکند. من بشما نصیحت میکنم دست از این کارهای بی‌فایده و غیرعاقلانه بردارید و گول جهانخواران را نخورید و در هر جا هستید اگر بجنایتی دست نزدید به میهن خود و دامن اسلام برگردید و توبه کنید که خداوند ارحم‌الراحمین است و جمهوری اسلامی و ملت از شما انشاءالله می‌گذرند و اگر دست بجنایتی زدید که حکم خداوند تکلیف شما را معین کرده، باز از نیمه راه برگشته و توبه کنید و اگر شهامت دارید تن به مجازات داده و با این عمل خود را از عذاب الیم خداوند نجات دهید و الاّ در هر جا هستید عمر خود را بیش از این هدر ندهید و بکار دیگر مشغول شوید که صلاح در آن است. و بعد به هواداران داخلی و خارجی آنان وصیت می‌کنم که با چه انگیزه جوانی خود را برای آنان که اکنون ثابت است که برای قدرتمندان جهان‌خوار خدمت میکنند و از نقشه‌های آنها پیروی میکنند و ندانسته بدام آنها افتاده‌اند بهدر میدهید؟ و با ملت خود در راه چه کسی جفا میکنید؟ شما بازی خوردگان دست آنها هستید و اگر در ایران هستید بعیان مشاهده می‌کنید که توده‌های میلیونی به جمهوری اسلامی وفادار و برای آن فداکارند و به عیان می‌بینید که حکومت و رژیم فعلی با جان و دل در خدمت خلق و مستمندان هستند و آنان که به دروغ ادعای خلقی بودن و مجاهد و فدائی برای خلق میکنند، با خلق خدا به دشمنی برخاسته و شما پسران و دختران ساده‌دل را برای مقاصد خود و مقاصد یکی از دوقطب قدرت جهانخوار به بازی گرفته و خود یا در خارج در آغوش یکی از دوقطب جنایتکار بخوش‌گذرانی مشغول و یا در داخل به خانه‌های مجلل تیمی با زندگی اشرافی نظیر منازل جنایتکارانی بدبخت به جنایت خود ادامه میدهند و شما جوانان را بکام مرگ می‌فرستند.

مظلوم برای رضای خداوند هم صدا و هم مسیر شده و این مستضعفان تاریخ را از شر مستکبران نجات دهید کلام رحم
مدرس آن روحانی شهید پاک سیرت پاک اندیشه را بخاطر بسپرید که در مجلس فرموده آن روز گفت اکنون که باید این بیدار
چرا با دست خالی برویم من هم امروز با یاران شهید ماه خداوند شما برادران عزیز را می‌بینم اگر با دست خالی یا امریکا
و شوروی رفته روزگار می‌گذرانیم با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش بیعت کنیم بهتر از آن است که در زیر پرچم آتش
سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم و این سیره و طریقه انبیا بعظام ائمه مسلمین و بزرگان
دین بین بوده است و ما باید از آنان تبعیت کنیم ما باید بخود باور داشته باشیم که اگر یک ملت بخواهد بدون وابستگی زندگی کند
میتواند و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمیتوانند خود فساد و ایمان را تحمیل کنند از فلسطین عبرت بگیرید آنکه
دولت غاصب و اعراب چپاول شده و بوده و هستند تا کنون نتوانسته اند قدرت اسلام را مرکوب نمایند
عده ای بر این اکنون تمام محرومان جهان بیدار شده اند طولی نخواهد کشید که این بیداری بقیام و نهضت و انقلاب
انجامیده و خدا از تحت سلطه مستکبران مستکبر نجات خواهند داد و شما مسلمانان باید با روشهای اسلامی می‌بینید که جهان
و انقطاع از شرق و غرب برکات خداوند را بر شما سیر و منزل مستکبر بر می‌دارد افتاده و بسوی خود کفایی پیشروی
می‌کنند و بر کارشناسان خائن غرب و شرق برای ملت ما حال جلوه میدادند امروز بطور چشم گیری دست و مکر ملت
انجام گرفته و هنوز به قاتل سلطه دست انجام خواهد گرفت و صد افسوس که این نهضت در تحقق پیدا کرد و در قبل در
اول سلطنت جابرانه کثیف محمد رضا تحقق نیافت و اگر شده بود ایران غارت نمی‌شد و ایران ایران بود
و وصیت من بنویسندگان و گویندگان و روشنفکران و شاگردان آن است که بیان کنند وقت
خود را در هدف سیر جهادی اسلامی صرف کنید و هر چه توان دارید در خدمت بخدا و بکار گیرید جهاد و دولت
و ملت مستکبران بکار برید و با این عمل کشور خود را بسوی ترقی و پیشرفت با خدای خود یک شب خلوت کنید
و اگر نبود اندیشه دارید با وجدان خود خلوت کنید و آگاه باشید خود را که بسیار می‌شود خود نهاد آن و خبر
بررسی کنید ببینید آیا با اسلام سیاه و با چه انصاف خون این جوانان قلم قلم شده اند جبهه ها و در شهرها نادیده
میگیرید و با همی که نمیخواهند زیر بار مستکبران و مستکبران خارجی در اطاعت خارج شود و استقلال و آزادی را با جان خود
و فرزندان عزیز خود پرستاده و با فداکاری نخواهان را حفظ کنند به جنگ عجایب برخاسته اید
و با مختلف انگیزی و توطئه های خائنانه دامن میزنید و راه را برای مستکبران و مستکبران باز میکنید آیا بهتر نیست
که با فکر و قلم و بیان خود دولت و ملت را برای حفظ میهن خود نمایید آیا سزاوار نیست که این ملت
مظلوم قیام کند و با یاری خدا حکومت اسلامی را استقرار دهید آیا این مجلس و این جهاد و دولت و قوه
قضائی را از نهضتهای رژیم سابق بدتر میدانید آیا از یاد برده اید تهمتهایی که آن رژیم لعنتی بر این ملت میزد

نصیحت‌مشفقانه من بشما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید و با محرومین جامعه که با جان و دل به جمهوری اسلامی خدمت میکنند متحد شوید و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمائید تا کشور و ملت از شرّ مخالفین نجات پیدا کند و همه با هم به زندگی شرافتمندانه ادامه دهید. تا چه وقت و برای چه گوش بفرمان اشخاصی هستید که جز بنفع شخصی خود فکر نمی‌کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت‌طلبی خویش می‌نمایند؟ شما در این سالهای پیروزی انقلاب دیدید که ادعاهای آنان با رفتار و عملشان مخالف است و ادعاها فقط برای فریب جوانان صاف دل است و میدانید که شما قدرتی در مقابل سیل خروشان ملت ندارید و کارهایتان جز بضرر خودتان و تباهی عمرتان نتیجه‌ای ندارد.من تکلیف خود را که هدایت است اداء کردم و امید است به این نصیحت که پس از مرگ من بشما میرسد و شائبه قدرت‌طلبی در آن نیست گوش فرا دهید و خود را از عذاب الیم الهی نجات دهید. خداوند منّان شما را هدایت فرماید و صراط مستقیم را بشما بنماید.

وصیت من به چپ‌گرایان مثل کمونیستها و چریکهای فدایی خلق و دیگر گروهها متمایل به چپ، آن است که شماها بدون بررسی صحیح از مکتب‌ها و مکتب اسلام نزد کسانی که از مکتبها و خصوص اسلام اطلاع صحیح دارند با چه انگیزه خودتان را راضی کردید بمکتبی که امروز در دنیا شکست خورده رو آورید و چه شد که دل خود را بچند ایسم که محتوای آنها پیش اهل تحقیق پوچ است خوش کرده‌اید و شما را چه انگیزهٔ وادار کرده که میخواهید کشور خود را بدامن شوروی یا چین بکشید و با ملت خود باسم توده دوستی بجنگ برخاسته یا به توطئه‌هائی برای نفع اجنبی بضد کشور خود و توده‌های ستمدیده دست زدید؟ شما می‌بینید که از اول پیدایش کمونیسم مدعیان آن دیکتاتورترین و قدرت‌طلب و انحصارطلب‌ترین حکومتهای جهان بوده و هستند. چه ملتهائی زیر دست و پای شوروی مدعی طرفدار توده‌ها خورد شدند و از هستی ساقط گردیدند. ملت روسیه، مسلمانان و غیرمسلمانان، تا کنون در زیر فشار دیکتاتوری حزب کمونیست دست‌وپا میزنند و از هرگونه آزادی محروم و در اختناق بالاتر از اختناق‌های دیکتاتورهای جهان بسر میبرند. استالین، که یکی از چهره‌های باصطلاح درخشان حزب بود ورود و خروجش را و تشریفات آن و اشرافیت او را دیدیم. اکنون که شما فریب‌خوردگان در عشق آن رژیم جان میدهید مردم مظلوم شوروی و دیگر اقمار او چون افغانستان از ستمگریهای آنان جان می‌سپارند و آنگاه شما که مدعی طرفداری از خلق هستید بر این خلق محروم در هرجا که دستتان رسیده چه جنایاتی انجام دادید و با اهالی شریف آمل که آنان را بغلط طرفدار پروپاقرص خود معرفی میکردید و عدّه بسیاری را بفریب بجنگ مردم و دولت فرستادید و بکشتن دادید. چه جنایتها که نکردید.و شما طرفدار خلق محروم میخواهید خلق مظلوم و محروم ایران را بدست دیکتاتوری شوروی دهید و چنین خیانتی را با سرپوش فدائی خلق و طرفدار محرومین در حال اجرا هستید، منتهی حزب توده و رفقای آن با توطئه و زیر ماسک طرفداری از جمهوری اسلامی و دیگر گروهها با اسلحه و ترور و انفجار.

مظلوم بی‌پناه مورد اجحاف است. ایا نمیبینید که کشور بیدفاع ما زیر یک پای نظامی بیگانه بوده و با آن همه کمک مستمر میکوشد
و از بهترین دولت و قوای نظامی در قبضه آنان بود و مشاوران و متخصصان آنان با این ملت و فرماندهان چه میکردند
ایا اشتباه نکنید. در سراسر کشور هر کاخ و از عشرت گاه ها و قمارخانه ها و میخانه ها و خانه های شبنشینی و سینماها
هنگیر سالار که هر یک برای تباه کردن نسل جوان عامل بزرگی بوده اند خاطراتی موشه و ایه رسانه های گروهی در مدت سراسر
فساد انگیز و روزنامه های آن روزیم ما بسیار فراوان سپرده ایم و اکنون که از آن بازار کثیف دامن زنی بسیار کشیده بودند
دادگاه ایجنه جان گرفت بیاد گرد بهای منحرف شده که در برابر نام خودن مسلم و جهود و سیاسی کاران انحرافی
انجام میدهند و کشتن مردم که مسئله لازم تشنه و قیام برضد مسلم و جهود و سیاسی میکنند شما را بخدا و خدا قسم
میدهم که با صراحت مسلم را اعلام میکنید و جوانان قیام مسلمانی قیام با قلم و زبان که تنها کار ترقی قیام مسلمانی است را تبرئه
میکنید و دست بر اصلی سیاه قاتلان که مزدوران صهیونیسم فرمده و خود چشم میخوانید و در کنار بازی گرانی که جسارت
بیا کردند و جوانان بیگناه را با ضرب و شتم کوبیده نشسته و تماشا کرده میشوید که مسلمان سیاسی و خدمت دولت
و قوه قضائیه که مسلمین و مستضعفین و مجاهدین را بخواری و ذلت خواهی رسانند شما را و بنیاد و اساس و مسلمین
من باشید برادران که از مواضع آنان با صدای مسلمین و مسلمانان بیشتر از شما هستم تا سخت تر هم نه برای آنان که شما را برای بردند
بلکه برای خدا و کرامت که در پرتو جوانان بازی گرانی بوده که همه را بیاد بازی مسخره گرفته و در صدد تباه کردن کشور و ملت
و دست کشاورزی بیک از دو قطب جهان نگر بوده تا آن که با دست پلید خود جوانان و مردان از دست شده و علما مرید جامعه را شهید
نموده و بکشتار مسلمانان رحم نکرده خود را در جامعه رسوا و در پیشگاه خدا و ملت قهار مخذول نموده و شما با گشت و نوار
که شیطان نشان داده بر آن حکومت میکنید کمی شما برادران مؤمن با دولت و مجلس که شرف دارد مدت مجلس و مسلمین
و برادران سرد با برهنه و از همه مواهب زندگی محروم تا چه حد کار میکنید و نیاز دارید ایا صدا و نیست دولت بنیادی
جهاد را با این گرفت و ریا و باب ایمانی که در دست هر انقلاب است و جنگ تحمیلی با آن هر خدمت و همیشه آواره جلد جهاد
و دفاع و کار شکنیهای بیرون از حد را در این مدت کوتاه مقایسه با کارهای عمرانی رژیم سابق نمودید ایا نمیدانید
که کارهای عمرانی آن زمان اختصاص داشت تقریبا شهرها از نعمت مرفه و فقرا و مردمان محروم از آن امور بهره نداشته
نداشتند و دولت فعلی و بنیادی سیاسی برای این طایفه محروم با جان و دل خدمت میکنند شما زمان هم بشتیبان و پشتیبان
کارها را نمود بنام گیرد و در مقصر پرورده کار که خواه ناخواه خواهی نشان نمیشگاه بنشان او بروید نیز تعداد بر هم شده

من بشما احزاب و گروهها چه آنان که بچپ‌گرائی معروف ــ گرچه بعضی شواهد و قرائن دلالت دارد که اینان کمونیست امریکائی هستند و چه آنان که از غرب ارتزاق میکنند و الهام میگیرند و چه آنها که با اسم خودمختاری و طرفداری از کرد و بلوچ دست باسلحه برده و مردم محروم کردستان و دیگر جاها را از هستی ساقط نموده و مانع از خدمتهای فرهنگی و بهداشتی و اقتصادی و بازسازی دولت جمهوری در آن استانها میشوند، مثل حزب دموکرات و کومله وصیت میکنم که بملت بپیوندند و تاکنون تجربه کرده‌اند که کاری جز بدبخت کردن اهالی آن مناطق نکرده‌اند و نمیتوانند بکنند، پس مصلحت خود و ملت خود و مناطق خود آن است که با دولت تشریک‌مساعی نموده و از یاغی‌گری و خدمت به بیگانگان و خیانت بمیهن خود دست بردارند و بساختن کشور بپردازند و مطمئن باشند که اسلام برای آنان هم از قطب جنایتکار غرب و هم از قطب دیکتاتور شرق بهتر است و آرزوهای انسانی خلق را بهتر انجام میدهد.

و وصیت من بگروههای مسلمان که از روی اشتباه بغرب و احیاناً بشرق تمایل نشان میدهند و از منافقانَ که اکنون خیانتشان معلوم شد گاهی طرفداری میکردند و بمخالفان بدخواهان اسلام از روی خطا و اشتباه گاهی لعن میکردند و طعن میزدند آن است که برسر اشتباه خودپافشاری نکنند و باشهامت اسلامی بخطاء خوداعتراف و با دولت و مجلس و ملت مظلوم برای رضای خداوند هم‌صدا و هم مسیر شده و این مستضعفان تاریخ را از شر مستکبران نجات دهید و کلام مرحوم مدرّس آن روحانی متعهد پاک سیرت و پاک اندیشه را بخاطر بسپرید که در مجلس افسرده آن روز گفت اکنون که باید از بین برویم چرا با دست خود برویم. من هم امروز بیاد آن شهید راه خدا بشما برادران مؤمن عرض میکنم اگر ما با دست جنایتکار آمریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم و این سیره و طریقه انبیاء عظام و ائمه مسلمین و بزرگان دین مبین بوده است و ما باید از آن تبعیت کنیم و باید بخود بباورانیم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگیها زندگی کنند میتوانند و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمیتوانند خلاف ایدهٔ آنان را تحمیل کنند. از افغانستان عبرت باید گرفت با آنکه دولت غاصب و احزاب چپی با شوروی بوده و هستند تا کنون نتوانسته‌اند توده‌های مردم را سرکوب نمایند.

علاوه بر این اکنون ملتهای محروم جهان بیدار شده‌اند و طولی نخواهد کشید که این بیداریها بقیام و نهضت و انقلاب انجامیده و خود را از تحت سلطهٔ ستمگران مستکبر نجات خواهند داد و شما مسلمانان پای‌بند بارزشهای اسلامی می‌بینید که جدائی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد نشان میدهد و مغزهای متفکر بومی بکار افتاده و بسوی خودکفائی پیشروی می‌کند و آنچه کارشناسان خائن غربی و شرقی برای ملت ما محال جلوه میدادند امروز بطور چشم‌گیری با دست و فکر ملت انجام گرفته و انشاءالله تعالی در دراز مدت انجام خواهد گرفت و صد افسوس که این انقلاب دیر تحقق پیدا کرد و لااقل در

د ص - یکی از امری که ما بتوجه شده و کرامت آن است که سهم زیاد سرمایه‌داری را بالا نه و به حساب بسیار کمتر شده‌ای
تحت ستم و ظلم و فشار است بطوری که تا بطور جدی در کتاب است حکم می‌کنند و مخالف است با تمام سیاست‌ها که چه بخش کمی از ملت
از دیدگاه حکومت سوسیالیستی و دولت سازی سیاسی حاکم در سهم مدیریت و دولت خود طوری مانند که اند و با دیدگاه دست برداشته اند
که سهم طرفداران و صد سرمایه داری مالکیت است و این شیوه که با فهم کاخ فوق از سهم برداشت خود اند چه نماند سهم را
پوشانیده و راه را برای سرخوردگان و دشمنان سهم باز نموده که سهم باز نماند و دیگر چون دیدیم سرمایه داری غرب شد
دیدیم امریکا و انگلستان دیگر چه دیگران غرب بحساب آورده و با اطلاق قول و نظر این آزادی با خرخمه اند و با ابتدا بدون
مرجع بسهم شما و تمام سهم بیاورند برخاسته اند و نه دیگر با شده دیدیم که نیم و با کسیم تقسیم است که با مالکیت
فشار مخالف و تا فرا شرکا چیا شده با خصوص زیادی که دو سه ای قدیم تا کنون حتی شراکت در زمین و هم جنس بازی
بوده و یک دیگر قوی بسیار اوکه بنده و در بعد دست جمله سهم یک مدیم مستقل با شناخت مالکیت و همتای آن نیز محدود
در پیه اشتراکی با مالکیت و مصرف که اگر بحق بآن حق شود جرم ای بعد سالم برای می‌نیست و در است جلوی که دو
یک مدیم سالم است نمی‌شود می‌باید در اینجا نیز یک دسته با یک فعیت و با جلوی از سهم و تقاضای سالم آن در طرف
تابع دست اول قرار گرفته و کاهش مشکل بیشتر آن است با جدیت نیج بعد سهم و در نتیجه با مکتب اشتراکی و کمی سال
او صرف خود از در جب بر آیات و فرمات نیج بعد نموده و در خود نیم تا مرفه با فات و در سبب شراکی در تقسیم
بکنند و از گره یک قوی و اختیار کوینده که از شمای سالم را نا دیده گرفته و یک حزب اقلیت با قدرت های سالم شوخی
می‌کنند جایت بکنند و حیث نمی‌بیند و شمای کمیان و دولت و نیز جمعیت و شمای قضایی آن است که در تعارض حال نماند از سال
خاضع بوده و تحت تاثیر تبلیغات با محتوای قطب طلا چاه و گر سرمایه داری و قطب طلا شراکی و کمونیستی واقع نشده و با مالکیت
و سرمایه ای شیوع با صد سوسیالیستی جرم گرایه و بعد اطمینان و بعد تا سرمایه از فعالیتهای سازنده بلاد نشده و دولت
و کشور را بحرکت و صنایع سبک و سنگین برسانند. و به شرط تنبان و پول داران مشتاق و حیث یکم که شمای حاکم
خود را بلاد نشده و فعالیت سازنده در تراکم و در ستاد کارخانه ها برخیزند که این خود جاده و زیر شده است
و بعد در کوشش برای رفاه طبقات محروم و حیث یکم که خیر دنیا و آخرت شما را بسته که بال همدان جامعه است که در طبقات
متشابه و خان خانه دنیا و آخرت بوده اند و چه نیکو است که طبقات تمکن و دارا بطور داوطلب برای زنده و چه نشیان
مسکن و رفاه تهیه کنند و ملتفت باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است و از خیانت و دوست که یا خان دیگر ملدار آیا توان شد
ع - و حیث یا جانب آن طایفه و دعا نمی‌دهد و حق نما که با آنچه ای مشتق با جمعیت سوسیالیستی و نماد ای ان مخالف یکنند
و دست خود و تف بجا و ای آن بنا بیشتر با کافی و طلا و با نگران سیاسی کلک کار بلند کنی شود با پول های گرانی که از سرمایه

اول سلطنت جابرانه کثیف محمدرضا تحقق نیافت و اگر شده بود ایران غارت زده غیر از این ایران بود.

و وصیت من بنویسندگان و گویندگان و روشن‌فکران و اشکال‌تراشان و صاحب عقدگان آن است که بجای آنکه وقت خود را در خلاف مسیر جمهوری اسلامی صرف کنید و هر چه توان دارید در بدبینی و بدخواهی و بدگوئی از مجلس و دولت و سایر خد متگذاران بکار برید وبا این عمل کشور خود را بسوی ابرقدرتها سوق دهید با خدای خود یک شب خلوت کنید و اگر بخداوند عقیده ندارید با وجدان خود خلوت کنید و انگیزه باطنی خود را که بسیار میشود خود انسانها از آن بی‌خبرند بررسی کنید ببینید آیا با کدام معیار و با چه انصاف خون این جوانان قلم قلم شده را در جبهه‌ها و در شهرها نادیده میگیرید و با ملتی که میخواهد از زیر بار ستمگران و غارتگران خارجی و داخلی خارج شود و استقلال و آزادی را با جان خود و فرزندان عزیز خود بدست آورده و با فداکاری میخواهد آن را حفظ کند، به جنگ اعصاب برخاسته‌اید و با اختلاف انگیزی و توطئه‌های خائنانه دامن میزنید و راه را برای مستکبران و ستمگران باز میکنید. آیا بهتر نیست که با فکر و قلم و بیان خود دولت و مجلس و ملت را راهنمائی برای حفظ میهن خود نمائید؟ آیا سزاوار نیست که باین ملت مظلوم محروم کمک کنید و با یاری خود حکومت اسلامی را استقرار دهید؟ آیا این مجلس و رئیس جمهور و دولت و قوه قضائی را از آنچه در زمان رژیم سابق بود بدتر میدانید؟ ایا از یاد برده‌اید ستمهائی که آن رژیم لعنتی بر این ملت مظلوم بی‌پناه روا میداشت؟ آیا نمیدانید که کشور اسلامی در آن زمان یک پایگاه نظامی برای امریکا بود و با آن عمل یک مستعمره می‌کردند و از مجلس تا دولت و قوای نظامی در قبضهٔ آنان بود و مستشاران و صنعتگران و متخصصان آنان با این ملت و ذخائر آن چه میکردند؟ آیا اشاعه فحشاء در سراسر کشور و مراکز فساد از عشرت‌کده‌ها و قمارخانه‌ها و میخانه‌ها و مغازه‌های مشروب‌فروشی و سینماها و دیگر مراکز که هریک برای تباه کردن نسل جوان عاملی بزرگ بود در خاطرتان محو شده؟ آیا رسانه‌های گروهی و مجلات سراسر فسادانگیز و روزنامه‌های آن رژیم را بدست فراموشی سپرده‌اید؟

و اکنون که از آن بازارهای فساد اثری نیست برای آنکه در چند دادگاه یا چند جوان که شاید اکثر از گروههای منحرف نفوذ کرده و برای بدنام نمودن اسلام و جمهوری اسلامی کارهای انحرافی انجام میدهند و کشتن عده‌ای که مفسد فی‌الارض هستند و قیام برضد اسلام و جمهوری اسلامی میکنند شما را بفریاد در آورده و با کسانی که با صراحت اسلام را محکوم می‌کنند و برضد آن قیام مسلحانه یا قیام با قلم و زبان که اسفناک‌تر از قیام مسلحانه است نموده‌اند پیوند میکنید و دست برادری میدهید و آنان را که خداوند مهدورالدّم فرموده نور چشم میخوانید و در کنار بازی‌گرانی که فاجعه ۱۴ اسفند را برپا کردند و جوانان بی‌گناه را با ضرب و شتم کوبیدند نشسته و تماشاگر معرکه میشوید، یک عمل اسلامی و اخلاقی است و عمل دولت و قوه قضائیه که معاندین و منحرفین و ملحدین را بجزای اعمال خویش می‌رسانند شما را بفریاد در آورده و داد مظلومیت میزنید من برای

داران به خبر از خدا دریافت برای این مقصد میکنند کلکهای کهن نمایند آن است که شما را طرفداران این خط کاری را کنون
نه بسته و بعد از این هم گمان ندارم به بینید بهتر آن است که اگر برای دنیا این عمل دست زده اید خدا و نه خواهد شد که شما
بمقصد شوم خود برسید تا در توبه باز است از پناه خدا و نه عفو نخواهید بود و باعث مستحق مطلوب اهل حسد اشوید و از جمهوری
اسلامی که با خدا لاریب است بدست آمد حمایت کنید که خیر دنیا و آخرت در آن است گرچه گمان ندارم که موفق بتوبه
شوید و اما به آن دسته که از روی مبنی شبهات یا بعضی خطاها به عمل و جهه غیر عمدی که از اشخاص مختلف یا گروهها صادر
شده و مخالف با اسلام بوده است با اصل جمهوری اسلامی و حکومت آن مخالفت شده و میکنند و برای خدا در برانداختن
آن فعالیت مینمایند و با تصور خودشان این جمهوری را رژیم سلطنتی بدتر یا مثل آن است با نیت صادق در خدمات تلاش کنند
و اندکی انصاف مقایسه نمایند با حکومت و رژیم سابق و باز توجه نمایند که در انقلاب دنیا هرج و مرج و غلط روی داده و فرصت
طلبها نیز تاخت و تاز است و شما اگر توجه نمایید و اگر قضاوت این جمهوری را در نظر بگیرید و از تبلیغات و دروغ
و حمله مسلحانه خارج مرز و دراخل و نفوذ نیز تاخت و تاز گرهای مفسدان و دشمنان اسلام در تمام ارکان و دقت مقصد
ناظر کردن است از اسلام و حکومت اسلامی و تازه کار بودن اکثر یا بسیاری از مسئولین امور و بخش شایعات و دروغین
از یک نیکه از استفاده های کهن غیر مشروع باز مانده یا استفاده آنان کم شده و کم بر چشم گرفتن شرع و گرفتن دیگران قضاوت
کردن و شهادت علیه در تصفیه و تنزیه مقصدان چند میوه و کم بها مردمان صالح کاران و متخصص و ده اگر قضاوت را یک
تا نسان و اندکی باشد از آنها به خیر است و از طرف شما خرخه سلطنت طلب سرمایه دار و تنگلت که با خارج و سود
جوئان و با اخراج از دزدان فرشی بدر سام آورده و تا چاق و چلاق مستمندان و محرومان جامعه را تا حد هلاکت در فشار
قرار داده و جامعه را بفساد می کشند نزد شما آنان بشایت و فریب کاری آمده و لاهیم برای باز آمدن و خود را
مسلمان خالص نشان دادن بعنوان اسلامی میدهند و هنگ شاع میزنند و شما را عصبانی کرده بمخالفت برمی انگیزند و بسیاری
از آنان با استفاده از شایع خون مردم را می مکند و قضاوت کشتگان را شکست می کنند اینجانب نصیحت و توصیه برادرانه
میکنم که آنان محترم تمت تا تیر این گونه شایعه سازیها قرار نگیرند و برای خدا و حفظ اسلام این جمهوری را تقویت نمایند
و باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد بجای آن یک رژیم اسلامی و نخواه بیشتر مردمی خواهد یا طبع امر
شما آنان تحقق نخواهد پیوست بلکه یک رژیم و نخواه یک از دو قطب قدرت بحکومت برسد و محرومان جهان که با اسلام
و حکومت اسلامی دل آورده و دل باخته اند نابود میشوند و اسلام برای همیشه نفرین خدا و شما و دوزخ که در آن خود
پشیمان میشوید که کار گذشته و دیگر پشیمانی سودی ندارد و شما آنان اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام
و احکام خداوند تعالی تحول شود یک اشتباه است قدرت تاریخ بشر چنین معجزه سودی نداده است و نخواهد داد

شما برادران که از سوابقتان تا حدی مطلع و علاقمند به بعضی از شما هستم متأسف هستم نه برای آنان که اشراری بودند در لباس خیرخواهی و گرگهایی در پوشش چوپان و بازیگرانی بودند که همه را بباد بازی و مسخره گرفته و درصدد تباه کردن کشور و ملت و خدمتگزاری به یکی از دو قطب چپاولگر بودند.

آنان که با دست پلید خود جوانان و مردان ارزشمند و علماء مربی جامعه را شهید نمودند و به کودکان مظلوم مسلمانان رحم نکردند خود را در جامعه رسوا و در پیشگاه خداوند قهار مخذول نمودند و راه بازگشت ندارند که شیطان نفس اماره بر آنان حکومت میکند لکن شما برادران مؤمن با دولت و مجلس که کوشش دارد خدمت به محرومین و مظلومین و برادران سروپا برهنه و از همهٔ مواهب زندگی محروم نماید چرا کمک نمی‌کنید و شکایت دارید؟ آیا مقدار خدمت دولت و بنیادهای جمهوری را با این گرفتاریها و نابسامانیها که لازمهٔ هر انقلاب است و جنگ تحمیلی با آن همه خسارت و میلیونها آوارهٔ خارجی و داخلی و کارشکنیهای بیرون از حد را در این مدت کوتاه مقایسه با کارهای عمرانی رژیم سابق نموده‌اید آیا نمیدانید که کارهای عمرانی آن زمان اختصاص داشت تقریباً به شهرها آنهم به محلات مرفه. و فقراء و مردمان محروم از آن امور بهره ناچیز داشته یا نداشتند و دولت فعلی و بنیادهای اسلامی برای این طایفه محروم با جان و دل خدمت میکنند شما مؤمنان هم پشتیبان دولت باشید تا کارها زود انجام گیرد و در محضر پروردگار که خواه‌ناخواه خواهید رفت با نشان خدمتگزاری به بندگان او بروید.[این مقدار بریده شده را خودم انجام دادم.

س ــ یکی از اموری که لازم بتوصیه و تذکر است آن است که اسلام نه با سرمایه‌داری ظالمانه و بی‌حساب و محروم کننده توده‌های تحت ستم و مظلوم موافق است، بلکه آنرا به طور جدی در کتاب و سنت محکوم میکند و مخالف عدالت اجتماعی میداند. گرچه بعض کج‌فهمان بی‌اطلاع از رژیم حکومت اسلامی و از مسائل سیاسی حاکم در اسلام در گفتار و نوشتار خود طوری وانمود کرده‌اند و بازهم دست برنداشته‌اند که اسلام طرفدار بی‌مرز و حد سرمایه‌داری و مالکیت است و با این شیوه که با فهم کج خویش از اسلام برداشت نموده‌اند چهرهٔ نورانی اسلام را پوشانیده و راه را برای مغرضان و دشمنان اسلام باز نموده که به اسلام بتازند و آنرا رژیمی چون رژیم سرمایه‌داری غرب مثل رژیم امریکا و انگلستان و دیگر چپاولگران غرب بحساب آورند و با اتکال به قول و فعل این نادانان یا غرضمندانه و یا ابلهانه بدون مراجعه باسلام‌شناسان واقعی با اسلام بمعارضه برخاسته‌اند و نه رژیمی مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل باشتراک میباشند با اختلاف زیادی که دوره‌های قدیم تاکنون حتی اشتراک در زن و همجنس‌بازی بوده و یک دیکتاتوری و استبداد کوبنده در برداشته، بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام بآن بنحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف که اگر بحق به آن عمل شود چرخ‌های اقتصاد سالم براه می‌افتد و عدالت اجتماعی که لازمهٔ یک رژیم سالم است تحقق می‌یابد.

و آن روزی است که به تمامی مصلح کل ظهور نماید و نمایان گردد که یک جزء شود و یک موج عالم جمیع شود و جمیع با کوشش
و فداکاری استقلال را مرکوب و منتهی شود و اگر نظر شما نظر منبر جهان صحیح است آن است که برای طلب آن بزرگوار
باید کوشش و تحقیق کنید و علم کرد تا عالم را ظلم فرا گیرد و مقدمات ظهور فراهم شود فانتظروا انا معکم من المنتظرین

(ف — وصیت به جمیع سلطان و مستضعفان جهان این است که شما با یکدیگر بنشینید و مطمئن باشید که حکام و دستاندرکاران
کشورتان یا قدرتهای خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند و شما ادعا نمائید این صد
سال اخیر که به تدریج با قدرتهای بزرگ جهان خوار بوده کشورهای سیدی و بسا کشورهای کوچک باز شده است چه کنیم
یا تاریخ صحیح برای ما باز کرده که هیچیک از دول حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملتهای خود نبوده
و نیستند بلکه اکثر یا تقریب باتفاق آنان یا خود بشکلی و اتفاق ملت خود پرداخته و هر چه که از برای منافع شخصی یا گروهی
نموده یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ نشین از همه مواهب زندگی حتی شراب و نان
و قوت لایموت محروم بوده و آن بیچارگان را برای منافع قشر مرفه و عیاش بلا گرفته اند و یا آنکه دست نشاندگان قدرتهای
بزرگ بوده اند که برای وابسته کردن کشورها و ملتها هر چه توان داشته اند بلا گرفته و با حیله های مختلف کشورها را با مارکهای
شرق و غرب دست کشیده و منافع آنان را تأمین نموده اند و ملتها را عقب مانده و مصرف بار آورده و کنون نیز با این نقشه
معرکه کشته و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای سیدی و سلطان جهان بپا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید
و از جا همی بیفتاد ابر قدرتها و عمال سرپرده آنان نترسید و حکام خیانتکار که دستور شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز
تسلیم میکنند از کشور خود برانید و خود و طبقات مستضعف کشور تصدی تمام امور را بدست گیرید و همه در زیر پرچم
پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان برخاسته بر خیزید و بسوی یکسدست سیدی با جمهوریهای آزاد و مستقل
پیش روید که با تحقیق آن همه مستکبران جهان را بجای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را با امامت و وراثت ارض
خواهید رساند با مید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است

(ص — یک مرتبه دیگر در خاتمه این وصیتنامه بملت شریف ایران وصیت میکنم که در جهان جمع تحمل زحمات و رنجها
و فداکاریها و جان نثاریها و محرومیتها مناسب جمع بزرگی مقصود و ارزشمند و علو رتبه آن است انچه ملت شما
ملت شریف و بیدار برای آن پا فشرده و فداکاری میکنید و برای آن جان و مال نثار کرده و میکنید والاترین و بالاترین
و ارزشمندترین مقصد و مقصودی است که از صدر عالم و از اول و از پیر این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد
و آن مکتب الاهیت یعنی و صبح آن و ایمان توحید با ابعاد و رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در بنا و در وجود
همه درجات و مراتب غیب و شهود است و آن در کتب مقدسه صحف ابراهیم و موسی و انجیل و تورات و قرآن و در جمیع کتب آسمانی
و کوشش تمام انبیاء عظام علیهم السلام و اولیاء معظم علیهم السلام برای تحقق آن بوده و در راه یا به بلای سلطان و جهال

در اینجا نیز یک دسته با کج فهمیها و بی‌اطلاعی از اسلام و اقتصاد سالم آن در طرف مقابل دستهٔ اول قرار گرفته و گاهی با تمسک به بعض آیات یا جملات نهج‌البلاغه اسلام را موافق با مکتبهای انحرافی مارکس و امثال او معرفی نموده‌اند و توجه بسایر آیات و فقرات نهج‌البلاغه ننموده و سرخود، بفهم قاصر خود، بپا خاسته و مذهب اشتراکی را تعقیب میکنند و از کفر و دیکتاتوری و اختناق کوبنده که ارزشهای انسانی را نادیده گرفته و یک حزب اقلیت با توده‌های انسانی مثل حیوانات عمل میکنند، حمایت میکنند.

وصیت من بمجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و شورای قضائی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده و تحت تأثیر تبلیغات بی محتوای قطب ظالم چپاولگر سرمایه‌داری و قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع نشوید و بمالکیت و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید و بملت اطمینان دهید تا سرمایه‌ها و فعالیتهای سازنده بکار افتند و دولت و کشور را بخودکفائی و صنایع سبک و سنگین برسانند. و به ثروتمندان و پول‌داران مشروع وصیت میکنم که ثروت‌های عادلانه خود را بکار اندازید و بفعالیت سازنده در مزارع و روستاها و کارخانه‌ها برخیزید که این خود عبادتی ارزشمند است.

و بهمه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت میکنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی بحال محرومان جامعه است که در طول تاریخ ستمشاهی و خان‌خانی در رنج و زحمت بوده‌اند. و چه نیکو است که طبقات تمکن دار بطور داوطلب برای زاغه و چپرنشینان مسکن و رفاه تهیه کنند و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است و از انصاف به دور است که یکی بی خانمان و یکی دارای آپارتمان‌ها باشد.

ع ــ وصیت اینجانب به آن طایفه از روحانیون و روحانی‌نماها که با انگیزه‌های مختلف با جمهوری اسلامی و نهادهای آن مخالفت میکنند و وقت خود را وقف براندازی آن‌مینمایند و بامخالفان توطئه‌گر و بازی‌گران سیاسی کمک‌وگاهی بطوری‌که نقل میشود با پولهای گزافی که از سرمایه‌داران بی‌خبر از خدا دریافت برای این مقصد میکنند کمکهای کلان می‌نمایند آن است که شماها طرفی از این غلط کاری‌ها تاکنون نبسته و بعد از این هم گمان ندارم ببندید. بهتر آن است که اگر برای دنیا به این عمل دست زده‌اید و خداوند نخواهد گذاشت که شما بمقصد شوم خود برسید، تا در توبه باز است از پیشگاه خداوند عذر بخواهید و با ملت مستمند مظلوم هم‌صدا شوید و از جمهوری اسلامی که با فداکاریهای ملت بدست آمده حمایت کنید که خیر دنیا و آخرت در آن است. گرچه گمان ندارم که موفق به توبه شوید. و اما به آن دسته که از روی بعض اشتباهات یا بعض خطاها چه عمدی و چه غیرعمدی که از اشخاص مختلف یا گروهها صادر شده و مخالف با احکام اسلام بوده است با اصل جمهوری اسلامی و حکومت آن مخالفت شدید میکنند و برای خدا در براندازی آن فعالیت مینمایند و با تصور خودشان این جمهوری از رژیم سلطنتی بدتر یا مثل آن است، با نیت صادق در خلوات تفکر کنند و از روی انصاف مقایسه نمایند با حکومت و رژیم سابق و باز توجه نمایند که در انقلابهای دنیا هرج و مرجها و غلط روی‌ها و

بشارت جز با آن میسر نگردد و آن است که خاکیان را بر ملکوتیان و برتر از آنان شرافت داده و آنچه برای خاکیان لازم است آن
حاصل شود برای هیچ موجودی در سراسر خلقت در مرتبه‌ی حاصل نشده است. شما ای ملت مجاهد عزیز بر چه می‌روید که در سراسر جهان
از مشرق تا مغرب آن را یا نیابید یا بیابید. شما راهی را می‌روید که تنها راه تمام انبیا و علیهم السلام بوده و یکتا راه سعادت
مطلق است. در این انگیزه است که جهادیان شهادت طلب راه آن با خوشی می‌کشند و مرگ مرغ را اقتباس می‌کنند و
جوانان شاهد جبهه‌ها جرعه‌ی آن را نوشیده و به جوار آمده‌اند. مادران و خواهران و پدران و برادران آنان جلوه‌ی
و ما باید بحق بگوییم با لسان گنگ مکلم فتنه‌ی خود را عظیم گلاه با برتر آن از نسیم دل آرا آن جلوه‌ی شهادت انگیز و باید بدانیم که
طرفه‌ی از این جلوه در گشت نظر ای سربازان در کارخانه‌ای آن نیز در کارگاه‌ها در مراکز صنعت و اجتماع
در حالت جلوه‌گر است در بازار و خیابان‌ها در دشت‌ها و همه کس که متصدی این امور بزرگ است و جهاد در سبیل الله و شرافت
و خود کفایی کشور بر عهده‌ی اشتغال دارند جلوه‌گر است. تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است کشور عزیز از نهیب دشمن
نشد. به تعالی مصون است. بحمد الله تعالی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و جوانان عزیز مراکز علم و تربیت از این نفحه‌ی الهی غیبی
برخوردارند و این مراکز در دست در اختیار آنان است و باید خدا رحمت بر شهدا و نیز بر آن نوجوانان گناه و دست‌ها
که با یاد خدای متعال بسی خود شاهی و خود کفایی و تعهد با همه‌ی نیروی پیشرو و با تردید دست خدا با شما است اگر شما در دست
او باشید و برای ترقی و تعالی کشور بروح تعاون اقدام دهید و این جانب با آنچه در حق عزیز از بیداری و شهامت
و تعهد و خدا را می‌روح تعاون و صداقت در راه حق می‌دانیم و امید آن دارم که بفضل خداوند متعال این سال آینده
با فتح حق مختص شود و شعار بعد نسبی آن را فرزند گلاه با دل آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری سرشار از فضل خدا
از دست خواهران و برادران مرخص و بسوی جایگاه اجر سفر می‌کنم و به این خبر شما احتیاج مبرم دارم. از خدای خود می‌خواهم
که عنایم را در کوتاهی فرصت و قصور و تقصیر به بزرگی دارد. از ملت همیشه دارم که عنایم را در کوتاهی و قصور و تقصیر بپذیرند
و با قدرت و تصمیم اراده پیش بروند و بدانند که با وقت یک دست گرفته دست آهنین ملت خلع خاص نخواهد شد
که دست کشاورزان با دست دوا دست تر دست نشسته. حافظ گفته در این حق بیشتر جهان تا بهشت علیکم و علی عباد الله الصالحین
در حالت بسم الله الرحمن الرحیم ۲۶ بهمن ۱۳۶۱/۱/ جمادی الاول ۱۴۰۳ روح الله الموسوی الخمینی

بقیه

این وصیت‌نامه را پس از مرگ من احمد خمینی برای مردم بخوانند و در صورت صدور رأی مجتهد یا رئیس محترم جمهوری یا رئیس محترم دیوان عالی
کشور نیز رخصت را بپذیرند و در صورت صدور رأی از فقهای محترم کنجکاوی نیز رخصت را تغییر نماید روح الله الموسوی الخمینی

فرصت‌طلبیها غیرقابل اجتناب است و شما اگر توجه نمائید و گرفتاریهای این جمهوری را در نظر بگیرید از قبیل توطئه‌ها و تبلیغات دروغین و حمله مسلحانهٔ خارج مرز و داخل و نفوذ غیرقابل اجتناب گروههایی از مفسدان و مخالفان اسلام در تمام ارگانهای دولتی بقصد ناراضی کردن ملت از اسلام و حکومت اسلامی و تازه‌کار بودن اکثر یا بسیاری از متصدیان امور و پخش شایعات دروغین از کسانیکه از استفاده‌های کلان غیرمشروع بازمانده یا استفاده آنان کم شده و کمبود چشم‌گیر قضات شرع و گرفتاریهای اقتصادی کمرشکن و اشکالات عظیم در تصفیه و تهذیب متصدیان چند میلیونی و کمبود مردمان صالح کاردان و متخصص و دهها گرفتاری دیگر که تا انسان وارد گود نباشد از آنها بی‌خبر است. و از طرفی اشخاص غرضمند سلطنت‌طلب سرمایه‌دار هنگفت که با رباخواری و سودجویی و با اخراج ارز و گران‌فروشی بحد سرسام‌آور و قاچاق و احتکار، مستمندان و محرومان جامعه را تا حد هلاکت در فشار قرار داده و جامعه را بفساد می‌کشند، نزد شما آقایان بشکایت و فریب‌کاری آمده و گاهی هم برای باور آوردن و خود را مسلمان خالص نشان دادن بعنوان سهم مبلغی میدهند و اشک تمساح می‌ریزند و شما را عصبانی کرده بمخالفت بر می‌انگیزانند،که بسیاری از آنان با استفاده‌های نامشروع خون مردم را می‌مکند و اقتصاد کشور را به شکست می‌کشند. اینجانب نصیحت متواضعانهٔ برادرانه میکنم که آقایان محترم تحت تأثیر این گونه شایعه‌سازیها قرار نگیرند و برای خدا و حفظ اسلام این جمهوری را تقویت نمایند و باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد و بجای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیةالله روحی فداه یا مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد پیدا کرد. بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت میرسد و محرومان جهان که باسلام و حکومت اسلامی روی آورده و دل باخته‌اند مأیوس میشوند و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد و شماها روزی از کردار خود پشیمان میشوید که کار گذشته و دیگر پشیمانی سودی ندارد و شما آقایان اگر توقع دارید که در یک شب همه امور برطبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود یک اشتباه است و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد.

و آن روزی که انشاألله تعالی مصلح کل ظهور نماید گمان نکنید که یک معجزه شود و یک روزه عالم اصلاح شود. بلکه با کوششها و فداکاری‌ها ستمکاران سرکوب و منزوی میشوند. و اگر نظر شماها مثل نظر بعضی عامیهای منحرف آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فرا گیرد و مقدمات ظهور فراهم شود. فاناللهوانااليه‌راجعون.

ف ــ وصیت من بهمه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکّام و دست‌اندرکاران کشورتان یا قدرتهای خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند. ما و شماها لااقل در این صد سال اخیر که بتدریج پای قدرتهای بزرگ جهان‌خوار بهمه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است مشاهده کردیم یا تاریخهای صحیح برای ما بازگو کردند که

بقیه مدرک شماره ۲۹ صفحه گذشته مطلب را تکرار میکند

(۱) اکنون که من حاضرم بعضی نوشته‌ها را بدهم بعید دانسته میشود ممکن است پس از من در جمع آن افزوده شود لهذا عرض میکنم آنچه بین نسخه‌ها نوشته شده
یا بشود صحت تصدیق نکرده‌ام که صحت آن را یا غلط و نشان نمی‌شود با تصدیق کارشناسان یا در بیان جمعیت اسرائیلی چیزی گفته باشم

(۲) همانطور در حال حیات من ادعا نمودند که اسناد و مدارک اینجانب نوشته‌اند که این مطلب را شنیده‌ام تکذیب میکنم تا کنون هیچ اسناد را غیر نوشته خود تصدیق نکرده‌ام

(۳) در قرار نامه که بعضی ادعا کرده‌اند که رفتن من با پدرم و سیف‌زادگان بود دروغ صریح است من پدرم را برگردانم لندکیت با شورت احمد پاریس را انتخاب نمود
نیز اسناد اسرائیلی و تمام ملاقات‌ها و دادن بعد از آن تحت نفوذ شاه بوده و ملاقات پاریس تمام بود

(۴) من در صحت نیست و نهضت بر علیه سازمان بهائیت نمی‌دانم فقط از افراد که از آنها آن کرده و تحسین نمایم که بعد فعلیه نه دشمن از زمان فعال شده‌ام آن آیه‌ها
در حالی بود که خود را جمعیت اسرائیلی متعهد و وفادار می‌نمایند و با یاد نمایند سازمان تهاده شود و نیز آن در هر کس حال منع او است

ربیع الاول

هیچیک از دول حاکم براین کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملتهای خود نبوده و نیستند. بلکه اکثریت قریب باتفاق آنان یا خود بستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هر چه کرده‌اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپرنشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عیاش بکار گرفته‌اند و یا آنکه دست نشاندگان قدرتهای بزرگ بوده‌اند که برای وابسته کردن کشورها و ملتها هر چه توان داشته‌اند بکار گرفته و با حیله‌های مختلف کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست کرده و منافع آنان را تامین نموده‌اند و ملتها را عقب مانده و مصرفی بار آوردند و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابر قدرتها و عمّال سرسپردهٔ آنان نترسید و حکام جنایتکار که دسترنج شما را بدشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم میکنند از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمت‌گزار متعهد زمام امور را بدست گیرید و همهٔ در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان بدفاع برخیزید و بسوی یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن همهٔ مستکبران جهان را بجای خود خواهید نشاند و همهٔ مستضعفان را بامامت و وراثت ارض خواهید رساند بامید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.

ص ــ یک مرتبهٔ دیگر در خاتمهٔ این وصیتامه بملت شریف ایران وصیت میکنم که در جهان حجم تحمل زحمتها و رنجها و فداکاریها و جان نثاریها و محرومیتها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علوّ رتبهٔ آن است.آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپاخاستید و دنبال میکنید و برای آن جان و مال نثار کرده و میکنید والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد و آن مکتب الوهیت بمعنی وسیع آن و ایدهٔ توحید باابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهناور وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است؛ و آن در مکتب محمدی صلی‌الله علیه وآله و سلم بتمام معنی و درجات و ابعاد متجلّی شده و کوشش تمام انبیاء عظام علیهم سلام الله و اولیاءعظّم سلام‌الله علیهم برای تحقق آن بوده و راه‌یابی بکمال مطلق و جلال و جمال بی‌نهایت جز با آن میسر نگردد، آن است که خاکیان را بر ملکوتیان و برتر از آنان شرافت داده و آنچه برای خاکیان از سیر در آن حاصل میشود برای هیچ موجودی در سراسر خلقت در سرّ و علن حاصل نشود.

شما ای ملت مجاهد در زیر پرچمی میروید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است. بیابید آن را یا نیابید.شما راهی را می‌روید که تنها راه تمام انبیاء علیهم سلام الله و یکتا راه سعادت مطلق است. در این انگیزه است که همهٔ اولیاء شهادت را در راه آن بآغوش می‌کشند و مرگ سرخ را اَحلی مِن العسل میدانند و جوانان شما در جبهه‌ها جرعهٔ از آن را نوشیده و بوجود آمده‌اند و در مادران و خواهران و پدران و برادران آنان جلوه

نموده و ما باید بحق بگوئیم یا لیتنا کنّا معکم فنفوز فوزاً عظیما. گوارا باد بر آنان آن نسیم دل‌آرا و آن جلوهٔ شورانگیز و باید بدانیم که طرفی از این جلوه در کشتزارهای سوزان و در کارخانه‌های توان‌فرسا و در کارگاهها و در مراکز صنعت و اختراع و ابداع و در ملت بطور اکثریت در بازارها و خیابانها و روستاها و همه کسانی که متصدی این امور برای اسلام و جمهوری اسلامی و پیشرفت و خودکفایی کشور بخدمتی اشتغال دارند جلوه‌گر است. و تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است کشور عزیز از آسیب دهر انشاءالله تعالی مصون است. و بحمدالله تعالی حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و جوانان عزیز مراکز علم و تربیت از این نفحه الهی غیبی برخوردارند و این مراکز در بست در اختیار آنان است و بامید خدا دست تبهکاران و منحرفان از آنها کوتاه.

و وصیت من بهمه آن است که با یاد خدای متعال بسوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال با همه ابعادش به پیش و بی‌تردید دست خدا با شما است اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی بروح تعاون ادامه دهید و اینجانب با آنچه در ملت عزیز از بیداری و هوشیاری و تعهد و فداکاری و روح مقاومت و صلابت در راه حق می‌بینم و امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معانی انسانی به اعقاب ملت منتقل شود و نسلاً بعد نسل بر آن افزوده گردد.

با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و بسوی جایگاه ابدی سفر میکنم. و بدعای خیر شما احتیاج مبرم دارم و از خدای رحمن و رحیم می‌خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد و از ملت امیدوارم که عذرم را در کوتاهی‌ها و قصور و تقصیرها بپذیرند و با قدرت و تصمیم اراده به پیش روند و بدانند که با رفتن یک خدمتگزار در سدّ آهنین ملت خللی حاصل نخواهد شد که خدمتگزاران بالا و والاتر در خدمتند والله نگهدار این ملت و مظلومان جهان است.

والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین و رحمت‌الله و برکاته

۲۶ بهمن ۱۳۶۱ / ۱ جمادی‌الاول ۱۴۰۳

روح‌الله الموسوی الخمینی

بسمه‌تعالی

این وصیت‌نامه را پس از مرگ من احمد خمینی برای مردم بخواند و در صورت عذر، رئیس محترم جمهور یا رئیس محترم شورای اسلامی یا رئیس محترم دیوان‌عالی کشور، این زحمت را بپذیرند و در صورت عذر، یکی از فقهاء محترم نگهبان این زحمت را قبول نماید.

روح‌الله الموسوی الخمینی

بسمه‌تعالی

در زیر این وصیت‌نامهٔ ۲۹ صفحه‌ای و مقدمه چند مطلب را تذکر میدهم:

(۱) اکنون که من حاضرم، بعض نسبتهای بی‌واقعیت بمن داده میشود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود.لهذا عرض میکنم آنچه بمن نسبت داده شده یا میشود مورد تصدیق نیست مگر آنکه صدای من یا خط و امضاء من باشد با تصدیق کارشناسان یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.

(۲) اشخاصی در حال حیوة من ادعا نموده‌اند که اعلامیه‌های اینجانب را مینوشته‌اند. این مطلب را شدیداً تکذیب میکنم تاکنون هیچ اعلامیه‌ای را غیر شخص خودم تهیه نکرده است.

(۳) از قرار مذکور بعضی‌ها ادعا کرده‌اند که رفتن من بپاریس بوسیلهٔ آنان بوده. این دروغ است. من پس از برگرداندنم از کویت با مشورت احمد پاریس را انتخاب نمودم زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه ندادن بود. آنان تحت نفوذ شاه بودند ولی پاریس این احتمال نبود.

(۴) من در طول مدت نهضت و انقلاب بواسطه سالوسی و اسلام نمائی بعضی افراد ذکری از آنان کرده و تمجیدی نموده‌ام که بعد فهمیدم ازدغل‌بازی آنان اغفال شده‌ام آن تمجیدها در حالی بود که خود را بجمهوری اسلامی متعهد و وفادار می‌نمایاندند و نباید از آن مسائل سوء استفاده شود. و میزان در هرکس حال فعلی او است.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی